

تاریخ هفتاد ساله

پلیس ایران

نگارش

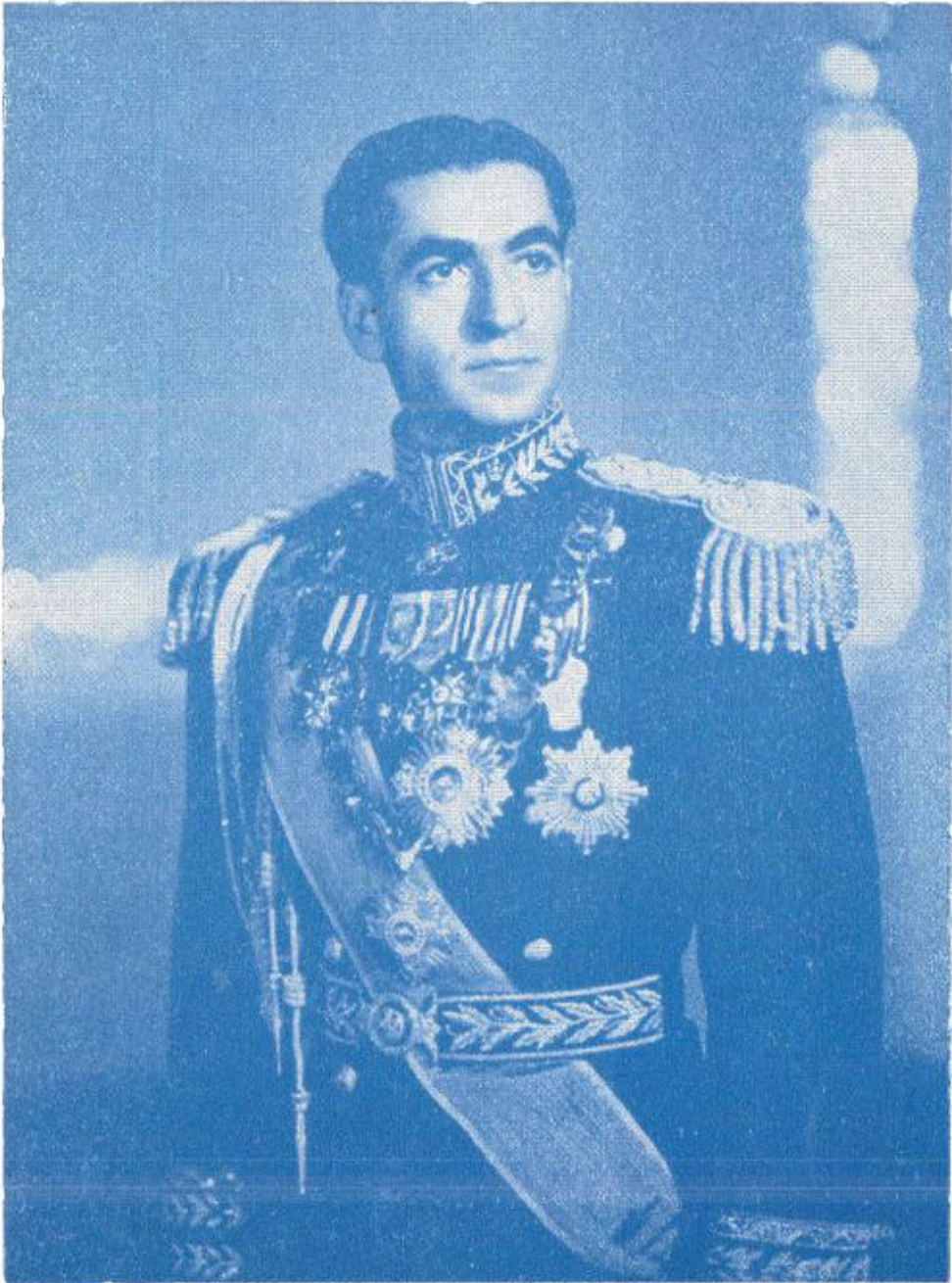
پاشا لواء مختاری

حق چاپ محفوظ و مخصوص نبوده است

قیمت ۳۵ ریال

شهریور ۱۳۲۹

چاپخانه آرش



اعلیحضرت همایون محمد رضا شاه پهلوی شاهنشاه محبوب ایران

بقلم استاد ارجمند آقای دکتر رضا زاده شفق سناتور محترم

تا آنجا که اینجانب اطلاع دارم اطلاعاتی در باره تاسیس و تشکیلات
شهربانی ایران در عصر مشروطیت در زبان فارسی وجود نداشت و تنها مجله
شهربانی بود که گاهی مطالبی و اخباری در این باب نشر میکرد که آنهم برای
مشائقان اطلاع از جریان تاریخی کافی نبود. کتاب حاضر که باهمت مؤلف محترم
آن آقای پاشا مختاری تهیه شده است اولین کتابی است از نوع خود که این
موضوع مهم را تعقیب کرده و از عهد آن گرچه بطور اختصار باشد برآمده است
این کتاب مفید و مختصر بطوریکه دیده میشود در چهار بخش است که در ضمن
آن تاریخ مختصر و نظامنامه و تشکیلات و تکامل شهربانی ایران با ذکر و معرفی
افسران و پایوران آمده است. و سازمان اداره شهربانی توضیح و تشریح شده و
شهربانیهای ولایات نیز مذکور افتاده بعلاوه در آغاز کتاب هدف و منظور شهربانی
بیان شده است. تردیدی نیست که شهربانی ممالک عصر حاضر در راه تأمین
آسایش و امنیت و حفظ انتظامات و حسن جریان امور شهرها و اجرای قوانین و
مقررات سهمی بزرگ دارد و بی‌مبالغه توان گفت یکی از مظاهر تمدن و شایستگی
اقوام همانا تشکیلات و طرز رفتار و عملیات شهربانیهای آن اقوام است. امید من
اینست دستگاه شهربانی جدید ایران نیز که مؤسسه ایست جوان و عمرش هنوز
به نیم قرن نرسیده است بتدریج نقایص و معایب خود را از بین ببرد و رو به تکامل
برود و به هدف اصلی خود که رفاه واقعی مردم است هر روز نزدیکتر شود و این
گونه کتابها و کتابهای دیگر در شرح ارزش و عملیات و اهمیت آن بیشتر انتشار
یابد و عامه مردم چنانکه سزاوار است به معنا و منظور واقعی شهربانی پی ببرند
و همانطور که مأموران شهربانی باید وظائف خطیر خود را بدانند مردم نیز
بنوبه خود وظائف خود را نسبت به شهربانی و کلیه مؤسسات انتظامی کشور
بشناسند و عمل نمایند

ظهران آذرماه ۱۳۲۹

دکتر رضا زاده شفق

انتشار يك كتاب تاريخی

مدتی بود که دوست خون گرم و شاداب ما آقای پاشا لواء مختاری در اجتماعات دیده نمیشد و بسیاری اوقات که بدفتر کار او وارد میشدم ویرا سخت مشغول میدیدم کتب و مجلات بسیاری روی میز او مشاهده میشد که افکار عمیق او را معطوف داشته بود تا اینکه دانستم ایشان مشغول نگارش تاریخی در باره شهربانی ایران هستند بسیار خوشنود شدم زیرا من در یکی از تالیفاتم بنام تاریخ ۲۵ ساله ارتش شاهنشاهی ایران اطلاعاتی در باره شهربانی ایران هندرج ساخته بودم ولی چون آن کتاب در باره ارتش بود نتوانستم مفصلاً در باره شهربانی بسط مقال دهم ولی ضمن تنبیح باین نکته پی بردم که اگر کتابی در باره شهربانی ایران نگاشته شود جای آن را خواهد داشت که هزاران نفر مطالعه کنند داشته باشد

اکنون این عمل را آقای پاشا مختاری به بهترین وجهی انجام داده اند زیرا ایشان پی برده اند که طبقه روشن کشور علاقه دارند باینکه کتابهای سازمانی کشور خود را بیشتر مطالعه کنند و این کتاب مخصوصاً از لحاظ اینکه بمعنویت و تشکیلات پلیس بیشتر پرداخته حتماً جالب توجه و جذاب دله خواهد گردید

پاشا مختاری جوانی است بسیار خلیق و خوش قلب و مهربان و دارای سجایای پسندیده و چون در این سن کم دانش عمیقی گرد آورده است امید ترقیات درخشانی برای آینده ایشان دارم

۲۶ آذرماه ۱۳۲۹ ذبیح‌الله قدیمی

مدیر روزنامه بومیه آریان

(مقدمه)

در کشور های زنده و مترقی جهان تشکیلات و سازمانهای بزرگ و کوچک دولتی بالاخص آنهائیکه بیشتر طرف توجه و مورد احتیاج مردم هستند هر کدام تاریخچه و رساله هائی دارند که بوسیله آنها میتوان بتاریخ ایجاد و طرز تشکیل اداره و طرز سازمان آنها پی برد و از سوابق و تکامل تدریجی آنها اطلاع حاصل نمود. ممالک بزرگ دنیا برای حفظ تغییرات و تحولات وسیع تشکیلات و همچنین برای معرفی امور و آشنائی مردم بسازمانهای خود از دو وسیله استفاده میکنند که یکی بنام (تاریخچه اداری) و دیگری (نشریه دائمی) خوانده میشود تاریخچه اداری تاریخچه ایست که از موضوع پیدایش یک تشکیلات و سازمان اولیه و بس از آن تکامل تدریجی آن بحث میکند و کسانی را که در این تشکیلات موجب ایجاد تحولات و تغییرات بزرگی شده اند معرفی مینماید این تاریخچه اداریست که از نظر سوابق تاریخی یک تشکیلات تهیه میشود و ممکن است متضمن مراتب سازمان جدید و وظایف آنها هم باشد.

(اما نشریه دائمی) مجلات یا روزنامه هائیمست که بطور هفتگی یا ماهیانه از طرف یک اداره منتشر میشود و در این نشریه نظریات اصلاحی کارکنان اداره و طرز کار و وظیفه سازمانهای تابعه آن اعلام میگردد و کسانی را که بآن اداره یا تشکیلات مراجعاتی دارند راهنمایی کرده و خلاصه مردم را با طرز کار خود آشنا مینماید چنانکه امروز غالب سازمانهای بزرگ دولتی اروپا دارای نشریه های بسیار آبرو مند و قابل استفاده میباشد.

متأسفانه از آنجائیکه بسیاری از تشکیلات اداری کشور ما جوان هستند و مراحلی را که باید برای تکامل خود بپیمایند طی نکرده اند هنوز برای بیشتر سازمانهای ما تاریخچه و رساله های که متضمن این موضوع باشد وجود ندارد و جز یکی دو اداره بقیه از انتشار نشریه مخصوص محروم هستند.

اینجانب بمنظور کمک باطلاعات عمومی و تهیه یک تاریخچه جامع و کامل اداری از چندی قبل در صدد برآمدم که اطلاعاتی از تاریخ تشکیل و اداره اولیه شهر بانی کل کشور که مورد توجه و احتیاج عموم اهالی کشور است جمع آوری نموده و بصورت تاریخچه ای بعلاقمندان و دوستان آن تقدیم نمایم.

با اینکه سازمان شهربانی ما يك سازمان نسبتاً تازه است و شاید هنوز کسانی که در تشکیلات اولیه آن وارد بوده‌اند در قید حیات باشند متأسفانه در انجام این منظور با مشکلات و موانع بیشماری برخورد کردم که غالباً در راه محققین و تاریخ‌نویسان این کشور قرار دارد ولی من از روز اول چون در تصمیم خود عزم راسخ داشتم و با اینکه روز بروز مشکلات کار در نزد من بیشتر میشد و موانع سخت‌تر میگردید ولی با زحمات زیاد موفق شدم که مطالب بسیاری را از تاریخ تشکیل شهربانی که بصورت کاغذ باطله درآمده و در خانه‌ها پراکنده بود جمع‌آوری کرده و مطالبی را که فقط در سینه افسران قدیمی و مامورین بسا سابقه شهربانی ضبط شده بود بروی کاغذ آورم و از جمع تمام عقاید و با استفاده از یادداشت‌هایی که در این مورد منتشر شده تاریخچه‌ای جهت شهربانی کل کشور تدوین نمایم هر يك از عکس‌هایی را که در این مجموعه چاپ شده بزحمت از خانه افسران و مامورین سابق شهربانی بدست آورده‌ام و بالاخره با زحمت چند ماهه و دوندگی توانستم که بمقصد خود نائل گردم و تاریخچه‌ای که گمان میکنم اگر کامل نباشد زیاد هم ناقص نیست جمع‌آوری کرده و بعلاقمندان و دوستداران شهربانی تقدیم نمایم.

البته در این راه سخت تعهد سنگینی را که به گردن گرفته بودم در استان و بخصوص افسران عالی‌رتبه شهربانی بمن محبت و مساعدت کردند و من در اینجا لازم میدانم که از لطف و محبتی که فرموده‌اند اظهار امتنان نمایم

این موضوع را هم باید یاد آور شوم که سه سال قبل آقای داود امینی که از جوانان با ذوق کشور هستند مطالبی در باره شهربانی گرد آورده و منتشر کرده‌اند که از هر جهت قابل مطالعه و در تهیه این تاریخچه قسمتی از آنهم مورد استفاده اینجانب قرار گرفت

من امیدوارم که این اثر که شامل تاریخچه نسبتاً جامعی از شهربانی کل کشور و همچنین شامل وضع حال و زندگی افسران عالی‌رتبه قدیمی و جدید شهربانی و سازمان فعلی این اداره است مورد ذوق و طبع علاقمندان کشور قرار گیرد و اگر اشتباهی در آن ملاحظه فرمودند بادر نظر گرفتن اینکته تهیه این مطالب با پشتکار و زحمات چندین ماهه من تمام شده بنده را عفو فرمایند.

بخش اول

اهمیت پلیس در جامعه

امروز شاید کسی نباشد که از اهمیت پلیس و لزوم تشکیلات آن در اجتماع بی اطلاع باشد

پلیس در هر کشوری عهده دار حفظ نظم و امنیت اجتماعی است و چون نظم قدیم ترین و مهم ترین مسئله تشکیل و دوام هر اجتماع است و وجود سازمانی که عهده دار امور نظم و امنیت در اجتماع باشد بیش از پیش کسب اهمیت نموده است .

نظم اساس و شالوده تشکیل يك اجتماع است و چنانچه نظم وجود نداشته باشد و افراد يك اجتماع منظم بدامن يك هرج و مرج بیفتند بدیهی است که خیلی زود رشته چنین اجتماعی از هم گسسته شده و ارکان اولیه آن درهم خواهد ریخت

نام شهر بانی و تشکیلات پلیس که امروز در تمام کشورهای کوچک و بزرگ دنیا اهمیت بسیاری کسب کرده و توسعه بسیاری حاصل نموده يك تشکیلات جدید و يك سازمان مخلوق تمدن قرون اخیر نیست و نمیتوان پلیس را متعلق به سال یا تاریخ بخصوص دانست زیرا از روزی که اجتماع بوجود آمده مسئله نظم که پایه اجتماع است بیش از هر چیز مورد توجه قرار گرفتند و لزوم سازمانی که بتواند این وظیفه خطیر را عهده دار شود و در تنظیم امور اجتماعی و ترتیب زندگی و روش مردم مداخله قانونی نماید مورد توجه قرار گرفته است

تشکیلات اولیه این سازمان بصورت فعلی نبوده ولی البته سازمان کوچکتر و ناقص تری اجزای این وظیفه مهم را بعهده داشته و هر چه بر عمر اجتماعات و وسعت آنها افزوده شد این تشکیلات هم وسیع تر و کاملتر گردیده است بطور کلی میتوان گفت تشکیلات پلیس که امروز در تمام کشورها عهده دار حفظ نظم و امنیت داخلی است از دو نظر مورد نیاز و احتیاج شدید کشورها و اجتماعات قرار گرفته است .

اول از جهت اینکه اساس دوام و پیشرفت اجتماع بر پایه نظم و آرامش گذارده شده و چون روز بروز روابط افراد بایکدیگر بیشتر و دامنه اجتماعات گسترده تر میشود لزوم دستگامی که بتواند در امر نظم و ترتیب امور نظارت کند کمال اهمیت را دارد و فقط پلیس است که امروز در تمام کشورها اساس زندگی مردم را بر پایه نظم و تعادل حفظ میکند دوم از این لحاظ که همیشه در بین افراد بشر ارواح خبیث و ناپاکی وجود دارند که از موقعیت جامعه سوء استفاده کرده و بمنظور تسکین شهوتهای نفسانی خود بجنایات و اعمال خلاف انسانی دست میزنند که لازم است در برابر آنها قدرت و قوای وجود داشته باشد و از عملیات آنها که خطر بزرگی برای اجتماع است جلوگیری بعمل آورد.

این دو موضوع که پایه دستگام پلیس بر آن بنا شده از روز تشکیل اجتماع مورد توجه قرار گرفته و چون روز بروز کشورها در راه تکامل و ترقی سیر کرده اند این تشکیلات هم پای بپای پیشرفتهای دیگر اجتماعی راه موفقیت و تکامل را پیموده است و چنانکه امروز شهر بانی در کلیه کشورهای کوچک و بزرگ بوجود آمده و سازمان آن بنا به وسعت کشورها و جمعیت آنها بسط و توسعه یافته است

امروز کشوری وجود ندارد که سازمان شهر بانی در آن وجود نداشته باشد زیرا وقتی ما میتوانیم اجتماع یا کشوری را بی نیاز از وجود شهر بانی بدانیم که دو علت بزرگ ایجاد و لزوم آن که یکی حفظ نظم و دیگری امنیت و جلوگیری از ارواح خبیث و ناپاک است از بین رفته باشد

ابتداء عمده ای تصور میکردند که با بسط و توسعه فرهنگ میتوان وجود این دو عامل مؤثر را متزلزل ساخته و لزوم شهر بانی را از بین ببرند یعنی افراد جامعه آنقدر توانا و دانشمند و وظیفه شناس شوند که احتیاج بناظم امور اجتماعی نداشته و ارواح افراد ناپاک و منحرف هم بر اثر صیقل فرهنگ و دانش زنگ خود را از دست بدهند این عقیده اگر چه در میان بیشتر افراد کشورها طرفدارانی پیدا کرد ولی متاسفانه پس از مدتی معلوم شد که این عقیده جزیک تصور نظری بیش نیست و از مرحله ایده آل تجاوز نمیکند

چنانچه امروز بتجربه ثابت شده هر چند دامنه علم و دانش در جامعه بسط یافته و مردم بفرهنگ بیشتر آشنا شده اند نه تنها لزوم دستگاه پلیس اهمیت خود خود را از دست نداده بلکه بر لزوم و توسعه سازمان آن افزوده شده است و عناصر خیانت کاری که با سلاح علم دانش پا به میدان گذاشته اند وظایف مشکلتتری را بوظایف این سازمان افزوده اند .

حالیه پلیس در کشور های بزرگ و متمدن دنیا اهمیت بیشتری کسب کرده و روز بروز برای انجام وظایف خطیری که بمهده دارد در تکمیل سازمان و بر طرف ساختن نواقص کار خود میکوشد .

پلیس از صبح تا شب مورد حمله و تعرض عناصر خیانت کار و خاطی قرار داشته و هر آن درانتظار حوادث و قضایای ناگهانی است و خود را در برابر تمام افراد که حفظ و حراست و زندگی و جان خود را باو سپرده اند مسئول میداند . پلیس در تمام مجامع و مجالس و اجتماعات همه جا مواظب نظم و امنیت بوده و پیوسته در هراس اغتشاش بسر میبرد و علاوه بر این در همانوقتی که کلیه افراد در منازل خود براحتی خوابیده اند و خستگی کار روزانه خود را رفع میکنند چشمان تیزبین و بیدار پلیس در میان تاریکی ناظر و مراقب خانه های مردم است و بالاخره امروزه در نزد مردم تمام کشور ها این حقیقت روشن شده که فقط در سایه نظم و امنیت داخلی میتوان آسایش فکر و زندگی مردم را فراهم ساخت و بدین جهت است که روز بروز در توسعه تشکیلات و مجهز ساختن سازمانهای پلیس کوشش میکنند و بخوبی دریافته اند که بقول (روبلک شارل) رئیس سازمان جنائی پلیس است که تمام بودن دستگاه پلیس ضامن امنیت در زندگی مردم است



کلمه پلیس و پیدایش اولیه آن

بطوریکه دکتر شارل بروک در کتاب خود موسوم به (پلیس و اهمیت آن در کشورهای متعین) نوشته کلمه پلیس که امروز در تمام کشورهای جهان جنبه بین‌المللی پیدا کرده اصلاً از کلمه پلی تی یا پلی تنی ریشه گرفته است اصل این کلمه لاتین و بمعنی (ایجاد وضع حکومت) استعمال شده و بعداً با مختصر تغییری بصورت (پولی تین) یعنی اداره یا (سازمان اداری) و بالاخره بصورت کلمه (پلیس) بمعنی فعلی درآمده است

تا آنجا که اطلاعاتی در دست است و از کتب و تواریخ برمیآید نمیتوان صریحاً اظهار نظر نمود که اولین تشکیلات پلیس در چه عصری بوجود آمده و در کجا معمول گردیده است زیرا اولاً وجود پلیس بسته بنظم و امنیت عمومی است میتوان گفت از روزی که بشر حالت بدویت را ترک گفته و با اجتماع متوسل شده است اهمیت و عظمت حفظ نظم و امنیت را هم در نظر گرفته و احتیاج بوجود پلیس را احساس کرده است یعنی اصولاً اجتماع و نظم از طرفی و نظم عمومی و پلیس از طرف دیگر لازم و ملزوم یکدیگر میباشند قدر مسلم اینست همانطور که در مقدمه گفتیم پیدایش پلیس در قرون و اعصار مختلفه صورت و وضعیت آن تغییر کرده و تشکیلات و سازمانهای آن راه تکمیل و ترقی را طی نموده تا بصورت فعلی درآمده است

اگرچه عده‌ای معتقدند که اولین تشکیلات پلیسی در یونان قدیم بدست (سوسوک) که یکی از سرداران بزرگ ارتش یونان بوده و برای جلوگیری از دستبرد منازل و حفظ و نظم و بخصوص حفظ جان و مال اعیان تشکیل شده بود که تمام افراد آن از میان افسران و سربازان سالخورده و شجاع که نمیتوانستند در جنگ شرکت کنند و از طرفی هم به علت رضایت از خدشات افسران مایل باخراج آنها نبودند انتخاب میشدند.

در دنبال این مقدمه مطالب مشروح و مفصلی درباره تاریخچه پلیسی نوشته شده و تشکیلات آنها بطور مفصل از طرف مورخین بخصوص (سافوره) یونانی توضیح داده شده است ولی البته اعتمادی بصحت این نوشته ها نیست و ثانیاً

نمی‌توان تصور نمود تشکیلاتی که مورد بحث مورخین قرار گرفته با معنی و حقیقت پلیسی مشابه یا نزدیک باشد.

عده ای دیگر که امروز عقیده آنها بیشتر مورد توجه قرار گرفته معتقدند که اولین تشکیلات پلیس در زمان شارل پنجم پادشاه فرانسه بوجود آمده است

در زمان شارل پنجم وضعیت عمومی فرانسه طوری بود که بیش از هر چیز بوجود پلیس احتیاج داشت و تشکیلات مرتبی برای نظم عمومی لازم بود بنابراین شارل پنجم که پادشاهی روشن فکر و مخصوصاً در امور نظامی دارای نظری صائب و مطالعات عمیق بود دستور داد که تشکیلاتی بنام (اداره امنیت) زیر نظر ژنرال فویه که پای او در جنگ تیر خورده و در فرانسه معروف به (فویه شل) بود تشکیل شود

بدیهی است که تشکیلات اولیه که بدون نقشه و صرفاً بر اثر احتیاج بوجود آمده بود. نمیتوانست یک سازمان مرتب و منظمی بوده و بتواند عملیات وسیع و مثبتی انجام دهد روی همین اصل بوده که این تشکیلات دوام زیادی نیافت و بعد از شارل تشکیلات پلیس محدود گردید تا اینکه مجددآ در زمان لوئی پانزدهم فکر ایجاد شهربانی و احتیاج بوجود آن قوت گرفت.

این بود مختصری از تاریخچه کلمه پلیس و اولین پیدایش تشکیلات آن

شهربانی در ایران

حفظ انتظامات قبل از تشکیل شهربانی

قبل از شروع بتاریخچه پلیس و تحول آن در ایران لازم است مختصری از وضع اجتماعی و ترتیب حفظ نظم و آرامش را قبل از تشکیل شهربانی در ایران از نظر بگذرانیم

در دستگاه سلطنت استبداد سازمانی بنام (فراشخانه) وجود داشت که زیر نظر مستقیم یکی از درباریان مورد اعتماد پادشاه اداره میشد

سازمان فراشخانه عبارت از نواب و منشی و عده‌ای قریب ۴۰۰ یا ۵۰۰ نفر بود که زیر نظر رئیس فراشخانه انجام وظیفه مینمودند البته این سازمان فراشخانه منحصر بپایتخت نبود بلکه در هر یک از شهرستانها هم حکام در حوزه ماموریت خود سازمان فراشخانه‌ای مانند پایتخت منتهی با عده‌ای کمتر داشتند آنچه از اوصاف و وضع فراشخانه و فراشها مورد استفاده ما قرار گرفته سازمان فراشخانه هائی است که در زمان سلاطین قاجاریه و قبل از ایجاد تشکیلات شهربانی وجود داشته است فراشها مردمی سخت‌خشن و بیرحم بودند که شقاوت از صفات اختصاصی آنها بشمار میرفت و اصولاً در حفظ نظم و انضباط و اخلاق عمومی اطلاعی نداشتند و فقط آلت بی‌اراده‌ای بودند که بدستور فراشباشی کل بوده او امر و احکام او را اجرا میکردند و در حین انجام وظیفه هم از هر گونه بیرحمی و قساوت خودداری نمی‌کردند بطوریکه هر کس مورد حمله و تعرض فراشها قرار میگرفت حیثیت و ناموس او دستخوش هوی و هوس آنها میشد

لباس فراشها وضع عجیب و غریبی داشت يك كلاه گرد بوستی که تاروی دماغ آنها سایه میانداخت يك قبای بلند و کشاد که تاروی قوزك پای آنها میرسید يك گیوه درشت و کلفت که پای آنها را میپوشانید و يك شال ضخیمی که بکمر آنها بسته و در کنار آن يك قمه دیده میشد این مجموعه لباس يك فراش تمام عیار بود فراشها غالباً از مردان قوی‌البنیه و بیرحم بودند که موی سر خود را از جلو تراشیده و سبیل‌های کلفت و قمه‌ای که در کمر داشتند بخصوص چوب دستی که در

دست می گرفتند بروحشت مردم از دیدن آنها میافزود البته باید در نظر داشت که فراشهای دستگاه سلطنتی بر فراشهای دیگر مقدم بوده و بجای چوب و چماق معمولی هر یک دارای چماق سرنقره و بعضی که (لوطی تر) و (مشدی تر) بودند دارای چماق سرطلا بودند که موقعیکه در رکاب پادشاه حرکت میکردند آن را دور سر خود میچرخانیدند

این مختصری از سازمان فراشخانه و وضع فراشها بود و اما باید به بینیم که این فراشها چگونه اجرای انتظامات شهر را بعهده داشته و چگونه از عهده انجام این وظیفه برمیآمدند

قسمتی از این فراشها در نقاط مختلف شهر پراکنده و هر جا بجرمی اعم از حقوقی با جزائی برخورد مینمودند (مقصر) را دستگیر و بازوهای او را بسته و نزد فراش باشی آورده و گزارش مشاهدات خود را باو تقدیم می نمودند و فراش باشی پس از استماع گزارش فراشها که غالباً بر خلاف حقیقت و دور از انصاف بود به تنبیه مقصر امر میداد

بد نیست در اینموقع مختصری از وضع و ترتیب مجازات در آن زمان

ذکر شود

تنبیه در نظر فراشها اقسام مختلف داشت فلک کردن یکی از اقسام تنبیهاتی است که در آن زمان معمول بود فلک عبارت بود از یک چوب و یک تسمه چرمی که دو طرف آن را بچوب کوبیده بودند در ابتدا مقصر را میخوابانند و پای او را نخت کرده در وسط تسمه و چوب دار میزدند و آنوقت دو نفر از فراشها دو طرف فلک را گرفته آنرا می پیچیدند تا حدیکه پای مقصر بین تسمه و چوب سخت گیر میکرد آنوقت یکی از فراشها با دسته های چوب نازکی که قبلاً در آب گذاشته بودند شروع بزدن نموده و ممکن بود که چندین بار در این مورد تر که های نازک خورد شود و تر که های نازه دیگر حاضر میکردند تا اینکه یا مقصر بیهوش میشد و یا اینکه فراش باشی تنبیه مقصر را کافی میدانست که آنوقت او را رها میکردند یکی دیگر از تنبیهات زنجیر کردن مقصرین بود بنحویکه آنها را در اطاقهای سرد و مرطوب که بهیچوجه دارای نور و روشنائی نبود زندانی نموده و بگردن آنها زنجیرهای سنگین میگذازند و بسا میشد که چندین نفر را بیکدیگر

درزنجیر میگردند

قسم دیگر از تنبیهات کند کردن مقصر بود (کند عبارت از يك چوب مربع مستطیل بزرگ و سنگین بود که با آهن بزمین کوبیده و پاهای مقصر را در سوراخی که در چوب ایجاد شده بود جای داده روی این میله سوراخ حلقه های آهنی وجود داشت که بعد میله کلفت آهن از روی دو پا گذارنده و هر دو طرف میله را قفل میگردند) بقدری این میله سخت و زجر دهنده بود که مقصر قدرت تکان خوردن نداشت و مجبور بود در روی همان زمینهای مرطوب و کشیف بغلظت اشکله نمودن هم از تنبیهات شدید فراشها بود که میله نازک آهن را در میان انگشتان مقصر جای داده و با فشار بر انگشتان او را با اعتراف و اقرار میگردند اینها البته تنبیهاتی بود که برای باقرار و داشتن مقصرین و تنبیه بدنی آنها بکار میرفت ولی برای اعدام هم فراشها تشریفاتی داشته که ذیلاً توضیح داده میشود

برای اعدام در سازمان فراشخانه افراد معینی مهیا و آماده بودند تا در موقع لزوم وظیفه خود را انجام دهند

این اشخاص از قسمی القب ترین افراد انتخاب شده و بنام میر غضب خوانده میشدند میر غضب ها که لباس قرمز برتن داشتند مردمی سخت و از میان افراد غیر طبیعی و دیوانه انتخاب میشدند و بیشتر وظیفه خود را در حین مستی انجام می دادند کار میر غضب ها عبارت از بریدن بینی گوش و زبان و سر بود.

یکی از انواع اعدام که باعث تفریح میر غضب ها قرار می گرفت نسق نمودن بود (نسق - یعنی میخکوب کردن گوشها بدیوار) این طرز اعدام وحشیانه در آن زمان بی اندازه متداول و از مجازات های عادی و هر روزی بشمار میرفت و بعدی این عمل را تکرار میگردند که مقصر با حالت رقت آوری از بین میرفت. فراش و فراشباشیها یکی از منابع استفاده فرمانداران و حکام وقت بشمار

رفته و غالباً بوسیله همین افراد استفاده های سرشاری میگردند فراشها دارای حقوق ثابتی نبودند و گذران و زندگی آنها فقط از راه دستگیر ساختن متخلفین و تنگه کردن آنها بود که هر شخصی را بنا بوضعیت مالی او جریمه نموده و قسمتی را بحاکم تحویل داده و قسمتی را هم خود بجیب

میزدند .

با این وضع روشن میشود که فراشها هر چه بیشتر مقصر بقراشخانه میآوردند بیشتر عایدی داشته و روی این اصل مرتباً فراشها در شهر مشغول گردش بوده و در پی بهانه جوئی و اخاذی از مردم بودند .

برای محافظت منازل و دکاکین در شب يك عده دیگر بنام (گزمه) بودند که با فریادهای بلند یکدیگر را خبر نموده و تا صبح به گشت و حفظ احوال مردم میپرداختند

در آن زمان يك ساعت از شب گذشته چهار طبل زده میشد طبل اول خبر بود و ده دقیقه زدن آن طول میکشید در این موقع کسبه آماده از برای برچیدن اسباب و بستن دکان خود میشدند و در ۲ ساعت از شب رفته طبل دوم بصدادر میآمد که یعنی آماده حرکت شوید و در ساعت سه طبل سوم زده میشد و آن علامت این بود که بخانه خود روید و در طبل چهارم با زدن شیپور عبور و مرور ممنوع و فریادهای (بگیر و ببند) بلند میشد و در صورتیکه عابری را ملاحظه مینمودند بدون گذشت او را جالب و صبح نزد داروغه برده و در انظار عمومی پای تخت داروغه پای آنرا فلك کرده و از ۱۰ تا ۵ ضربه شلاق تنبیه شخص عابر بود و بعداً او را آزاد مینمودند و میر غضب که خصوصیات آن در بالا گفته شد همیشه در جلوی تخت داروغه آماده کار بود

این مختصری از سازمان قراشخانه و شرح احوال فراشها قبل از پیدایش تشکیلات پلیس در ایران بود که مأموریت اجرای انتظام و اهمیت عمومی را بعهده داشتند

شهر بانی در زمان گنت تادوره سوئدیها

در مسافرت‌های ناصرالدین شاه باروپا تشکیلات مرتب و منظم کشور های خارجی بخصوص وضع منظم پلیس اروپائی توجه او را بخود جلب و متوجه این نکته شد که در ایران هم تشکیلاتی طبق اصول و ترتیب دول اروپائی بمنظور حفظ و حراست کشور ایجاد نماید در تعقیب این فکر موقعی که در سال ۱۸۷۸ با اتفاق میرزا حسینخان سپهسالار بکشور اطریش مسافرت نمود از امپراطور درخواست کرد که عده ای از افسران تربیت شده آن کشور را به منظور تعلیم و تربیت افراد قشون ایران با خود بیاورد و ضمناً چون موضوع امنیت شهر و وضع تربیت پلیس وین توجه او را بخود معطوف داشته اواز امپراطور درخواست نمود شخصی را بمنظور تشکیل سازمان جدید پلیسی در ایران معرفی نماید



امپراطور اطریش در برابر درخواست ناصرالدین شاه افسر جوانی را که بنام (۱) گنت درمونت فورد (خوانده میشد) بیادشاه ایران معرفی نمود گنت که مردی مطلع و آشنا بامور نظامی بود سه ماه پس از بازگشت ناصرالدین شاه بایران آمد و پس از ورود امیدوار شد که بتواند تشکیلات مرتب و منظمی ایجاد نموده و حفظ نظم و امنیت عمومی را در عهده یک سازمان اداری و اساسی بگذارد
برای این منظور ابتدا خانه او را در

خیابان (چراغ گناز) بنام اداره نظمیہ اجاره کرد و دو نفر معاون یکی بنام

عبدالحمید خان و دیگری غلامحسین خان و یکنفر مترجم بنام عباسقلی خان که بزبان فرانسه آشنائی داشت برای خود انتخاب نمود.

کنت پس از تشکیل مقدمات پیشنهاد نمود که میتواند امور نظم و امنیت شهر تهران را با ۴۰۰ نفر پلیس بیامده و ۶۰ نفر پلیس سوارآمده دار شود و چون پیشنهاد او مورد توجه و قبول واقع گردید بلافاصله مامورین داد طلب استخدام و آنها را مأمور نظم و امنیت شهر که تا آن روز بدست فراشها و قراولان و سربازان اداره میشد نمود و برای اینکه محلات مختلف شهر را بتواند بخوبی کنترل نماید برای هر محله کدخدائی معین کرد که مرتباً از او دستور گرفته و انجام وظیفه نمایند

کنت برای اینکه سازمانی که بنای آن راه داده بود بصورت قانونی درآورد نظامنامه ای در این مورد تنظیم و بصدقه شاه رسانیده و حکمی در این مورد بنایب السلطنه صادر گردید که باید از هر حیث با اقدامات کنت کمک نموده و نظامنامه او بمرحله اجرا درآید باید این نکته را در نظر داشت که تا قبل از ورود کنت شهر تهران ۷۰ هزار جمعیت داشت و بوسیله ۵ قراولخانه بشرح زیر مراقبت میشد.

اول - بازار - دوم عودلاجات - سوم دولت - چهارم سنلج - پنجم سرچشمه
ولی کنت تشکیلات قراولخانه را برهم زد و اداره امور انتظامی شهر را منحصرأ در اختیار پلیسهای خود گذاشت و از شاه حکمی دریافت داشت که وظیفه حراست و امنیت عمومی را از وظائف مختصه پلیس قرار داده بود

کنت در شبه جزیره سبیل متولد شده و تحصیلات خود را در مدرسه نظام ایتالی بیایان رسانیده است.

در آن زمان ایتالی مانند امروز کشور مستقل و واحدی نبود و اراضی آن بسه قسمت جداگانه (نابل - ایتالی شمالی - حوزه واتیکان) تقسیم میشد و هر کدام برای خود حکومتی مستقل و جداگانه ای داشتند

کنت پس از اتمام تحصیلات خود با درجه ستوان دومی وارد ارتش دولت نابل گردید تا اینکه بین دولت نابل و ایتالی شمالی جنگ در گرفت و در نتیجه دولت ایتالی شمالی قانع شد و چون پادشاه نابل برادرزن امپراطور اتریش بود ناچار با اتفاق عده ای از نزدیکان و افسران که کنت هم در میان آنها بود به کشور اتریش رفته و افسران در ارتش اتریش مشغول خدمت شدند و کنت تا سال ۱۸۷۵ در ارتش اتریش مشغول خدمت بود و مدت ۱۵ سال توقف خود در ارتش اتریش دو جنگ که یکی بین دولت اتریش و دانمارک و اتریش و بلژیک اتفاق افتاد و کنت در جنگ با بلژیک باهم آنها آمد.

تشکیلات شهربانی در زمان کنت بمنظور تشکیل سازمان شهربانی ایجاد شد و تا آنروز باین قرار بود دفتر محاکمات وزارت نظمیه دایره محاکمات و دعاوی - دفتر اسم ثبت و مسروقات، مامور ابلاغ و احکام همایونی بنظمیه - کدخدای محله عود لاجات - رئیس محله بازار - رئیس چهارسوق و گشت بازار - کدخدای محله دولت - کدخدای محله چال میدان - کدخدای محله سنگلج - رئیس گردش شهر و نظم ترتیب - رئیس فوج مامور نظمیه دارالخلافه - وزارت نظمیه - رئیس افراد دارالانشاء - رئیس مجلس تحقیق و استنطاق - منشی روزنامهجات - نایب اول مجلس استنطاق و محقق وزارت نظمیه رئیس تدارکات و ملبوس لباس افسران و افراد شهربانی بدستور کنت از حالت مبتدلی که سابقاً داشت خارج و باین طریق درآمد رنگ نیم تنه سرمه ای و پارچه شلوار از ماهوت و رنگ آن آبی - کلاه از پوست بره سیاه و بدستور کنت باید روی ابرو گذارده شود

بودجه شهربانی سالیانه ۲۴۰۰۰ تومان تعیین شد

حقوق کدخداها ۴۰ تومان و افراد ۳۰ قران (۱۵ قران حقوق و ۱۵ قران جیره) و رئیس ۲۰۰ تومانی تعیین گردید برای حفاظت منازل مردم در شب دسته های ده نفری از پلیس ماموریت داشتند که در بخشهای که ذکر شد گردش کرده و دکاکین و منازل مردم را حفاظت نمایند

اگرچه کنت در مدت چهارده سال که ریاست نظمیه را بعهده داشت خیلی سعی کرد که بتواند برای ایران یک سازمان جدید پلیسی که مطابق با سازمان و تشکیلات شهربانی وین باشد ایجاد نماید ولی موانع و اشکالات بزرگی در راه او وجود داشت که او را از نیل باین مقصود باز میداشت و عاقبت با ناامیدی او را از کار برکنار کرد

زیرا در حمله اولی که کنت وارد ایران شد مدتی این موضوع پیش آمد که آیا کنت نباید زیر نظر نایب سلطنه که حکومت شهر تهران را داشت انجام وظیفه نماید یا زیر نظر سپهسالار که وزیر جنگ بود و هر کدام از این دو نفر ادعا داشتند که باید زیر نظر آنها مشغول کار شده و خود همین کشمکش مدت ها کنت را سرگردان گذارده بود تا اینکه ناصر الدین شاه رسماً حکمی صادر کرده و کنت را تابع نایب السلطنه قرار داد این اختیلافی که بمحض ورود کنت بایران پیش آمد

در سالهای بعد بزرگتر و بالاخره کنت را از هر گونه اقدام اصلاحی بازداشت .
یکی دیگر از مواعی که در راه پیشرفت اقدامات و نظریات کنت قرار گرفت
مخالفت شدید روحانیون و نفوذ فوق العاده طبقات روحانی با او بود که در تمام
شئون سیاسی و اجتماعی کشور مداخله تام و تمام داشتند و میتوان گفت حکومت
حقیقی بدست آنها اداره میشد آنها نمیتوانستند قبول کنند که کنت ابطالیائی
که یکنفر مسیحی بود بر مسلمین ریاست داشته باشد و برای آنها سازمان شهربانی
ایجاد کند نفوذ روحانون در آن زمان بحدی بود که هیچ قدرتی یارای مخالفت
با آنها را رانداشت زیرا کوچکترین مخالفت با نظریات آنها کافی بود که طغیان
و شورش عمومی برپا و اصول حکومت برهم ریخته شود و روی همین اصل با اینکه
ناصرالدینشاه بی اندازه مایل بتقویت و پشتیبانی از نظریات و اقدامات کنت بود
معهدا حاضر نبود که بخاطر حمایت از کنت و نظریات او مورد غضب روحانیون
قرار گیرد

مانع دیگری که در راه کنت وجود داشت این بود که اغلب مردم در آن زمان
از کاسب گرفته تا خان و مامور دولت دارای اسلحه بودند و هر کدام از ملاکین و
خوانین برای خود حوزه حکومتی داشته و هر گونه عمل خلافی را انجام میدادند
و بهیچوجه بحکومت و دستورات آن توجهی نداشتند و با اینوضع تمام زحمات
و اقدامات کنت را بلا اثر میگذاشتند و گذشته از این مخالفین سرسخت اختلاف بین
کنت و نایب السلطنه نیز بر امور شهر جدال و کشمکش در میگرفت کنت عقیده داشت
که مامورین حکومتی باید در امور ارزاق و نظافت شهر دخالت نمایند و امر
انتظامی مختص اداره پلیس است در حالیکه نایب السلطنه اصرار داشت که باید
کلیه امور پلیسی و انتظامی زیر نظر و با اجازه او انجام گیرد و گذشته از این
عمل کلیه اعیان شهر نیز با کنت مخالفت میکردند و مرتب در پی بهانه بودند که او
را نزد شاه بد نام سازند.

کنت که راه پیشرفت را از هر طرف بر خود بسته دید از هر گونه اصلاحی
نومید شد و بهمان مختصر اقدام خود قناعت نمود تا اینکه مسئله (انحصار
تنباکو) پیش آمد و روحانیون بر علیه امتیاز تنباکو که توسط شاه بیکنفر
انگلیسی واگذار شده بود شورش کردند و مردم بهیجان درآمدند و در این میان

چون فتح با روحانیون شد اعلان کردند که باید کلیه مستخدمین خارجی از کار برکنار شوند حاج میرزا مجتهد حسن آشتیانی صریحا اعلام داشت که (اگر افراد خارجی را مرخص کنند من جلو بلواری خواهم گرفت)

کنت وضعیت خود را درین بست دید و ناصرالدین شاه هم چون یارای مخالفت در برابر شورش و طغیان مردم را که برهبری روحانیون اداره میشد در خود ندید کنت را از ریاست شهر بانی معزول و بسمت آجودانی خود منصوب نمود و ریاست شهر بانی را به مهده سید عبدالله خان برادر میرزا عیسی خان وزیر معروف با انتظام السلطنه واگذاشت

انتظام السلطنه نیز نتوانست اقدامی در اصلاح امور شهر بانی بعمل آورد و چندی بعد جای خود را بمرحوم نظم الدوله واگذار نمود نظم الدوله که در زمان تصدی کنت معاونت شهر بانی را بهمهده داشت یکی از مامورین لایق و فاضلی بود که در آن زمان زبان فرانسه را بخوبی میدانست و مطالعات زیادی در امور سیاسی و اجتماعی کشور های اروپائی نموده بود



میرزا ابوتراب خان نظم الدوله

میرزا ابوتراب خان نظم الدوله پس از شروع بکار خیلی سعی نمود که بلکه با استفاده از معلومات و اطلاعات کنت دو مونت فرد بتواند تشکیلات اساسی و ثابتی برای شهر بانی بنا نهد و وضع نظم و انتظام را در آن صورت هرچو مرجع و مبتدلی رهائی بخشید باین جهت او هم خواه و ناخواه از هر گونه اصلاحی مایوس شد تا اینکه در سال ۱۲۸۸ بمرض و بادر گذشت پس از کشته شدن ناصرالدین شاه در زمان سلطنت مظفرالدین شاه در صدد برآمدند مرد لایقی که

بشوند عهده‌دار حفظ نظم و امنیت شهر گردد بریاست شهربانی تعیین نماید
وباین نظر یکی از افسران ارشد و عالیقدر که در آن زمان فرماندهی قزاقخانه
را بعهده داشت بریاست شهربانی تهران که صورت وزارتخانه در آمده بود
منصوب نمود

این افسر جدی و لایق که در اوایل بنام نیرالسلطنه و بعد منظم السلطنه
خوانده میشد شخصی بود که بعدها به لقب مختار السلطنه (۱) مفتخر گردید
مختار السلطنه که تعلیمات نظامی داشت ابتدا امور شهربانی را در ساختمانی
که در خیابان خیام واقع شده بود تمرکز داده و احصائیه صحیح از جمعیت و
خانه‌ها و همچنین نقشه کامل و دقیقی از محله های شهر تهیه نمود و شهر تهران
که ۷۰ هزار نفر جمعیت داشت از روی نقشه و حساب صحیح به چهار کلانتری
تقسیم نموده دایره‌ای بنام تحقیق که فعلاً آگاهی نامیده میشود و دایره (شور)
و دوائر دیگری برای رسیدگی با امور خلاف و جنحه و جنایت ایجاد کرد و اف‌برانی
را که دارای اطلاعات جامعی بودند در راس این دوایر قرار داد و برای نگهباناری
و تنبیه کناهاکاران زندانی که بیشتر با اصول بهداشت مطابقت مینمود ساخته و
از تنبیهات شدید بدنی مانند (کندوزنجیر) جداً جلوگیری نمود و گذشته از
این دوایر دیگری مانند حسابداری - کارپردازی و انبارهای مختلفه بخصوص برای
حفظ اموال مسروق و اسلحه‌خانه که انواع سلاحها را در آنها نگهداری مینمودند و ۵۰۰

مرحوم کریمخان مختار السلطنه از مهاجرینی بود که بخدمت نظام وارد و مقاماتی را در

ارتش آن روز ایران داشته و همتهای و مقامات زیر را در مدت خدمت طی نموده است

فرمانده هنگ دوم متمرکز در تهران - فرمانده سوار و پیاده فتحیه در اصفهان - فرمانده
نیروهای سنان دامغان هارود و گرگان - نماینده ایران در تاجکنداری نیکلا امپراطور روسیه
نایبده ایران در جشن پنجاهمین سال سلطنت امپراطوری (ویکتوریا) ریاست شهربانی تهران -
استانداری تهران - مرحوم مختار السلطنه به القاب زیر مقتضی و دارای نشان و امتیازات زیادی از
سلاطین دنیا بوده است

لقب نیرالسلطنه - "وتیه امیر تومانی" - لقب منظم السلطنه - لقب مختار السلطنه و بالاخره
در اواخر عمر به لقب سردار منصورى مفتخر گشت

نفر از افراد جوان را استخدام و حفظ نظم را بعهده آنها واگذار کرد و دستور داد که لباس های متحدالشکل از ماهوت برای آنها دوخته و ساعات اداری و غیر اداری آنها را نیز طبق اصول دول متمدنه تعیین و بسا آنها ابلاغ و حتی برای اینکه امور قضائی با علوم دینی مطابقت کند و هم برای اینکه اقدامات او مورد حمله و تعرض ناگهانی روحانی نمایان واقع نشود یک نفر از طبقه روحانی را بنام (شیخ علی ارداقی) مأمور نمود که در امور قضائی نظمیه نظارت نماید و همچنین توانست اسلحه هائی که در نزد مردم بود جمع آوری و قدرتهای فردی را معدوم و شهربانی را ب مردم بشناساند و از عملیات خلاف قانون متنفذین و خوانین جلو گیری نموده و حتی از دخالت روحانیون که در کلیه شئون مملکت دخالت مینمودند بکاهد و امور نظم و امنیت شهر را که در زمان کنت مابله النزاع بود مختص اداره نظمیه قرار دهد و بعلاوه دو فوج متمرکز در تهران را که فوج تهران و فوج افشار بکشلو نامیده میشدند و ریاست آن با مختار السلطنه بود برای



کریم خان مختار السلطنه

تقویت شهربانی در اختیار گرفته و از آنها برای کمک بامورین نظمیه استفاده مینمود و در ضمن ۳۰۰ نفر ژاندارم که تا آن زمان نامی از ژاندارمری در ایران شنیده نشده بود (۱۰۰ نفر سوار و ۲۰۰ نفر پیاده) با بهترین سلاح و از افراد جوان و خانواده های محترم تشکیل و محلی نزدیک شهربانی برای آنها تعیین نمود که در موقع لزوم از آنها استفاده شود

بساین ترتیب مدتی مختار السلطنه رئیس نظمیه بود و بعداً بفرمانداری تهران منصوب و در آنجا هم خدمتگذاری خود

را بشاه نشان داد و در سال ۱۳۲۲ قمری که کلیه رجال و اعیان مملکت در تهران بعلت بروز مرض و با خارج شده بودند مختار السلطنه روی وظیفه ای که داشت



مرحوم فضل الله خان لواء الملك

از تهران خارج نشد و تا آخرین دقیقه‌ای که جان در بدن داشت محل خدمت خود را ترك نكسرد و حتی اموات كسه در غسالخانه متراكم شده و غسالهادست از كار كشيده بودند شخصاً لباس خود را كنده و بسه شستشوی اموات ميپر داخت و بالاخره جان خود را فدای این خدمت - گذاری نمود و بمرض و با درگذشت این نكته را نبايد از نظر دور داشت كه مرحوم فضل الله خان لواء الملك (۱) كه سمت معاونت مرحوم مختار السلطنه را داشت در كمك فكري و سازمان نظمیة مؤثر بوده و ميتوان گفت بيشتري اصلاحاتی كه بدست مختار السلطنه انجام پذيرفت

با همراهی و كمك فكري مرحوم لواء - الملك صورت گرفت پس از پايان رياست شهربانی مرحوم مختار السلطنه مرحوم معاون الدوله برياضت شهربانی منصوب گردید

مرحوم معاون الدوله از مردان مطلع ولایقی بود كه بعداً بسمت وزارت امور خارجه انتخاب شد و پس از ایشان سعید السلطنه و پس از برکناری سعید السلطنه (آقا بالاخان سردار) كه بعداً بسردار افخم ملقب شد و از شاگردان مدرسه نظامی دارالفنون بود برياضت شهربانی تعیین گردید و این انتخاب نیز از نظر این بود كه

(۱) مرحوم فضل الله خان لواء الملك پس از خاتمه تحصیلات خود وارد مدرسه نظام ناصر شده و پس از طی دوره آن بر حسب دعوت ظل السلطان با اتفاق مرحوم مختار السلطنه جهت تشكيل ارتش فتحيه باصفهان رفته و بفرماندهی فوج جلالی منصوب گردید .

مرحوم لواء الملك از مردان مطلع بود و تحصیلات خود را در اروپا با تمام رسانیده بود و این اصل زمانی كه مختار السلطنه رياست نظمیة را بعهده گرفت از فكر و نظر اصلاحی آن مرحوم استفاده فراوان كرد و بيشتري پيشرفت های امور انتظامی و سازمانی مرحوم مختار السلطنه هم فكري بامرحوم لواء الملك صورت ميگرفت و پس از بازگشت به تهران مرحوم لواء الملك در سال ۱۳۲۹ بفرماندهی پياده نظام منصوب و در سن ۵۵ سالگی در اثر سكته درگذشت .

سردار افخم مورد لطف مخصوص نایب السلطنه قرار داشت و بعد ها در زمان سلطنت محمد علی شاه مورد توجه شاه قرار گرفته و بحکومت گیلان منصوب و در آنجا بدست آزادیخواهان کشته شد



سردار افخم

پس از آقا سالاخان سردار سالار الملک گروسی پست ریاست شهربانی را اشغال و پس از مدتی رضا بالا که آلت سیاست شخصی شاه بود باین سمت تعیین تا آزادیخواهان و مشروطه طلبان را تحت فشار و شکنجه پلیس قرار دهد ولی چون محمد علی شاه از سلطنت خلع شد و قوای مجاهدین در سال ۱۳۰۷ قمری وارد تهران شدند رضا بالا ناچار پست خود را ترک گفته و یفرم که از پیشروان قوای مجاهدین بود ریاست شهربانی را عهده دار گردید.

سردار یفرم خان مردی لایق و مقتدر بود و در زمانی که ریاست شهربانی را عهده دار شد سعی کرد تشکیلات پلیس را با سلوب صحیح و کامل که بتواند فقط حفظ انتظام امور مردم را عهده دار باشد بنا کند و سازمانهای فردی را که بدست عمال ارتجاعی برای خفه کردن مشروطه طلبان در شهربانی تهیه شده بود از بین ببرد



سالارانک گروسی

یفرم پس از روی کار آمدن (احمد علی خان) را بمعاونت شهربانی انتخاب و آقای مظفر خان اعلم را که تازه از اروپا آمده بودند بر ریاست ژاندارمری منصوب کرد و کرایش را بر ریاست

پلیس انتخاب نمود مظفر خان اعلم بنا به تقاضای یفرم تشکیلاتی برای شهربانی داده و ضمناً امور ژاندارمری را زیر نظر داشت و چندی بعد رسماً بمعاونت شهربانی منصوب گردید

در اواخر ۱۳۲۸ زمانی که عین الدوله



بوزارت کشور منصوب شد یفرم باین
انتخاب اعتراض واز ریاست شهربانی
استعفاء نمود و دولت وقت که مرحوم
مستوفی الممالک رئیس الوزراء بود آقای
اعلم را بریاست شهربانی تعیین کرد
آقای اعلم در اثر تجاربی که قبلا در اوضاع
و طرز کار شهربانی داشت دست با اصلاحاتی
زده و مخصوصا بودجه شهربانی که تا آن
زمان معنی و مفهومی نداشت بطرز ثابتی
در آورد

باندورل عرق - تریاک - قبان از

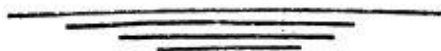
ابتکارات آقای اعلم است ایشان از لحاظ

رضا بالا

کمبود بودجه این عوارض را تعیین نمود بشرط اینکه در آمد آن صرف امور پرسنلی
شهربانی بشود و باین ترتیب قرارداد با اداره تومانیانس که صرافخانه مهمی بود
گذاشت که در آمد این سه عوارض که بنام (دو اثر ثلاث) خوانده میشد به تومانیانس
داده شود و در آخر هر ماه بودجه شهربانی را تومانیانس تامین نماید.

آقای اعلم باین ترتیب توانست سر و صورتی به شهربانی داده و حقوق افراد را

ماهی ۷۰ ریال تعیین نماید و برای درجات افسران اسامی تعیین شد که تا اوائل دوره
سوئدیها بنام رسد باشی - یوز باشی - کمیسر - سر کمیسر - کلانتر گفته میشد و پس
از ورود سوئدیها نام آنها تغییر کرد.





در زمان ریاست نظمیه آقای اعلم قتل صنیع-
الدوله اتفاق افتاد که قاتلین بوسیله نظمیه دستگیر
ولی چون سفیر روس استرداد آنها را خواست تحویل
دولت شوروی شدند.

پس از انتخاب مرحوم ناصر الملک بجای مرحوم
عضد الملک به نیابت سلطنت مجدداً یفرم را به ریاست
شهربانی منصوب و آقای اعلم با اداره کل توپخانه منتقل
شدند.

در دفعه دوم که یفرم امور شهربانی را بعهده

در رفت سهراب خان ارمنی را بمعاونت و پس از

یفرم سهراب خان مدت یک سال ریاست شهربانی را بعهده داشت و بعد از او صولت
نظام که از شاگردان مدرسه نظام دارالفنون و دارای اطلاعات نظامی بود بر ریاست
شهربانی تعیین گردید.

مظفر خان اعلم

در زمان سردار صولت
آموزشگاهی برای تعلیم افراد پلیس
زیر نظر سیف الدین بهمن تشکیل شد
و این آموزشگاه تا زمان سوئدیها
بکار خود مشغول بود



ولی ریاست سردار صولت
چندان طول نکشید و بعد از او قاسم
خان والی (سردار همایون) ریاست
شهربانی را بعهده دار شد

در زمان ریاست این شخص بود
که سوئدیها در ۱۲۹۲ وارد تهران شدند
و چون سردار همایون نتوانست با

سردار صولت

سوئدیها کار کند لذا از ریاست شهربانی استعفا داده و اختیار کار را بسوئدیها که
برای تشکیلات و اصلاح شهربانی بایران دعوت شده بودند واگذار نمود

شهر بانى ايران در دوره سوئديها

چون روز بروز اهميت تشكيل شهربانى كه براساس صحيحى استوار شده و بتواند انتظام شهرها را حفظ نمايد بيشتر مورد توجه مردم و دولت قرار گرفته بود و سازمان شهربانى هم باوضع هرج و مرجى كه داشت براى انتظام امور كافى بنظر نميرسد ناچار چند نفر مستشار سوئدى دعوت شدند كه بايران آمده و براى ايجاد يك شهربانى كه بتواند احتياجات عمومى را رفع نمايد اقدام كند در تعقيب اين دعوت سه نفر از افسران سوئدى كه آشنا با امور انتظامى و سازمان شهربانى بودند و رياست آنها با وسداهل بود در سال ۱۲۹۲ بايران وارد شدند



سردار همایون

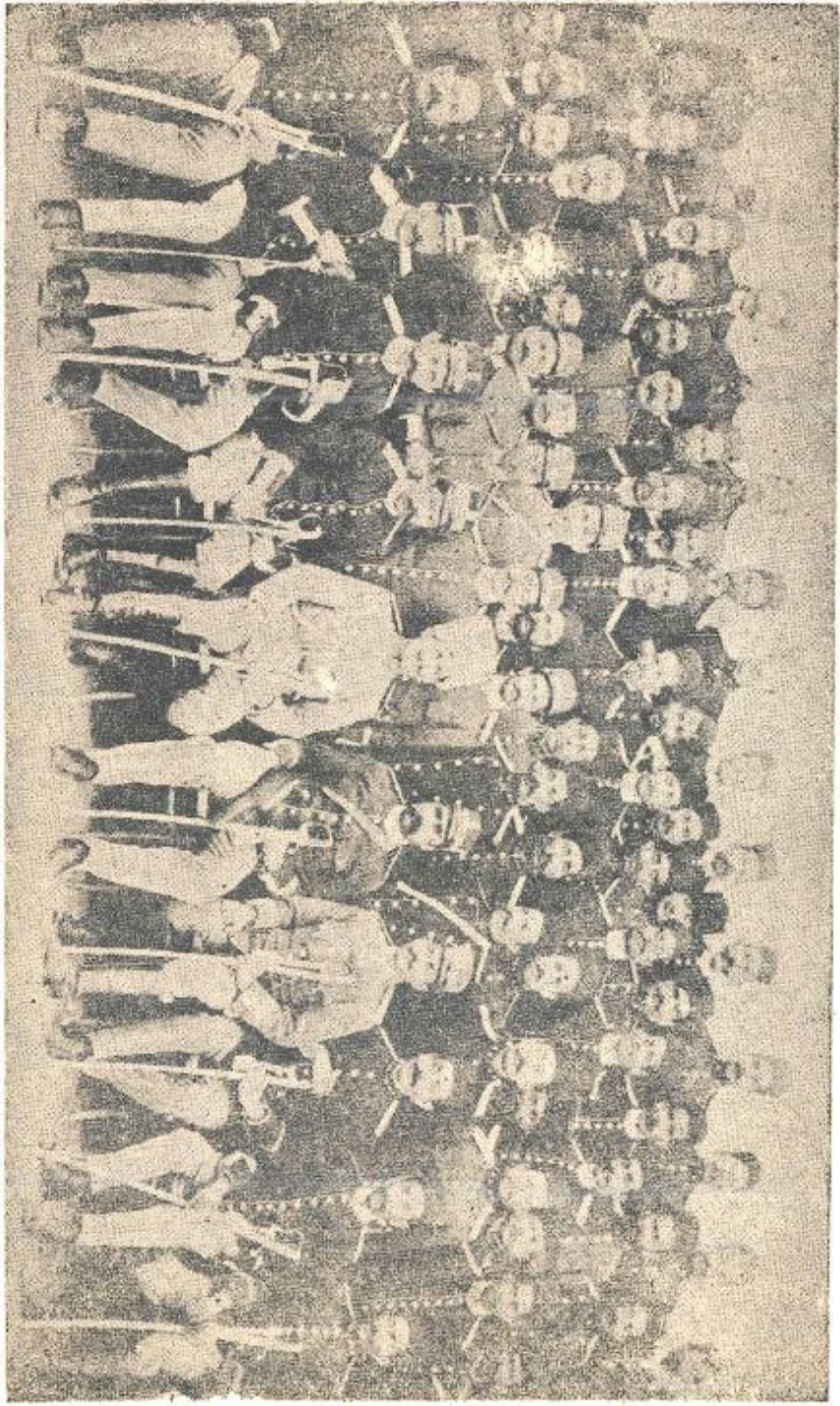
سوئديها پس از ورود بتهران سه ماه از هرگونه دخالتى در امور شهربانى خود دارى نموده و فقط بگردش و مطالعه در شهر پرداختند و پس از اينكه از نزديك بموقعيت و وضع شهر آشنائى حاصل كردند بداره شهربانى آمده و مشغول كار شدند.

در اين وقت آقاى سردار همایون از رياست شهربانى استعفا داده و شهربانى زير نظر مستقيم مستشاران سوئدى قرار گرفت و وسداهل رئيس مستشاران سوئدى بر رياست شهربانى منصوب و همكاران خود را بتصدى پست هاى حساس شهربانى

تعيين نمود

چون سوئديها بكار مشغول شدند باشكال بزرگى برخوردند كه هرگونه پيشرفت و اصلاحى را براى آنها غير ممكن ساخت و اين اشكال وسدى كه مانع كار سوئديها شده بود عبارت از اين بود كه بيشتر مامورين و افسران شهربانى از افسران سابق و مجاهدين قديم بودند كه بتحولات و پيشرفتهائى علمى امور انتظامى آشنائى نداشته و نميتوانستند نقشه هاى اصلاحى مستشاران خارجى را بكار بندند.

گرمیش رئیس مجلس با کتبه ازانسیران نشسته



سوئدیها برای برداشتن این مانع دست بکار تصفیه شدند و عده‌ای از افسران قدیمی را از کار برکنار و از میان تمام مامورین و افسران شهربانی عده‌ای را که عبارت است از آقایان رکن‌الدین مختار - پاشاخان مبشر - پیرشفیعی - آقاخان نیایش - علی‌اکبرخان سیاه‌پوش - محمودخان غفاری - قاسم آقا - غلامحسین خان پدر - علی‌اکبرخان - عبداللهخان فروهر معروف به (مسیو) سعیدهمایون و عده‌ای دیگر انتخاب و آنها را بدو دسته تقسیم کردند.

دسته اول را برای فرا گرفتن تعلیمات انتظامی بر زمین اول که محل آن در یوسف آباد و دسته دوم را بر زمین دوم که در باغشاه قرار داشت فرستادند.

این دو رژیمان زیر نظر سوئدیها که در تشکیلات ژاندارمری کار میکردند اداره میشدند زیر نظر مریدان سوئدی بفرآ گرفتن تعلیمات انتظامی پرداخته‌اند. علاوه بر این عده ۳۰ نفر تلجین هم به باغشاه و ۳۰ نفر دیگر را هم به یوسف آباد فرستادند که مدت سه ماه در آنجا مشغول تعلیم فنون نظامی بوده و بعد آیین کلانتریهای مختلف شهر قسمت شدند.

سوئدیها برای اداره امور انتظامی شهر تعداد کلانتریهای شهر را اضافه نموده و شهر تهران را به ده کلانتری تقسیم کردند که این کلانتریها زیر نظر افسران تربیت شده سوئدی و بوسیله پاسپانانی که قبلاً ذکر تعلیم آنها گذشت اداره میشد.

در ابتدای کار وسداهل رئیس شهر بانوی بگدال رئیس آگاهی و ارفاس رئیس پلیس شوهر کورئیس زندان بود ولی بیش از یکسال نگذشت که چون اختلاف نظر بین مستشاران سوئدی حاصل شد ارفاس از کار دست کشیده و از ایران خارج شد و بنابه پیشنهاد وسداهل چند نفر سوئدی دیگر بنام اریکسون - ماژور بیورلینگ و فوگل گلو و کمی بعد از آنها دو نفر دیگر بنام برونیکو فسکی و مادمازل (گاد) باین عده اضافه شدند.

سوئدیها برای تکمیل کادر اداری عده‌ای را با درجه اسپیرانی استخدام و پس از طی آموزشگاه که زیر نظر مستقیم خود سوئدیها قرار گرفته بود آنها را بسمت مترجمی مشغول کار کردند.

سوئدیها از ابتداء نسبت بتکمیل سازمان کلانتریها توجه خاصی داشتند و همانطوریکه گفتیم ابتدا خود آنها کلانتریها را اداره مینمودند ولی بعد که افسران

تربیت شده آنها در رژیمهای دو گانه تعلیمات خود را قرار گرفتند ریاست کلانتریها را عهده دار شدند چنانکه سلطان رکن الدین مختار پس از طی دوره تعلیماتی ریاست کلانتری دولت منصوب و نایب اول پاشا خان هم معاونت ایشان را عهده دار گردید

سازمان کلانتریها در ابتدا چندان مفصل نبود و تشکیلات آن عبارت بود از رئیس که درجه سلطانی داشت سه نفر افسر که معمولاً نایب اول یا نایب دوم بودند و چهار نفر سر پاسبان



سوئدیها از نظر تعیین حدود و وظیفه مامورین کلانتریها و اختیارات آنها نقشه جدا گانه‌ای از حوزه هر کلانتری تهیه و در کلانتری نصب نموده و روی نقشه مناطق گشت پاسبانها و خطسیر آنها را با خطوط مخصوصی نشان داده بودند

این کلانتریها که بدست سوئدیها سازمان نو و تازه‌ای یافته بود ابتدا بنام (بخش) نامیده میشد بعدها کلمه بخش مبدل به همان کلمه فرنگی (کمیساریا) گردید

وسدامل

ترتیب گشت و خط سیر مامورین پلیس در تمام نقاط شهر تعیین شده بود و در هر قطعه پاسبان در سمت راست و سر پاسبان از سمت چپ حرکت میکردند و در موقع ملاقات و قایع مهم قطعه را بیکدیگر اطلاع داده و چنانکه اتفاق مهمی روی داده بود مراتب را بکلانتری گزارش مینمودند

سوئدیها مدت ۱۰ سال و ۴ ماه در ایران مشغول کار بوده و در این مدت موفق شدند که شالوده صحیحی جهت شهربانی بنا کنند و این سازمان بزرگ و انتظامی را بصورت جدید و مدرن جهانی در آورند سازمان امروز شهربانی ما رهون زحمات همان مستشاران سوئدیست و آنها بودند که

برای اولین بار برای شهربانی اهمیت و ارزش خاصی قائل شده و احتیاج بوجود این سازمان بزرگ و مورد نیاز را بمردم فهمانیدند تمام سازمانهایی که مستشاران سوئدی باوجود نداشتن وسیله کافی و مخالفت و کارشکنی متنفذین و مامورین قدیمی پلیس برای شهربانی ایجاد کردند همه تشکیلاتی است که بجای خود باقیمانده و با تغییرات و تحولات مختصری سازمان فعلی شهربانی کل کشور را تشکیل داده است



کنلی شوبرک

سوئدیهها علاوه بر سازمان و ترتیب اداری و انتظامی شهربانی طهران در ولایات نیز اقدام به تشکیل شهربانی و توسعه این سازمان بزرگ انتظامی نموده اند که ذیلا تاریخ تشکیل بعضی از آنها در این جا ذکر میشود

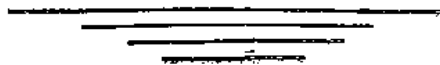
نام شهربانی	تاریخ تاسیس
قزوین	۱۲۹۴ بیورلینگ
رشت	۱۲۹۵ استالبرک
مشهد	۱۲۹۷ شوبرک
تبریز	۱۲۰۸ فوگل کلو

اینک مختصری از نظامنامه ای که در زمان سوئدیهاندوین و مورد استفاده قرار گرفته جهت اطلاع خوانندگان عزیز نقل میشود

نظامنامه و احکام در زمان سوئدیها

همانطور که سابقاً هم ذکر شد سوئدیها را میتوان بنا کننده تشکیلات فعلی شهربانی دانست زیرا بطوریکه گذشت با اینکه کنت دومونت فرد مردی مطلع و آشنا با اصول نظامی و پلیسی بود و سعی داشت که بلکه بتواند تشکیلات از هم پاشیده‌ای را که حفظ نظم و امنیت عمومی را بهمهده داشت سر و صورتی داده و بصورت یک سازمان مدرن و مرتب درآورد ولی سعی و احتیاط او بهدر رفت و در اثر نامساعد بودن محیط نتوانست اقداماتی را که شروع کرده بود بیابان برساند و میتوان گفت بنا به مثل مشهور تشکیلات (نژائیده بدامن گوررفت)

جانشینان کنت نیز اگرچه مردانی مطلع و جدی لایق بودند مخصوصاً مختار السلطنه که موفق شد آن وضع آشوب و درهم ریخته را سر و سامانی داده و نظم و ترتیبی در کار حفظ امنیت و حراست عمومی ایجاد کند و اطلاعاتی از وضع شهر و جمعیت محلات و تعداد خانه های پایتخت تهیه نموده و عده‌ای مامور مسلح برای پاسبانی امنیت شهر بکاره البته این اقدامات و اقدامات دیگری که از طرف روساء و متصدیان بعدی شهربانی معمول شد فراموش شدنی نبود و میتوان گفت که همان اقدامات پایه اصلاحات مستشاران سوئدی قرار گرفت و آنها توانستند که در دنباله اقدامات سلف خود دست باصلاحاتی بزنند





اریکسون

ولی همچنانکه احتیاج
بوجود يك تشکیلات مرتب موجب
آوردن سوئدیها بایران شده بود
آنها هم بایستی علی‌الرسم برای
بنیاد نهادن و بوجود آوردن يك
تشکیلات بدون نقص اقدام نمایند
اولین قدم برای اصلاحات
اساسی زمان سوئدیها همان
تنظیم و نوشتن يك نظامنامه صحیح
و کامل از روی جامعترین تشکیلات
پلیسی اروپا بوده است

این نظامنامه که مدرك و ماخذ اصلاح شهربانی واقع شد بدست گوستاف
وستداهل رئیس مستشاران سوئدی تدوین و رسماً بتصویب رسید و برخلاف آنچه
تا آن روز پیش بینی مینمودند بلافاصله مورد عمل و اقدام قرار گرفت
نظامنامه هائی که بدست گوستاف وستداهل نوشته شده نظامنامه‌ها و قواعد
صحیح و جدیدی است که کاملاً از روی يك تشکیلات جامع و کامل پلیسی اروپا
کپی شده است

بطوریکه در نظامنامه بر میآید گوستاف مردی مطلع و در فن پلیسی
و بلکه حقوقی مردی مجرب و کار آزموده بوده است و مثلاً انتشاراتی که برای
سوئدیها وجود دارد باین شخص که خود نویسنده و مترجم این نظامنامه بوده
است نمی‌چسبد

احکام و نظامنامه هائیکه در زمان سوئدیها مورد توجه و اقدام قرار گرفته
همان قواعد و نظامنامه هائیکه در ۱۱ فصل نوشته و در کتاب جدا گانه‌ای هم منتشر
شده است

نظامنامه و احکامی که در دوره سوئدیها ترجمه شده متضمن مطالب ذیل میباشد

- ۱ - قواعد عمومی
- ۲ - نظامنامه محبس
- ۳ - نظامنامه روساء و مامورین نظمی
- ۴ - احکام و دستورالعملهای اداره نظمی
- ۵ - نظامنامه تردد عمومی و وسایل نقلیه
- ۶ - نظامنامه خیابانها و معابر عمومی
- ۷ - نظامنامه درشکهای عمومی
- ۸ - نظامنامه اتومبیلها
- ۹ - ترتیب حمل اسلحه
- ۱۰ - استخراج از قانون اجرای عرقی و امور خلاف و مجازات آن
- ۱۱ - قانون سجل احوال جلو گیری از ولگردی و تکدی

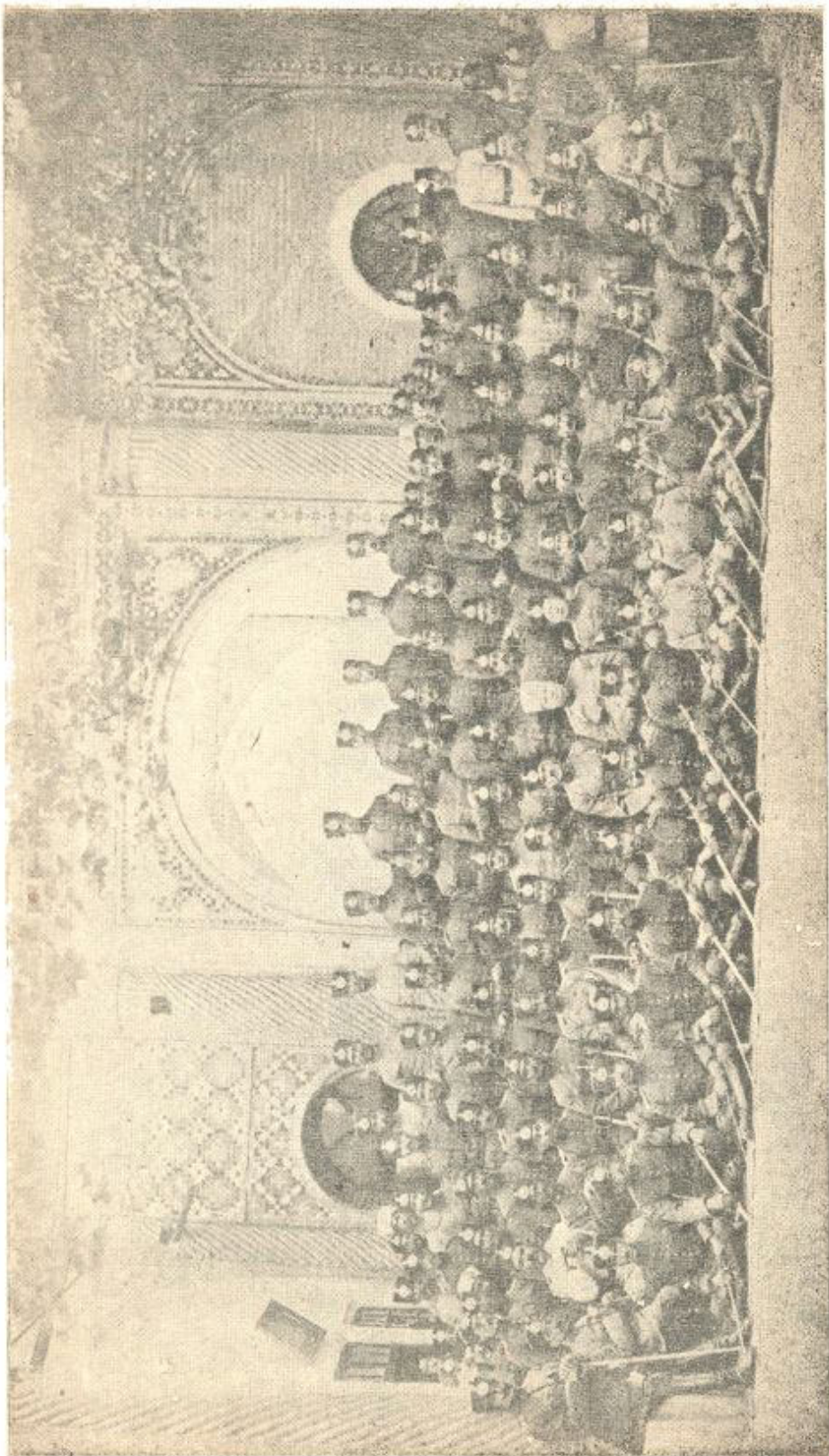


کنل بیورلینک

ملاحظه میشود که با توضیح و شرح نظامنامه های بالا که هر کدام دارای چندین بخش و ماده و بند میباشد میتوان فهمید که گوستاف وستداهل مردی مطلع و فاضل بوده و برای ایجاد کردن یک سکیلات نو و تازه اقدامات کلی و بزرگی بعمل آورده است

چیزی که بیش از همه در این نظامنامه ما و دستورالعملها جلب توجه میکنند این

ست که این نظامنامه شامل یک اصول کلی و جامع بوده و میتوان گفت یک قسمت مهم حتی برای شهر بانی آن زمان که بطرف یک سازمان جدید و منظمی میرفته زائد بوده است مع الوصف همین احکام و دستورات در شهر بانی در زمان سوئدیها مورد عمل قرار گرفته و تا بحال بیشتر همان دستورالعملها باقی مانده یا کمی تغییر صورت داده است



عکس دستنجهی ازوسداهل و افسران شهربانی -

مطلب دیگری که در این نظامنامه ها باید مورد توجه قرار گیرد یکی تقسیمات جدید شهر - درجه بندی کارمندان و کارکنان شهربانی حقوق و وظیفه آنها دستورالعملهای جامع در مورد نظم خیابانها و معابر و عبور و سائط نقلیه و بالاتر از اینها منع نمودن شهربانی در امور حقوقی که مربوط به دادگستری است میباشد البته باید توجه داشت که قبل از زمان سوئدیها مامورین نظمیه بوضعی که سابق گفته شد در کاربرد در اعم از حقوق و جزای دخالت میکردند و اصولا عدلیه برای اجرای عدل و دادخواهی وجود نداشت و حتی این تشکیلات در زمانی که سوئدیها مشغول کار شدند نبود و قوانینی برای رسیدگی بعملیات خلاف و جرم وجود نداشت معذالک همین اقدام و استداهل در عدم دخالت شهربانی در امور حقوقی میرساند که این مرد فقط و فقط متوجه اصلاح شهربانی بوده و سعی داشت است که شهربانی بوظیفه ای که به عهد او محول است مشغول کار شده و از دخالت در امری که مربوط بسازمان و تشکیلات او نیست خودداری نماید اینک برای اینکه در حدی موضوع کار روشن شده و بنظامنامه هائی که در زمان سوئدیها مورد عمل قرار گرفته آشنائی حاصل شود قسمتی از نظامنامه ها و احکامی را که استداهل برای شهربانی ایرا تنظیم نمود است نقل میکنیم



رستداهل در حضور احمدشاه

فصل اول

تشکیلات

ماده ۸ - امور اداره نظمیة در تحت ریاست و نظارت عالیہ یکنفر رئیس ایرانی اداره خواهد شد

ماده ۹ - اداره نظمیة منشعب بشعب ذیل میشود

۱ - اداره مرکزی

۲ - پلیس اونیفورمه (ملبس بلباس رسمی)

۳ - پلیس تأمینات

۴ - محبس

ماده ۱۰ - ریاست نظمیة بمعهده رئیس اداره مرکزی است

ماده ۱۱ - اداره مرکزی منشعب بشعبات ذیل خواهد بود و رئیس کل تشکیلات

شخصاً آنرا اداره میکند

۱ - دایره کابینه

۲ - شعبه پلنتیکی

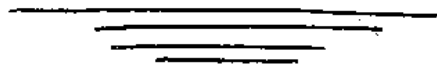
۳ - دفتر محاسبات

ماده ۱۲ - ریاست پلیس اونیفورمه درعهده رئیس دایره پلیس اونیفورمه

است و منشعب بشعبات ذیل است

شعبه مرکزی - پلیس سوار - محلات دایره اجرا - دایره صحیه -

مخزن پلیس





برتونیکونکسی

ماده ۱۳ - شعبه مرکزی در تحت اداره یکنفر کمیسر خواهد بود

ماده ۱۴ - پلیس سوار در تحت اداره یک کمیسراست

ماده ۱۵ - دایره اجرا که ریاست آن در عهده یکنفر کمیسراست

مامور اجرای احکام صادره از اداره مرکزی است و باید بمامورین رسمی ادارات صلاحیت دار مساعدت نمایند

ماده ۱۶ - امور صحیه نظمی با صبیب نظمی است و امور انتظامی بایک نفر

صاحب منصب میباشد

ماده ۱۷ - شهر تهران و اطراف بده محله تقسیم شده و هر محله در تحت مواظبت و مراقبت یکنفر کمیسر است نظم و امنیت هر یک از محلات بتوسط گشتیها و پستهای پلیس مستقر خواهد بود

ماده ۱۸ - ریاست پلیس تاهینات بعهده رئیس دایره پلیس تاهینات است و به هفت شعبه منشعب میشود

ماده ۱۹ - ترتیب درجات اعضاء از حیث رتبه از قرار ذیل است

رئیس کل

رئیس اداره مرکزی

پلیس تاهینات

رئیس

معاون

کمیسر

رئیس شعبه

مفتش

پلیس اونیفورمه

رئیس یاور

معاون

کمیسر سلطان

نایب اول

نایب دوم

آسپیران	صاحب منصب جزء
صاحب منصب جزء	آزان

ماده ۲۰ در طبقات فوق الذکر مراتب اطاعت نسبت بمافوق باید کاملاً جاری باشد

مقصود اصلی از پلیس سوار عبارت است از انجام گشت سواره در بعضی از خطوط معینه برای حفظ تنظیمات مخصوصه یا شرکت در استقرار انتظاماتی که بعضی مواقع امر داده میشود و همچنین ایفای خدمت اردو ناسی در مواقع لزوم

محلات

هر محله دارای يك کمیسری است که تعیین خدمات و تقسیم آژانها در آن شده و راپورتها بانجاء داده شده و اجزاء برای کسب تعلیمات در آنجا جمع میشود در هر کمیسری يك صاحب منصب کشیک و يك عده آژان برای کمک دادن و انجام خدمات همیشه حاضرند

در کمیسری باید همیشه نظم و سکوت و لطافت برقرار بوده در شب و روز برای عموم باز باشد ولی اشخاص بیکار حق ورود و توقف در آنجا ندارند

پلیس تأمینات

ماموریت مخصوص پلیس تأمینات جلوگیری از ارتکاب جنحه و جنایت است در صورت وقوع مکلف بکشف آن بوده و باید تحقیقات لازمه بعمل آورد، مجرمین را دستگیر و توقیف نمایند

در مواقع وقوع یا کشف جنایاتی پلیس تأمینات مکلف است واپرت قضیه را تهیه نموده و با تعیین نوع جرم بدون تاخیر بتوسط پترئیس تشکیلات نزد دادستان بفرستد

مامورین تأمینات هر يك با خود نشانی خواهند داشت که معرف ایشان است در يك طرف این نشان علامت شیر و خورشید و در طرف دیگر عبارت پلیس تأمینات تهرات بزبان فارسی محکوک است

تشکیلات

پلیس تأمینات بشعباتی تقسیم میشود که هر کدام دارای يك رئیس و عده ای مفتش اند ماموریت خصوصی شعبه اول تفتیشات و تحقیقات درباره

جنایات مهمنه است از قبیل قتل و ضرب و جرح و سرقت یا حمل اسلحه یا استعمال
آز و جرمهای عمدی و غیره

شعبه دوم مامور رسیدگی کلیه تقلبات از قبیل سکه تقلب زدن - کاعد
سازی - تقلب در ارزاق عمومی و عتک عصمت و فریب دادن اطفال و وادار نمودن
آنها را باعمال شنیعه

شعبه سوم - مامور تعقیب و تحقیق سرقتهای مهمه و جیبرها خواهد بود
شعبه چهارم - مامور تعقیب و تحقیق سرقتهای است که در داخل یا خارج
از خانه ها واقع شود

شعبه پنجم - مامور تعقیب و تحقیق کلیه سرقتها خواهد بود
شعبه ششم - مامور است با نهایت مراقبت مهمانخانه ها و کاروانسراها و
قمارخانه ها را در نظر گرفته و آنچه را که بشعبات فوق الذکر صلاحیت رسیدگی
آنرا ندارند تحصیل و رسیدگی نمایند

شعبه هفتم - مامور علم و شناختن اشخاص بواسطه خطوط انگلستان و
غیره خواهد بود

تظامنامه داخل محبس

محکومین محبس بلباس مخصوص بوده و دارای نمرات مخصوص خواهد بود
تمام محبوسین در مقابل اوامر مامورین محبس باید که مال اطاعت را داشته
و بر او را محترم بشمارند

کلیه محبوسین باید بدین استثناء موقع ورود بمحبس و پس از فراغت
از کار بوسیله مستحفظین کاملاً تفتیش شوند اشیائی که از آنجا کشف شود موقع
مرخصی آنها مسترد خواهد شد مگر اینکه تقاضا نماید اشیاء مذکور تحویل
فامیلشان شود - فریاد کردن - آواز خواندن صحبت نمودن بصدای بلند - اجتماع
نمودن اقدام به هیئت اجتماع کردن - صحبت نمودن در موقع کار بکلی - برای
محبوسین غدغن است محبوسین روزی یکساعت تنفس خواهند داشت ملاقات
مابین محبوسین و ملاقات کنندگان هفته ای یکروز در اطاق مخصوص در حضور
یک نفر مستحفظ صورت خواهد گرفت - مذاکرات باید بزبانى باشد که مستحفظ متوجه
شود و جهت ساعات غذا خوردن - خوابیدن - برخاستن - کار کردن بوسیله صدای زنگ

اعلام خواهد شد در تمام ۲۴ ساعت دو دفعه یکی ظهر و دیگری ساعت ۸ بعد از ظهر
بمحبوسین غذا داده میشود غذا عبارتست از یکچارک نان در ۲۴ ساعت نهار
آش شام آبگوشت

محبوسین یادر خارج یادر کارخانهجات مختلفه محبس بکار گماشته
میشوند

محبوسین در ادای تکالیف و رسومات مذهبی خود آزادند تا در ۵ که
بنظامات داخلی محبس خللی وارد نشود محبوسین که برخلاف این مقررات رفتار
نمایند بشرح ذیل مجازات میشوند

ملاحت و سرزنش - محرومیت از غذا غیر از نان منتهی تا سه روز متوالی
حبس انفرادی منتهی تا مدت ۱۵ روز زنجیر کردن محبوسینی که محکوم بجنحه
و جنایت هستند باید در دفتر (داکتی و سکویی و آنترو پومطری) اعلام و اندازه
آنها گرفته شود

نظامنامه بلبوس رؤسای تشکیلات و صاحب منصبان

لباس رسمی رئیس کل تشکیلات نظامیه (رئیس کل) سرهنگی

نیم تنه - نیم تنه از پارچه خاککی رنگ زرد بایقه نظامی از جلو باهشت
دگمه شیرو خورشید مطلائی باز میشود آستینهای آن بایک یراقی بعرض ۶۰
میلیمتر که در وسط آن یک مغزی ۵ میلیمتری نمایان است بطول سیزده سانتی
متر ونیمی که نوک آن مثلثی شکل و منتهی بیک تکمه شده و مزین است این
یراق در روی پاکتی آستین دوخته شده است یقه نیم تنه را پهن بکلی پوشانیده
و در هر طرف یک تاج دوخته شده است (تاج مزبور بشکل تاج نادرشاه افشار
خواهد بود) همین قسم یراق یقه منحصر بلباس رئیس کل تشکیلات نظامیه است
یراقهای سردوشی - دو یراقی که بهم پیچیده است

نیم تنه تابستانی و پیراهن - نیم تنه تابستانی از کتان سفید است با یقه
بی یراق آستینها همان یراق نیم تنه معمولی را دارند و سردوشیهای آن از پارچه
ایست که بایک یراق پهن پوشیده شده است و هر یک دارای یک تاج است
شلوار - شلوار بلند باشلوار سواری هر کدام باشد از همان پارچه نیم تنه

است و يك يراق بعرض ۲۵ ميليمتر دارد و بجای این يراق ممكن است يك ترك نوار قهوه‌ای ديگر بهمين عرض دوخته شود ولی شلوار لباس سلام بايد يراق دوخته باشد نه نوار

كلاه - كلاه از پوست سفيد يا قهوه‌ای رنگ است و كله گي آن از همان پارچه لباس نيم‌تنه است كه شش ترك يراق بعرض ۲۴ ميليمتر يكديگر را تقاطع کرده‌اند نشان كلاه شيروخورشيد مطلاست و بالای آن تاج دارای خودتابستانی و در تابستان خودسفيد يا همان نشان كلاه و يك نواری كه از پارچه خاكي كه دو طرف آن يراق قیطانی شكل دارد استعمال مينمايند

كاپوت - كاپوت برنگ خاكي و زرد است بايقه شكاری كه يك قیطانی از يراق اطراف آن دوخته شده است دگمه‌های كاپوت هفت عدد و از فلز مطلائی باشير و خورشيد تهيه شده است

كمر بند - كمر بند بعرض ۳۰ ميليمتر از يراق پوشيده شده است ممكن است كه كمر چرمی در موقع سلام رئيس كل تشكيلات نظمية سردوشی سرتيپی مكلل بالماس را كه از طرف اعلي حضرت قدر قدرت همايونی اعطاء شده استعمال مينمايند

لباس ياوری

نيم‌تنه ياوری عيناً مثل نيم‌تنه رئيس كل تشكيلات است ولی يراق سردست بعرض ۵۵ ميليمتر در طول دوازده سانتی و نيم متر است يراق يقه بعرض ۳۰ ميلی متر است و از هر طرف يك تاج دارد يراق‌های سردوشی هم بهمان شكل يراق رئيس تشكيلات ولی قدری باریکتر است

شلوار - شلوار و شلوار سواری مثل شلوار رئيس كل تشكيلات است

كلاه مثل كلاه رئيس تشكيلات است

كمر بند هم مثل كمر بند رئيس تشكيلات و مثل كاپوت رئيس تشكيلات است غير از اينكه يراق‌های سردوشی آن قدری باریکتر است

لباس سلطان

نيم‌تنه - مثل نيم‌تنه ياورها ولی يراق سردست بعرض ۶۵ ميلی متر و بطول

دوازده ونیم سانتی متر است یقه دارای يك ابراق باریك از هر طرف بعرض ۱۰ میلی متر و هر طرف آن سه تاج دارد - ابراقهای سردوشی دو قیطان کلفت ابراقی است که بخط مستقیم نصب شده و منتهی بیک تکمه کوچک میشوند
شلوار و کلاه مثل شلوار و کلاه باور هاست و فقط ابراق یا نوار شلوار آنها ۲۰ میلی متر است

لباس آژانها

نیم تنه پایبیراهن مثل نیم تنه صاحب منصبان جزء یقه بدون نوار ولی روی بازوی راست درجه آژانها بایک نوار زرد ۱۵ میلی متری از این قرار معلوم میشود

آژان درجه ۱	۳ رج نوار
آژان درجه ۲	۲ رج نوار
آژان درجه ۳	۱ رج نوار

تقسیمات شهر تهران

حکم ۱۹ برج دلو ۱۲۹۳

شهر تهران بده ناحیه منقسم میگردد نظم و امنیت در یک از نواحی بموجب ترتیب ذیل تعهده یک کمیسروا گذار خواهد شد

ناحیه ارك	کمیساریای نمرة ۱
ناحیه دولت	کمیساریای نمرة ۲
ناحیه حسن آباد	کمیساریای نمرة ۳
ناحیه سنگلج	کمیساریای نمرة ۴
ناحیه قنات آباد	کمیساریای نمرة ۵
ناحیه محمدیه	کمیساریای نمرة ۶
ناحیه قاجاریه	کمیساریای نمرة ۷
ناحیه بازار	کمیساریای نمرة ۸
ناحیه عود لاجان	کمیساریای نمرة ۹
ناحیه شهر نو	کمیساریای نمرة ۱۰

دروازه‌ها

حکم ۲۵ حوت ۱۲۹۵

از اول حمل ۱۲۳۴ حفظ نظم دروازه‌های تهران در عهده مامورین پلیس خواهد بود

در دهلیز هر دروازه یک نفر آژان پلیس دائماً مامور و مراقب اشخاص و اشیائی که وارد و خارج میشوند خواهد بود

درب دروازه‌ها دائماً باز خواهد بود مگر مواقع مخصوص که از طرف نظمیہ در بستن آنها دستور علیحده صادر شود

اطراف خندق‌ها پلیس سوار دائماً در گزارش خواهد بود

ساکنین اطراف شهر هر وقت از آژان پست جلو دروازه‌ها استمداد جویند مشاوریه پاطبری سوار را فوراً مطلع میسازد

رئیس پلیس اونیفورمه مامور اجرای این حکم است

مرخصی افسران و کارمندان شهربانی

حکم ۶ جوز ۱۲۹۵

اعضاء و آژانهای اداره نظمیہ موافق ترتیباتی که ذیلا مذکور میشود حق

تعطیل با حقوق اداری در سال خواهند داشت

۱ - معاون کل اداره نظمیہ و معاونین ۲۱ روز

۲ - منشیان اول و رئیس کابینه و سلطانه‌ها ۱۵ روز

نوابها و آسپیرانها ۱۲ روز

سوزافیسها و مفتشین ۱۰ روز

آژانها و زندان بانها ۸ روز

اصول محاکمات اداری نظمیہ

حکم عقرب ۱۲۹۶

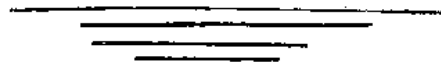
۱ - روساء دوائر پلیس اونیفورمه و پلیس تامینات و محبس مکلفند

اجزاء خود را که مرتکب تقصیر اداری میشوند بترتیب ذیل تنبیه نمایند

- ۱- سرزنش و ملامت
 - ۲- توقیف حقوق تانصف
 - ۳- خدمت فوق العاده در ساعات راحتی
 - ۴- توقیف از یک الی پانزده روز
 - ۵- تنزل درجه
- تقسیم تنبیهات ذیل بر رئیس نظامیه است
- ۱- تنزل رتبه
 - ۲- اخراج از خدمت

الیه مطالب بالا قسمتی از نظامنامه‌ها و احکام مفصلی است که در زمان سوئدیها مورد عمل قرار گرفته و شالوده تشکیلات فعلی شهربانی روی آن بنا شده است این نظامنامه و احکام جامع برای سازمان یک اداره کامل و آبرومند پایه میباشند که در تنظیم آن کلیه نکات از حیث انتظامات عمومی - آمد و رفت و سایر نقایه که تا آن روز بی سابقه بوده رعایت شده چنانکه سه فصل از نظامنامه اختصاص به درشکه‌های عمومی - اتومبیل‌ها - نظامنامه خیابانها و معابر عمومی دارد.

در این نظامنامه کلیه نکات انتظامی که از جدیدترین سازمانهای پلیس دنیا اقتباس شده با در نظر گرفتن اینکه تا آن روز چنین قواعدی وجود نداشته میتوان با معظمت فکر و زحمات مستشاران سوئدی در راه اصلاح شهربانی ابران بی‌برد و بخصوص خدماتی را که آنها در راه تفکیک امور انتظامی از امور حقوقی بکار برده‌اند نمیتوان نادیده گرفت



شهر بانى بعد از سوئديها

پس از روى كار آمدن اعليحضرت فقيد رضاشاه كبير همانطور كه كلييه كارها از دست مامورين و مستشاران خارجى گرفته و بدست افراد ايرانى سپرده شد عذر كلييه مستشاران شهر بانى را هم خواستند

چون اعليحضرت فقيد بيش از هر چيز بحفظ امنيت و خاتمه دادن بهرج ومرج و از هم گسستگى اوضاع اهميت ميداد اداره شهر بانى براى اجراى اين وظيفه دستگاه

مفيد و بسيار سودمندى بشمار ميرفت . از آن جهت سر هنگ محمد در گاهى كه بعداً بدرجه سرتيپى ارتقاء يافت و از افسران ارتش و مورد توجه و اطمينان اعليحضرت فقيد بود برياست شهر بانى انتخاب گرديد .



چون سرتيپ در گاهى افسرى مقتدر بود بهمين لحاظ اعليحضرت فقيد او را باین سمت تعيين كرد تا امنيت و نظم شهر را حفظ نمايد .

پس از شروع بكار اولين اقدام سرتيپ در گاهى تمرکز امور ادارى شهر بانى كشور در تهران بود

تا آن زمان شهر بانىهاى شهرستانها

مرحوم سرتيپ در گاهى

كه هر كدام يك واحد انتظامى بودند زير نظر مامورين رسمى دولت يعنى استانداران و فرمانداران انجام وظيفه مينمودند ولى از زمان رياست سرتيپ در گاهى كلييه شهر بانىها تابع تهران شده و امور ادارى آنها بمرکز محول گرديد و در حقيقت شالوده شهر بانى فعلى از همان زمان ريخته شد و با اضافه لباس افراد و افسران شهر بانى هم بصورت متحدالشكلى در آمد

سرتيپ در گاهى از سال ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۸ رياست شهر بانى را عهده دار

بوده و نسبت به توسعه تشکیلات شهربانی اقدامات موثری بعمل آورد که میتوان ساختمان زندان قصر و تنظیم آئین نامه های زندان و راهنمایی و رانندگی را نام برد.

سرتیپ در گاهی در سال ۱۳۰۸ ریاست شهربانی را ترک و بطوریکه میگویند جریان امر از این قرار بود که پس از اتمام ساختمان زندان رئیس شهربانی از اعلیحضرت دعوتی جهت افتتاح زندان نمود و پس از بازدید و افتتاح زندان سرتیپ در گاهی مورد بی مهری اعلیحضرت فقید قرار گرفته و چند روزی در دژبانی زندانی و پس از مدت کوتاهی مجدداً مورد لطف و مرحمت واقع شد و بریاست نظام وظیفه منصوب و بعداً بکلی از کارهای دولتی برکنار شد تا اینکه در سال ۱۳۲۸ در تهران در گذشت



تیمسار سرلشکر کوبال

پس از مرحوم در گاهی تیمسار سرلشکر کوبال (۱) که از افسران ژاندارمری سابق و دارای درجه سرتیپی بود بریاست شهربانی منصوب و تا سال ۱۳۰۹ در این سمت باقی بود در زمان ایشان تغییرات زیادی در شهربانی روی نداد فقط تغییر لباس بود که بفرم ارتش و برنگ سردی کلاه کاسک و نیمتنه مبدل شد و بعضی از ادارات شهربانی روی احتیاجات توسعه پیدا کرد و آقای سرهنگ رکن الدین مختار که از افسران تربیت شده دوره سوئدیها بود

(۱) تیمسار سرلشکر کوبال پس از طی دوره دبیرستان در سال ۱۲۸۲ وارد رسته توپخانه دانشکده افتری ترکیه گردیده و پس از طی دوره آن بدرجه ستوان دومی مفتخر و وارد خدمت ستاد ارتش شدند

تیمسار کوبال مدت ۴۳ سال خدمت مقامات زیر را طی نموده است ماموریت سیاسی آنکارا - ریاست شهربانی - ماموریت سیاسی عراق - سرپرستی اداره هواپیمایی - ریاست اداره نظام وظیفه - ریاست ژاندارمری کل کشور و در سفری که اعلیحضرت فقید رضاشاه کبیر به ترکیه فرمودند ایشان در الزام رکاب بودند

و تا آن زمان ریاست شهر بانی خوزستان و بنادر را داشت به معاونت شهر بانی انتخاب و تقریباً کلیه امور انتظامی شهر بانی بایشان محول گردید .

پس از تغییر آقای کویال سر تیب زاهدی (سر لشکر فعلی) در آذر ۱۳۰۹ ریاست شهر بانی را عهده دار شد و تا اردیبهشت ۱۳۱۰ در رأس شهر بانی بود و چون عده ای از زندانیان از جمله سید فرهاد مروف در دوره ریاست ایشان از زندان فرار کردند اعلی حضرت فقید زاهدی را از کار برکنار و سر لشکر محمد حسین آیرم را بر ریاست شهر بانی تعیین نمود



مرحوم سر لشکر محمد حسین آیرم

سر لشکر آیرم تا اوایل سال ۱۳۱۳ در این سمت باقی بود تا اینکه بعلت کسالت و مسافرت با اروپا کفالت شهر بانی به عهده آقای سر هنگ رکن الدین مختار معاون شهر بانی محول گردید و ایشان در سال ۱۳۱۴ بدرجه سر یاسی مفتخر و بر ریاست شهر بانی منصوب شد .

زمان ریاست شهر بانی تیمسار سر یاس مختار مصادف شد با وقتی که رفت و آمد مردم و ارتباط ایران با کشورهای اروپائی صورت

جالبی بخود گرفت و شهر بانی هم که از ادارات مهم کشور و از سازمانهای مورد احتیاج عمومی بود نمیتوانست از تحولاتی که در دستگاههای اداری و سازمانی داده میشد بی نصیب بماند باین لحاظ بسیاری از نواقص کار شهر بانی بر طرف و دوایر بسیاری در این زمان توسعه یافته و با داره مبدل شد و عده ای افسر برای آشنائی بقوانین پلیسی با اروپا اعزام شدند چنانکه مرحوم سر یاس سیف به نیویورک و لندن جهت مطالعه فرستاده شد و نماینده شهر بانی ایران در کنفرانسهای بین المللی شرکت نمود

در آن دوره نسبت بتکمیل فن انگشت‌نگاری اقدام شد و مجله شهربانی که مدتی منتشر نمیشد زیر نظر مرحوم سرهنگ علی پارسا بصورت نشریه آبرومندی درآمد .

تیمسار سرباس مختار تا شهریور ۱۳۲۰ ریاست شهربانی بهمهده داشت و پس از ایشان پاسیار رادسر که معاون شهربانی بود بریاست شهربانی تعیین و بدرجه سرباسی ارتقاء یافت .



تیمسار سرباس مختار

وقایع شهریور همانطوری که بسیاری از دستگاه‌های اداری و سازمان‌های دولتی را متزلزل ساخت شالوده و اساس شهربانی را نیز زیر و رو نمود و اوضاع هرج و مرج بعد از شهریور بیش از هر جا بشهربانی لطمه زد و این دستگاه که تا قبل از شهریور یکی از سازمان‌های منظم و با قدرت دولتی بود بکلی وضع آن مختل و مفلش گردید

بدیهی است با این وضع آقای رادسر توفیقی حاصل نکرده و بهترین نمونه اش واقعه ۱۷

آذر ۱۳۲۱ است که در نتیجه آقای سرتیپ رادسر از کار برکنار و تیمسار سرتیپ اعتماد مقدم معاون ژاندارمری بریاست شهربانی منصوب شد .

آقای سرتیپ اعتماد مقدم که جانشین آقای رادسر شد فقط سعی داشت که بتواند نظم و آرامش را در تهران بوسیله دستگاه لرزان شهربانی حفظ کند و با این وضع فرصت اصلاحی در امور شهربانی نداشت و تمام وقت او در رسانیدن حقوق و اجاس افراد خارج از مرکز که غالباً چندین ماه بر اثر بحران اقتصادی و هرج و مرج دستگاه دولت معوق مانده بود صرف میشد

در دوره ایشان فرم لباس افراد و افسران تغییر یافت و کلاه کاسکت و نیم‌تنه بفرم آرنش درآمد و آموزشگاه شهربانی منحل و بجای آن آموزشگاه عالی که از میان افراد دیپلمه داوطلب می‌پذیرفت تاسیس شد - سازمان و آئین‌نامه آن مورد موافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی و تصویب مجلس شورای ملی قرار گرفت

وواقصی که تدریجاً در حین عمل در آئین نامه بآن برخورد نمودند در زمان ریاست آقایان جهانبانی و سیف رفع گردید



حالیه آموزشگاه عالی شهربانی در شهر یور هر سال ۶۰ نفر داوطلب که حداقل دارای دیپلم کامل متوسطه باشند با مسابقه ورودی پذیرفته و پس از دو سال بدرجه ستوان دومی مفتخر و ضمناً مربیان و افسران صالح و ورزنده ای را جهت تعلیم آنها تعیین نمودند در این مدت ۶ سال صدها نفر جوانان تحصیل کرده از آموزشگاه عالی شهربانی بارتبه افسری خارج و در کلیه نقاط کشور مشغول خدمت میباشند .

آقای سرتیپ مقدم پس از مدت کوتاهی بعزت اختلاف بانخست وزیر وقت آقای سهیلی از کار برکنار و تیمسار سر لشکر خسرو پناه بجای ایشان تعیین گردید.

آقای سر لشکر خسرو پناه که ریاست نظام وظیفه را بعهده داشت هیچگونه تمایلی بخدمت شهربانی نشان نداده و از روز اول ورود تقاضای استعفا نمود و بالاخره پس از یک ماه پست خود را به آقای جهانبانی تحویل داد آقای جهانبانی قبل از ورود بشهربانی مدیر کل وزارت کشور بوده و بنا به تقاضای وزیر کشور و موافقت اعلیحضرت همایونی بدرجه سرتیپی نائل و بریاست شهربانی منصوب شد



تیمسار سر لشکر خسرو پناه

تیمسار جهانبانی در بدو ورود به شهربانی بیسشهادی مبنی بر اصلاح سازمان اداری و انتظامی و مخصوصاً بودجه شهربانی بدولت نمود و دولت ظاهراً با نظریات ایشان موافقت کرد ولی پس از چند ماه بر اثر اشکالاتی که در کار دولت موجود بود و باضافه کمبود بودجه و نداشتن وسیله ناچار از ریاست شهربانی استعفا داد

پس از سرباس جهانبانی با سیارسیف (۱) که سمت معاونت شهربانی را داشت به کفالت شهربانی تعیین و پس از مدتی بدرجه سرباسی نائل و بریاست شهربانی منصوب گردید.



تیمسار سرتیپ جهانبانی

مرحوم سرباس سیف با وجود اینکه از افسران تربیت شده زمان سؤسدها و تحصیل کرده بود مع الوصف بعلمت خرابی اداره و مخصوصاً غیر عادی بودن اوضاع کشور نتوانست بخدمت خود ادامه دهد و چون دولت هم لازم دانست افسر با قدرتی را برای اداره امور شهربانی انتخاب نماید باین جهت تیمسار سر لشکر ضرابی را بریاست شهربانی تعیین نمود در دوره ای که سر لشکر ضرابی ریاست شهربانی را بعهده گرفت اوضاع تهران و شهرستانها بی اندازه بد و هر روز آغوشش و حوادث سخت و ناگواری در تهران روی میداد که مردم را با اضطراب و وحشت دچار ساخته بود



تیمسار فقید سرتیپ سیف

سر لشکر ضرابی موفق شد تاجائی که قدرت او اجزیه میداد از هر گونه پیش آمد سونی در تهران جلو گیری نموده و دستگاه شهربانی را که روبه ضعف و انحطاط میرفت بقدرت و انجام وظیفه خود باز گرداند.

تیمسار سر لشکر ضرابی در فروردین ۱۳۲۵ با تقدیر نامه ای که بنام ایشان از طرف دولت وقت صادر شد از ریاست شهربانی تغییر یافت و آقای و سرهنگ

(۱) مرحوم سرتیپ عبدالله سیف در ۱۲۶۴ در آذربایجان متولد و پس از خانه تحصیلات

خود در مدرسه امریکائی تهران در سال ۱۲۹۳ وارد خدمت شهربانی گردید

مرحوم سیف در ۱۲۹۸ بدرجه سرگردی و در ۱۳۰۴ بدرجه سرهنگ دومی و در ۱۳۰۸ بدرجه

سرهنگی نائل گشته و سمتهای زیر را در شهربانی عهده دار بوده است (بقیه در صفحه مقابل)

محمد علی صفاری بریاست شهر بانی منصوب و بدرجه سرپاسی نائل شد آقای سرپاس صفاری که دو نوبت ریاست شهر بانی بایشان محول گردید در تکمیل کادر انتظامی پلیس - تربیت افسران جوان - تکمیل دستگاههای فنی و علمی شهر بانی - ایجاد سازمان و تشکیلات از نظر اساس و رفاه عمومی اقداماتی نمود که از نظر تاریخ شهر بانی دارای ارزش و اهمیت خاصی است و با اضافه در تکمیل دستگاههای شهر بانی و رفع نواقص آنها نسبت بوضع پلیس و رفتار پلیس با مردم اقدامات شایسته ای بعمل آورد و این دستاورد را که برای خدمت بمردم ایجاد شده بمردم نزدیک نمود.

یکی دیگر از اقدامات ایشان اضافه حقوق افراد و افسران است که تاثیر خوبی در روحیه آنها نمود و دیگر از جهت تشویق مأمورین نشانهایی برای افسران و مدال برای افراد و نشانی برای افسران باز نهشته تهیه کرد که مورد تصویب ذات ملوکانه قرار گرفت.



تیمسار سر لشکر ضرابی

در زمان تیمسار سر تیپ صفاری ارتباط بین پلیس ایران و سازمان بین المللی پلیس برقرار شد و بر اثر درخواست و پیشنهاد و دعوت ایشان ۷ نفر مستشار سوئدی برای پلیس ایران اقدام گردید که فعلا مشغول خدمت میباشند

لباس فعلی که افسران و افراد شهر بانی بر تن دارند در سال گذشته در دوره تصدی تیمسار سر تیپ صفاری فرم و رنگ و علائم آن تهیه و پس از موافقت اعلیحضرت همایون شاهنشاهی بارو با سفارش داده شد که در فروردین ۱۳۲۹ کلیه افسران و افراد به لباس جدید مابس گردیدند

مترجمی پلیس - معارفت شهر بانی مشهد - ریاست شهر بانی قزوین - ریاست شهر بانی آذربایجان - نماینده ایران در پلیس نیویورک - رئیس شهر بانی گیلان و ناحیه شمال غرب - رئیس اداره سیاسی - ریاست اداره اقامت اتباع خارجه - رئیس کارگزینی - کفالت شهر بانی کل - ریاست شهر بانی

مرحوم سر تیپ سیف دارای قلبی مهربان و در حسن سلوک نسبت بزیردستان معروف و از مال دنیا بی نصیب و از حیث و علم دانش توانگر بود

سرتیپ صفاری در دونوبتی که ریاست شهربانی را عهده‌دار بود وقایعی در تهران روی داد که باعث تأثر عموم گردید .

بار اول ترور محمد مسعود مدیر مردامروز بود که در ۲۳ بهمن ۱۳۲۶ اتفاق افتاد مرتبه دوم در ۱۵ بهمن ۱۳۲۷ نسبت به ذات مبارک ملو کانه سوء قصد شد که با تفضل و لطف الهی تیر دشمنان ایران بسنگ خورد و بخواست خدا گلوله آن جنایتکار موثر واقع نشد

متأسفانه سال بعد در ۲۰ آبان ۱۳۲۸ هنگامی که عبدالحسین هژیر وزیر دربار شاهنشاهی در مسجد سپهسالار مشغول مراسم عزاداری بود هدف گلوله جنایتکاری واقع شد که پس از عمل جراحی فوت نمود و در اواخر آبان ۱۳۲۸ تیمسار صفاری از ریاست شهربانی تغییر یافت .

پس از تیمسار صفاری سرلشکر زاهدی برای بار دوم بر ریاست شهربانی تعیین گردید

سرلشکر زاهدی مدت ۷ ماه ریاست شهربانی را بعهده داشت و در اردیبهشت ۱۳۲۹ بدستور نخست وزیر وقت (آقای منصور) از ریاست شهربانی تغییر یافت

تیمسار صفاری در سال ۱۳۲۸ متولد و تحصیلات خود را در مدارس تربیت (ایران و آلمان) بیابان رسانیده سپس وارد مدرسه دیویزیون اتریش گردید و پس از بیابان دوره آن وارد خدمت در ارتش شد .

مشاغل و آنکه در طی مدت خدمت او بوده بترتیب زیر است .
فرماندار نظامی گرگان - معاونت شهرداری - ریاست کارگزینی وزارت کشور - مدیر کل غله و نان - مدیر کل اداره انحصار های کشاورزی و دوبار بر ریاست شهربانی کل کشور منصوب شد

در فروردین ۱۳۲۵ به درجه سرتیپی مفتخر و دارای نشان همایون درجه ۲ - نشان پاس درجه ۱ - نشان آذرباهگان میباشد و همچنین در فروردین ۱۳۲۸ با جوهرانی اعلی حضرت همایون شاهنشاهی مفتخر گردیده است



تیمسار سر تیب صفاری

پس از سر لشکر زاهدی برای اولین بار در تاریخ
شهر بانی یک نفر سیویل (آقای سید مهدی فرخ) در اول خرداد
۱۳۲۹ بریاست شهر بانی انتخاب گردید
مدت ریاست آقای فرخ بیش از یک ماه طول نکشید و
در این مدت کوتاه قتل احمد دهقان اتفاق افتاد که قاتل
دستگیر و تحت تعقیب قرار گرفت.

پس از تغییر کابینه و تشکیل دولت جدید (بریاست
تیمسار سپهبد رزم آرا) آقای سید مهدی فرخ از ریاست
شهر بانی تغییر یافته و بجای ایشان تیمسار سر تیب دفتری
فرمانده دژبان بامر مبارک ملو کانه بریاست شهر بانی منصوب شدند



آقای فرخ

تیمسار سر تیب دفتری از بدو ورود بشهر بانی
درصد رفع نواقص و احتیاجات شهر بانی بر آمده و
پروژه های اصلاحی جهت شهر بانی تهیه که با انجام و
عملی نمودن آنها میتوان گفت وضع شهر بانی از
هر حیث آبرو مند و برای انجام وظایف خود مجهز
خواهد شد و حالیه که بیش از دو ماه از تاریخ ریاست
انسان نمیکند در خدمتانی انجام داده اند که ذکر آن در
صفحات بعد خواهد آمد

آقای سید مهدی فرخ پس از طی تحصیلات خود در مدرسه سیاسی وارد خدمات
دولتی شده .

مقاماتی را که در جریان خدمت طی نموده اند بشرح زیر است
معاونت وزارت فرهنگ - کفیل وزارت فرهنگ - ریاست صناعت و فلاحت - استاندار
آذربایجان - استاندار فارس - استاندار کرمان - وزارت کشور - وزارت خوار و بار و اضافه سه
دوره نمایندگی مجلس شورای ملی را داشته اند و دو شنبه اول خرداد ۱۳۲۹ بریاست شهر بانی
منصوب و در چهارم تیر ماه ۱۳۲۹ یافتند

بخش دوم

سازمان اداری شهربانی کل کشور

حوزه ریاست کل

سازمان قسمتهای شهربانی تهران

اداره دفتر کل

اداره کارگزینی

اداره بهداری

اداره حسابداری

اداره کاربردازی

اداره بازربری

اداره بازرسی

اداره تمرکز آمار

اداره کار آگاهی

اداره اقامت اتباع خارجه

اداره اماکن عمومی

اداره آموزش شهربانها

اداره سرکلانتری

اداره آگاهی

اداره راهنمایی و رانندگی

اداره انگشت نگاری و تن پیمائی

اداره بازداشتگاه وزندان و دارالتادیب

اداره آموزشگاه عالی شهربانی

سازمان پست امدادی کلانتری

سازمان پست کلانتری بخش در تهران

سازمان يك شعبه قضائی كلانتري بخش در تهران
سازمان پاسگاه انتظامی
سازمان يك دائره قضائی در تهران
سازمان قسمت آموزش و پرورش
سازمان شهر بانیهای درجه ۱
سازمان شهر بانیهای درجه ۲
سازمان شهر بانیهای درجه ۳
سازمان شهر بانیهای درجه ۴
سازمان شهر بانیهای درجه ۵
كلانتري درجه ۱
كلانتري درجه ۲
سازمان شعبه قضائی درجه ۱
سازمان شعبه قضائی درجه ۲
سازمان كلانتري مستقل
سازمان پاسگاه ساحلی
سازمان پاسگاه انتظامی مرزی
اینك قسمتهای هفت گانه شهر بانی که اصول تشکیلات شهر بانی کل کشور
را شامل هستند بدین قرار است .

معاون دو نفر - معاون انتظامی - معاون اداری
قسمت پلیس قضائی مرکب از (اداره آگاهی - اداره انگشت نگاری و
تن پیمائی - اداره بازداشتگاه و زندان)
قسمت پلیس انتظامی مرکب از (اداره سر كلانتري - اداره راهنمائی و
رانندگی)

قسمت آموزش و پرورش مرکب از (اداره آموزشگاه عالی شهر بانی
آموزشگاه تکمیلی افسری - آموزشگاه تکمیلی اداری و مالی - آموزشگاه
تکمیلی قضائی - آموزشگاه فنی راهنمائی - رانندگی - آموزشگاه سرباسیانی
آموزشگاه پاسبانی)

قسمت امور مالی - مرکب از کارپردازی - اداره بازرسی - اداره
(حسابداری)

قسمت بازرسی مرکب از (اداره بازرسی اداره دادرسی)
قسمت امور همگانی مرکب از (اداره اقامت اتباع خارجه و گذرنامه -
اداره امور شهرستانها - اداره کارآگاهی - اداره اماکن عمومی)
قسمت امور اداری مرکب از (اداره دفتر کل - اداره کارگزینی - اداره
تمرکزآمار)

درفروردین ۱۳۲۹ اداره انتشارات به قسمت تبدیل یافت و آقای غلامحسین
معزی بریاست قسمت انتشارات و اطلاعات

ادارات مستقل - اداره بهداری بریاست آقای دکتر برخوردار - اداره
ساختمان بریاست آقای سرهنگ سمیعی - اداره فنی و برق بریاست آقای سرهنگ
قوانلو - اداره مبارزه با اماکن فساد بریاست آقای سرهنگ فرمند

سازمان شهربانی شهرستانها

شهربانیهای درجه ۱ که رؤسای آن درجه سرتیپی دارند عبارتند از
(آذربایجان - اصفهان - خراسان - کرمانشاهان - کیلان - اِاهواز)
شهربانیهای درجه ۲ که رؤسای آن درجه سرهنگی خواهند داشت
بشرح زیر

رضائیه - سنندج - اراک - اردبیل - همدان - کرمان - قزوین

آبادان - قم

شهربانیهای درجه ۳ که رؤسای آن درجه سرهنگ دومی خواهند
داشت بشرح زیر

زنجان - بروجرد - یزد - کرگان - بابل - شاهی - بوشهر - بندر عباس

- یزد - بندر پهلوی

شهربانیهای درجه ۴ که رؤسای آن درجه سرگردی خواهند داشت

بشرح زیر

شسواو - سمنان - شاهرود - کاشان - مراغه - خوی - ملایر - بهبهان

خرمشهر - خرم آباد - زاهدان - سبزوار - فخرشهرین - نیشابور

شهر بانیهای درجه ۵ که رؤسای آن درجه سروانی خواهند داشت بشرح زیر
 فومن - لنکرود - نوشهر - چالوس - رامسر - بابلسر - بهشهر - آمل -
 بندرکز - گنبد کاوس - جلغا - سراب - میانه - مرند - مشکین شهر - اهر -
 شاهپور - ماکو - مهاباد - سقز - بانه بیجار - نهاوند - توسرکان - دزفول -
 مسجد سلیمان - الیگودز - گلپایگان - آباءه - لار - بمرفسنجان - سیرجان
 خاش - زابل - نیشابور - تربت حیدریه - جوبمند - بیرجند - فردوس - قائن
 محلات - کرج - ساوه - دماوند شهر بانیهای رود سر - حسن کیاده - میاندو آب و
 آستارا کلانتری مستقل میباشند .

سازمان اداره سن کلانتری

رئیس	کلانتری ۱ - خیابان پهلوی
معاون انتظامی - معاون اداری	کلانتری ۲ - خیابان بهارستان
آجودان	کلانتری ۳ - خیابان فردوسی
دایره دفتر	کلانتری ۴ - خیابان شاهپور
شعبه آمار	کلانتری ۵ - خیابان ، چهارراه مختاری
بندگنجینه	کلانتری ۶ - خیابان مولوی
شعبه امور اسلحه	کلانتری ۷ - خیابان ری کوچه آبشار
دائرة اجرائیات	کلانتری ۸ - خیابان خیام - پاچنار
اجرائیات	کلانتری ۹ - پامنار
اجرائیات نظام و طیفه	کلانتری ۱۰ - خیابان قزوین
دایره گارد شهری	کلانتری ۱۱ - سه راه طرشت
	کلانتری ۱۲ - خیابان تخت جمشید کلانتری ۱۳ - خیابان حقوقی
	کلانتری ۱۴ - خیابان شهیاز مقابل کارخانه برق کلانتری ۱۵ - تجریش
	(قلمک - دربند - نیاوران) - رستم آباد کلانتری ۱۶ - شهرری کلانتری سوار -
	خیابان مازندران کلانتری انتظامی - مرکز شهر بانی نیروی احتیاط - مرکز شهر بانی
	توضیح از دوره سوئدیها شهر تهران به ۱۲ کلانتری تقسیم شده بود
	وبعد بملت وسعت شهرواز دیار جمعیت در مرداد ۱۳۲۸ در دوره تیمسار سرتیپ
	شاهپور لوای مختاری که ریاست قسمت پلیس انتظامی را عهده دار بودند
	کلانتری های تهران از ۱۲ به ۱۶ کلانتری تبدیل گردیدند

اداره راهنمایی و رانندگی

اداره راهنمایی و رانندگی یکی از مهمترین سازمانهای پلیسی هر کشور است و امروزه در کلیه کشورهای جهان نسبت به این مؤسسه اهمیت فراوان قائل هستند

تامین عبور و مرور و وسائط نقلیه که امروز بمنتهی درجه کمال رسیده در روز بروز هم از لحاظ نوغ و شماره در تزايد است و وظیفه مهم دیگری بوظایف اداره شهربانی اضافه نموده است

بطوریکه امروز تامین عبور و مرور و وسائط نقلیه هر شهر را میتوان از مهمترین وظایف شهربانی آن شهر دانست

کشور مانیز که چند سال قبل از سلطنت رضاشاه کبیر برای اولین مرتبه وسائط نقلیه موتوری وارد نمود و در زمان سلطنت آن فقید عظیم الشان هم روز بروز عده و شماره وسایل تندر و افزوده شد ناچار سازمانی بنام اداره راهنمایی و رانندگی در نظمیه تشکیل شد که امروز بوضع رفت و آمد و وسایط نقلیه و تخلفات آنها رسیدگی مینماید. برای اینکه خوانندگان را در تاریخچه این سازمان روشن کرده باشم مختصراً بشرح این مؤسسه و تحولات این سازمان میپردازیم برای اولین مرتبه در زمان سوئدیها شعبه ای بنام تامین عبور و مرور در اداره نظمیه تأسیس شد و شعبه مزبور بطوریکه نظماً نامه تعیین کرده بود زیر نظر پلیس اونیفورم با ۲۰ افسر و سوزافیسیه و آژان اداره میشد محل اولیه آن در سمت دروازه ارك (باب همايون) تعیین گردید و وظیفه آن نظم و ترتیب بانصد دستگاه درشکه که وسائط نقلیه آن روز تهران بود و بعداً تعداد درشکه ها به نصد دستگاه رسید و مامورین این شعبه موظف بودند که از هر گونه تخلف درشکه جلو گیری بعمل آورده و درشکه هائی را که برخلاف مواد نظامنامه دارای چراغ و فنر و صندلی نبودند از کار بازدارند

مامورین شعبه (تامین عبور و مرور) گذاشته از اداره مرکزی در ه نقطه شهر مشغول انجام وظیفه بوده و بامور درشکه ها رسیدگی مینمودند این پنج نقطه عبارت بود از چهارراه مخبر الدوله - چهارراه حسن آباد - چهارراه

سید علی - سر چشمه - بازار - ایستگاه درشکه‌ها محسوب میشد البته باید در نظر داشت که وظیفه مامورین فوق‌الذکر رسیدگی به تخلفات و نظافت درشکه‌ها و داشتن چراغ آنها بود و هیچ عملی که شبیه بفرمان دادن مامورین فعلی شهربانی باشد دیده نمیشد

طبق نظامنامه معینه درشکه‌ها بدو قسمت میشدند. درشکه‌های عمومی و درشکه‌های شخصی رانندگان درشکه‌های عمومی باید دارای نشان و تصدیق بوده و بامضای رئیس شعبه رسیده باشد در حالیکه درشکه‌های شخصی علامت و نشان نداشته و سورچیهای آنها ملزم بداشتن تصدیق نبودند

رانندگان درشکه‌های کرایه موظف بودند درشکه‌های خود را پیوسته تمیز نگاهداشته و هر روز از نظر مامورین شعبه بگذرانند و همچنین ملزم بودند که با مسافری در نهایت خوشروئی و ادب رفتار کرده و اگر مسافری شیئی را در درشکه آنها جا گذاشته در اولین فرصت بشعبه تامین عبور و مرور تحویل داده رسید دریافت دارند تا بصاحب اصلی آن مسترد گردد

چهار سال بعد برای اولین بار اتومبیل‌هایی از نوع فرد سواری و چند دستگاه اتوبوس با اطاق‌های فابریکی از نوع شورله و برلیه به تهران وارد شد و همین موضوع مورد توجه شهربانی قرار گرفته و نظم و ترتیب آن بشعبه راهنمایی محول گردید مدتی بعد کمپانیهای بزرگ مشغول وارد کردن تعداد زیادی اتوبوس و اتوکار و اتومبیل باری شده و هر روز بر تعداد آنها در تهران اضافه میشد چون برخلاف سابق موضوع وسائط نقلیه از پانصد دستگاه درشکه گذشته بود لذا اداره نظمیة تغییراتی از لحاظ سازمانی در شعبه راهنمایی داد و قسمتهای جدیدی بآن افزود و از شعبه به دایره تبدیل گردید و چند نفر متخصص از جمله بطروس و وارنه که هر دو فرانسوی بودند و متخصص دیگری بنام فایک جهت معاینه اتومبیل و آزمایش رانندگی و دادن گواهینامه رانندگان استخدام شدند و بوسیله آنها از زرو ناله‌های خارجی قواعد و اصولی استخراج نموده و تابلوهائی هائی برای ایست - آزادی راه و ممنوع نمودن - سرعت سیر - توقف - تهیه و بمامورین تعلیم داده شد که برای اولین بار در سر چهارراه‌ها ایستاده بادستکش و کفگیرک‌های سفید فرمان بدهند

پاسبانهائی که جهت فرمان دادن انتخاب میشدند همه از افراد رشید و تعلیم یافته بودند که قبلاً عبور و مرور را تمرین نموده و این قضیه ابتدا بقدری برای مردم تازگی داشت که دسته دسته در سر چهار راه ها و بخصوص میدان توپخانه ایستاده فرمان دادن آنها را تماشا میکردند در زمان ریاست نظمیه مرحوم سرتیپ در گاهی نظامنامه ای را که سونڈیا عمل مینمودند موادی بآن اضافه و جهت امور راهنمایی و رانندگی وسائط نقلیه تدوین و همچنان امور در شکه ها و اتوبوسها را از یکدیگر تفکیک کردند چیزیکه بیشتر در قسمت راهنمایی و رانندگی جلب توجه مینماید وسعت سازمان آن است که نسبت به وسعت شهر و ازدیاد وسائط نقلیه تشکیلات این شعبه وسیعتر شد ابتدا بصورت شعبه و چندی بعد دایره و در ۷ سال قبل تبدیل باداره گردید

سازمان فعلی اداره راهنمایی و رانندگی

رئیس - معاون انتظامی - معاون اداری و دوائر و شعب اداره مزبور
بشرح زیر است
دایره دفتر - بامور دفتر و مراسلات رسیدگی مینمایند
دایره فنی - شماره گذاری و وسائط نقلیه موتوری - صدور گواهینامه
آزمایش رانندگان را بعهده دارد
دایره انتظامی - که ماموریت حفظ انظام امور راهنمایی و رانندگی را
در شهر بعهده دارد
شعبه بازجوئی - متخلفین از مقررات عبور و مرور و وسائط نقلیه را احضار
و بدادگاه تسلیم مینماید و ضمناً اجرائیات وزارتخانه ها و دادگاه ها را نیز
انجام میدهد
شعبه تندرو - مامور رسیدگی به وسائط نقلیه غیر موتوری است
شعبه کارازها - رسیدگی بامور بنگاه های حمل و نقل و مسافربری را مینماید
شعبه صدور کارت - برای رانندگان و کمک رانندگان کارت مخصوص
صادر مینماید

اینک و ساینط نقلیه تهران برای اطلاع خوانندگان بازگرنوع آنها شرح داده میشود

۲۲۷۳۴	بی سیکلت	تعداد	تهران
۹۲۵	درشکه	۶۰۱۵	اتومبیل سواری شخصی
۱۴۷۱	کاری	۲۱۴۷	ناکسی و کرایه
۴۲۰	بشکه آب	۲۷۶۳	اتوبوس
۹۸۰	چرخ دستی	۲۰۵	کامیون شخصی
۴۴	مسافربری	۵۶۸۹	کامیون کرایه
۳۵	باربری	۱۷	آمبولانس
<u>۲۶۶۰۹</u>		۸	کامانکار
		<u>۴۴۶</u>	موتور سیکلت
		۲۵۴۰۳	

سازمان اداره آگاهی

معاون اداری	معاون قضائی	رئیس
شعبه تحریر	شعبه بایگانی و ثبت	دایره دفتر
دائرة گنجینه	شعبه دادخواست	شعبه کارگزینی و آمار
شعبه هوزه جنائی و عکاسی	شعبه تهیه بخشنامه	شعبه کشیک

واحد سازمان دایره اول قضائی

شعبه ۱ شعبه ۲

دایره ۲ قضائی

شعبه ۳ شعبه ۴

دایره ۳ قضائی

شعبه ۵ شعبه ۶

دایره ۴ قضائی

شعبه ۷ شعبه ۸

دایره ۵ قضائی

شعبه ۹ شعبه ۱۰

دایره ۶ قضائی



آقای یوسف بهرامی رئیس اداره آگاهی

شعبه ۱۱ شعبه ۱۲

دایره ۷ قضائی

شعبه ۱۳ شعبه ۱۴

دایره ۸ قضائی

شعبه ۱۵ شعبه ۱۶

شعبه آگاهی شمیران

وظایفی را که شعب اداره آگاهی بعهده دارند بشرح زیر است

- شعبه ۱- قتل - حمله - چاقو کشی - مسمومیت - تهدید - تصادف
۲- حریق - تخریب - فقدان اشخاص و اطفال - نزاع - اهانت بیاسبان

و مامور دولت

شعبه ۳- سرقت جبری از خانه و بانگها .

شعبه ۴

۵- از مغازه و اماکن عمومی و انبارها .

۶-

۷- سرقت ساده از خانه و بانگها

۸- داخلی بوسیله باربر و مستخدم

شعبه ۹- سرقت داخلی از مغازه و اماکن عمومی

۱۰- اتومبیل - دوچرخه و اشیاء آنها و سرقت از داخله و سائط نقلیه .

۱۱- امور مربوط به تهذیب اخلاق - اعمال منافی عفت - فقدان

زن و دختر - دعاوی زوج و زوجه

۱۲- امور محرمانه - متفرقه - فقدان اشیاء و حیوان قاچاق - احوال

بلاصاحب .

شعبه ۱۳- فریب - خدعه - خیانت در امانت - جعل در اسناد - چک بیمحل

کلاهبرداری - بدلی فروشی - تقلبات

شعبه ۱۴- رشوه - اختلاس - سکه زنی - قلب زنی - جعل اسکناس - هواری

مربوط بنویز از تخاناتها

شعبه ۱۵- جیب بری - کیف بری - جیب بری در اماکن عمومی.
شعبه ۱۶-

سازمان ادارہ بہداری شہربانی

سرورس اداری و قسمتهای فنی شامل بخش جراحی - بخش چشم پزشکی
بخش دندان پزشکی - بخش زنانہ - بخش تصادفات - بخش بیماریہای درونی -
بخش آزمایشگاه - بخش داروخانہ -

۱- بخش جراحی : دارای ۳۵ تختخواب و عملیات جراحی بزرگ بوسیله
این سرورس انجام میگردد

۲- بخش چشم پزشکی : (گوش و حلق و بینی) دارای ۱۰ تختخواب کہ این
سرورس نیز مرتباً عملیات جراحی مربوط بخود را انجام میدهد .

۳- بخش دندان پزشکی علاوه بر عملیات طبی نسبت بہ بیماریہای دہان
و دندان ساختمان دندان را انجام میدهد .

۴- بخش زنانہ . مخصوص بیماریہای زنانہ و در مواقع لزوم عمل زایمان را
انجام میدهد و در نظر است بخش زایمان در بہداری شہربانی دایر شود .

۵- بخش تصادفات مخصوص مصدومین و مجروحین اسی کہ در اثر
تصادفات و سائط نقلیہ و یا نزاع و امثال آن و همچنین مسمومین و زیر آوار رفتگان

باین بخش مراجعہ و پس از معالجه مقدماتی و کمکهای
نخستین در صورتیکہ احتیاج بہ بستری شدن داشته
باشند بہ بیمارستانہای شہر فرستادہ میشوند و
متأسفانہ اغلب بواسطہ کمی تختخواب و نداشتن
وسیله مداوا جای خالی برای پذیرائی بیمار نداشته
و در این قبیل موارد بہداری شہربانی ناگزیر برای
حفظ جان آنہا در بیمارستان شہربانی بستری مینماید .

۶- بخش بیماریہای درونی فعلاً دارای ۶۰
تختخواب و مختص بیماریہای درونی و عفونی میباشد .

۷- بخش آزمایشگاه - مخصوص آزمایشهای



آقای دکتر برغزدر رئیس بہداری

مختلفه (خون - ترشحات مختلفه معده - و همچنین آزمایش خلط و هرگونه آزمایشی که مربوط بامور پزشکی است)

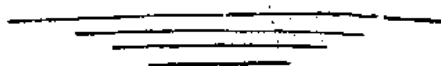
۸- بخش داروخانه کلیه داروهای بیماران مامورین اداره را که بدستور پزشک اداری باشد در حدود امکان با دارا بودن دواجات مورد لزوم برایگان در اختیار آنان میگذارد.

بیمارستان دیگری از طرف آقای میرعلی محمد تقوی برای مدت ه سال برایگان در اختیار شهر بانی گذارده که در خیابان خواجه نظام الملک واقع است و فعلا دارای ۶ تخت خواب بوده و مخصوص بیماران امراض درونی میباشد و همچنین بیمارستان دیگری که مربوط بزندانها و تحت نظر اداره شهر بانی میباشد عبارت است از بیمارستان زندان مرکزی که دارای ۶ تخت خواب و بیمارستان زندان موقت ۳ تخت خواب - بیمارستان زندان بانوان ۶ تخت خواب - بیمارستان دارالتأدیب ۵ تخت خواب.

یکی از اقداماتی که اخیراً از طرف ریاست شهر بانی بعمل آمده ساختمان یکباب آسایشگاه مطابق اصول بهداشت است که در پشت زندان قصر قرار دارد و مخصوص بیماران مبتلا بسل میباشد.

اداره بهداری مجهز به دستگاہ آمبولانس بوده و در مواقع ضروری از آنها استفاده میشود.

بهداری شهر بانی در شهرستانها اغلب دارای طبیب و پزشک یار میباشد و بقیه نیز با در نظر گرفتن وسایل و اضافه نمودن بودجه شهر با نیه اشهرستانها در آنیه دارای پزشک خواهند شد و فعلا شهر بانیهای - تبریز - رشت - اصفهان - شیراز دارای بیمارستان و پزشک میباشد.



سازمان اداره انگشت نگاری



آقای رادسر رئیس اداره انگشت نگاری

- رئیس
- معاون
- دایره دفتر
- شعبه تحریرات
- شعبه ثبت و بایگانی
- شعبه تزییمائی
- شعبه عکاسی
- دایره بایگانی و فنی
- شعبه اول
- شعبه دوم

دایره آزمایش و آموزش

سازمان اداره کار گزینی



آقای سرهنگ رفیعیان رئیس اداره کار گزینی

- وئیس
- دومعاون
- دایره اول - دفتر
- دایره دوم - تامین بودجه
- تقدیر - تشویق - نشان و تر فیعات و کلیه
- امور پرسنلی مأمورین پلیس
- دایره سوم - استخدام - انتظار
- خدمت
- دایره چهارم - نقل و انتقالات و
- مرخصیها
- دایره پنجم - بازنشستگی
- دایره ششم - بایگانی کلیه

پروندهها

سازمان اداره زندان



آقای سرهنگ پارسا رئیس اداره زندان

- رئیس
- معاون
- دایره دفتر - شعبه تحریرات
- شعبه ثبت و بایگانی
- شعبه کارگزینی
- شعبه اول
- شعبه دوم
- دایره زندان
- شعبه دفتر
- دفتر کارگزینی و اموال
- شعبه انتظامی زندان
- شعبه اجراء
- کتابخانه زندان
- مخزن اموال زندانیان
- دارالتادیب
- زندان بانوان
- دایره بازداشتگاه
- شعبه دفتر
- شعبه کاربردازی و اموال
- شعبه انتظامی بازداشتگاه
- شعبه اجراء
- کتابخانه - کارخانجات زندان
- بازداشتگاه کاخ داد گستری
- دفتر
- شعبه انتظامی - شعبه اجراء
- مخزن اموال بازداشت شدگان

سازمان ادارہ کار آگاہی

معاون انتظامی - معاون اداری	رئیس
دایرہ دفتر	آجودان
شعبہ دوم (مرموزات)	شعبہ اول (تحریرات)
دایرہ اول	شعبہ سوم (ثبت و بایگانی)
شعبہ دوم (نمایندگان سیاسی)	شعبہ اول (دفتر)
دایرہ دوم	شعبہ سوم (امور اتباع بیگانہ)
شعبہ دوم (انتخابات)	شعبہ اول (دفتر)
دایرہ سوم	شعبہ سوم
شعبہ دوم (احزاب و باشکاہا)	شعبہ اول (دفتر)
شعبہ چہارم (بازجوئی)	شعبہ سوم (عناصر نامطلوب)
شعبہ اول (دفتر)	دایرہ چہارم
شعبہ دوم (جراید و مطبوعات) شعبہ سوم (دارالترجمہ و رادیو)	شعبہ دوم (جراید و مطبوعات) شعبہ سوم (دارالترجمہ و رادیو)
شعبہ پنجم (چاپخانہ ہا)	شعبہ چہارم (گزارشات)
شعبہ اول (دفتر)	دایرہ پنجم
شعبہ سوم (صدور دفتر چہ ماہجرین)	شعبہ دوم (ماہجرین)
شعبہ اول (دفتر)	دایرہ ششم
شعبہ پنجم (حسابداری)	شعبہ چہارم (بیوگرافی)
	شعبہ ناکمبانی

سازمان ادارہ بازرسی

معاون	رئیس
شعبہ تحریرات	دایرہ دفتر
بازرس امور اداری	شعبہ ثبت و بایگانی
بازرس امور ہمگانی	بازرس امور مالی
بازرس امور قضائی	بازرس امور انتظامی

شعبه اول

دایره باز جوئی

شعبه دوم

سازمان شهرداری درجه ۱

معاون	رئیس
دایره دفتر	آجودان
شعبه ثبت بایگانی	شعبه تحریرات
شعبه دفتر و سازمان	دایره کارگزینی
دایره بهمداری اداره زندان	شعبه استخدام و بایگانی
شعبه اعتبارات	دایره حسابداری و کارپردازی
شعبه دفتر داری و اموال	شعبه صندوق
شعبه فنی و ارتباط	شعبه کارپردازی
دفتر آمار	دایره بازرسی و تمبر کز آمار
دفتر	دایره کارهای عمومی
شعبه دوم - امکان عمومی	شعبه اول - کار آگاهی
دایره سر کلانتری	شعبه سوم اقامت اتباع خارجه و گذرنامه
دایره کارگزینی	شعبه دفتر
کلانتری انتظامی	دایره امور اسلحه و مخزن
کلانتری سوار	نیروی احتیاط
دفتر	دایره راهنمایی
دایره آگاهی	شعبه راهنمایی
شعبه گنجینه	شعبه دفتر
شعبه بازداشتگاه زندان	شعبه انگشت نگاری
شعبه بازداشتگاه	شعبه دفتر و تعرفه زندانیان
شعبه زندان زنان	شعبه زندان و دارالتادیب
کارخانجات زندان	انبار و اموال زندانیان
	آموزشگاه پاسپانی و سر پاسپانی

سازمان حوزه ریاست

معاون اداری	معاون انتظامی
مشاور فنی	بازرس ویژه
اداره آجودانی	رئیس اداره آجودانی

سازمان آموزشگاه عالی شهرستانی



رئیس
آجودان
بخش فرماندهی
اسلحه خانه انبار
آموزشگاه تکمیلی افسری
آموزشگاه تکمیلی قضائی
آموزشگاه فنی راهنمایی و رانندگی
فرماندهی
اسلحه خانه و انبار
تعمیرگاه
آموزشگاه تکمیلی اداری و مالی
فرماندهی

آقای سرهنگ شمعی رئیس آموزشگاه

فرماندهی عالی شهرستانی	آموزشگاه سرپاسبانی
آموزشگاه پاسبانی	اسلحه خانه و انبار
اسلحه خانه و انبار	فرماندهی

سازمان اداره حسابداری

معاون	رئیس
شعبه تحریرات	دائرة دفتر
دایره اعتبارات	شعبه ثبت و بایگانی
شعبه دوم (شهرستانها)	شعبه اول - مرکز
شعبه اول - رسیدگی	دائرة رسیدگی و بازرسی

صندوق	شعبه دوم (بازرسی)
شعبه اول حسابداری مرکز	دائرة دفتر داری
شعبه دوم - حسابداری شهرستانها	دائرة اموال
شعبه اول (مرکز)	شعبه دوم (شهرستانها)

سازمان اداره کار پردازی

معاون	رئیس
شعبه تحریرات	دائرة دفتر
دایره تدارکات	ثبت و بایگانی
شعبه دوم	شعبه اول
دائرة مخزن	شعبه حسابدار و صندوق
شعبه دوم انبار تجهیزات	مطبوعات و اثاثیه
شعبه چهارم - انبار خوار و بار	شعبه سوم انبار اسلحه
	دائرة ساختمان و نگاهداری ابنیه شعبه ساختمان

سازمان اداره باربری

معاون	رئیس
دایره فنی مخابرات	شعبه دفتر
شعبه دوم برق	شعبه اول - تلفن و بی سیم
بخش اتومبیل های سواری	دایره ارتباط
بخش موتورسیکلت	بخش اتوبوس و آمبولانس و کامیونها
بخش کشیک	بخش تعمیرات
	شعبه انبار و اموال

سازمان اداره نمرگز آمار

معاون	رئیس
شعبه تحریرات	دائرة دفتر
دایره آمارهای اداری	شعبه ثبت و بایگانی

شعبه اول	شعبه دوم
دایره آمار وقایع و مکشوفات	شعبه اول - وقایع
شعبه دوم (مکشوفات)	شعبه سوم (تصادفات)

سازمان اداره اقامت اتباع خارجه و گذر نامه

رئیس	معاون
دائره دفتر	شعبه تحریرات
شعبه ثبت و بایگانی	شعبه اظهار نامه و اعلامیه ورود
شعبه صدور پروانه اقامت	شعبه روادید
شعبه بایگانی	دایره گذرنامه
شعبه اظهار نامه و تعرفه و صدور گذرنامه	شعبه بایگانی
دایره رسیدگی	شعبه رسیدگی
شعبه آمار	شعبه صندوق

سازمان اداره اماکن عمومی

رئیس	معاون
دایره دفتر	شعبه تحریرات
شعبه ثبت و بایگانی	شعبه اظهار نامه
دایره اول	شعبه اول
شعبه دوم	دائره دوم
شعبه اول	شعبه دوم

سازمان اداره امور شهرستانها

رئیس	معاون
دایره دفتر	شعبه تحریرات
شعبه ثبت و بایگانی	شعبه اول - شهرستانهای شمال
شعبه دوم - شهرستانهای جنوب	دایره دوم
شعبه سوم شهرستانهای شرق	شعبه چهارم - شهرستانهای غرب

سازمان اداره دفتر کل

رئیس	معاون
دائرة تحریرات	شعبه ثبت
شعبه بایگانی	دفتر امور رمز
شعبه ثبت	شعبه بایگانی و رمز
دفتر توزیع	شعبه کتابخانه و قرائنخانه
شعبه ترجمه	شعبه مرکز بایگانیها

سازمان اداره دادرسی

رئیس	معاون
دایره دفتر	داستانی
دادگاه شماره ۱	دادگاه شماره ۲
دادگاه تجدید نظر	

سازمان شهربانی درجه ۳



آقای سرهنك سیاسی
رئیس اداره سرکلانتری

رئیس	معاون
آجودان	شعبه دفتر
شعبه کارگزینی	بهداری و زندان
شعبه حسابداری و کارپردازی	
شعبه فنی و ارتباط	
شعبه بازرسی و تمرکز آمار	
شعبه کارهای همگانی	
دایره سرکلانتری	
شعبه کارگزینی و احوال	
امور اسلحه و مخزن	
کلانتری انتظامی و نیروی احتیاط	

سازمان کلانتری بخش	کلانتری سوار
دایره آگاهی	شعبه راهنمایی و رانندگی
انگشت‌نگاری و تن‌پیمایی و موزه	گنجینه و نگهبانی
شعبه تعرفه‌وزندان	بازداشتگاه و زندان و دارالتادیب
زندان و دارالتادیب و زندان زنان	بازداشتگاه
کارخانجات زندان	انبار و اموال زندانیان
	آموزشگاه باسبانی

سازمان شهرپانی درجه ۳

معاون	رئیس
بهداری و زندان	کارگزینی
آگاهی و کار آگاهی - اماکن عمومی	حسابداری و کارپردازی
سر کلانتری	دفتر اقامت اتباع خارجه و گذرنامه
سازمان کلانتری	راهنمایی
متصدی انگشت‌نگاری	بازداشتگاه
	قوای انتظامی بازداشتگاه

سازمان شهرپانی درجه ۴

معاون	رئیس
بهداری	دفتر کارگزینی
آگاهی - کار آگاهی و اقامت اتباع خارجه	حسابداری و کارپردازی
شعبه انتظامات	بازداشتگاه

در ۲۰ شهریور ۳۳۴۴ اداره راهنمایی و رانندگی که از ادارات تابعه قسمت پلیس انتظامی بود مستقل گردید و سازمانیکه قبلا شرح آن داده شد منحل و نظر با احتیاجات عمومی و رفاه حال مردم سازمان جدیدی بامر تیره‌سار سر تیمپ محمد دقتری رئیس شهرپانی کل کشور داده شد :

راهنمایی و رانندگی تشکیل میشود از دو دایره

دایره انتظامی - دایره فنی

دایره انتظامی مشتمل از شعبات دفتر و امور عمومی - پاسدارخانه - اجرائیات
بازجویی - تبلیغات - کاردان های فنی و سایر - امور انتظامی -

دایره فنی - متشکل از شعبات دفتر و امور عمومی - ثبت و سائط نقلیه - ثبت
و صدور گواهی نامه رانندگی - پروانه و ثبت و سائط نقلیه موتور و کرایه - پروانه
و ثبت و سائط نقلیه عمومی غیر موتور - معاینه و سائط نقلیه موتور و آزمایش
رانندگان -

وظائف دوایر انتظامی و فنی

دایره انتظامی - موظف است بامور مربوط به ورود و خروج - تعقیب متخلفین
تسلیم آنها بدادگاه و تبلیغات و دستورات و مقررات رانندگی و عبور و مرور و
تعمین گشتیها - و کلیه امور انتظامی رسیدگی نماید

دایره فنی بکلیه امور فنی از قبیل صدور گواهی نامه رانندگی - تغییر شماره
معاینه و سائط نقلیه - پروانه کرایه تاکسی - احداث خطوط جدید اتوبوس رانی
رسیدگی مینماید

مسئولیت دوایر انتظامی و فنی راهنمایی و رانندگی بامر تیمسار ریاست
کل شهربانی با (کلنل روستت) میباشد

بخش سوم

چون در بخش اول و دوم کتاب خلاصه‌ای از تاریخچه شهربانی و همچنین سازمان فعلی را مورد بحث قرار دادیم لازم بود که بخش سوم این کتاب را به بیوگرافی و شرح حال افسران و مامورین عالیرتبه شهربانی کل کشور که فعلا چرخهای این اداره مهم و بزرگ را میگردانند اختصاص داده شود

این بیوگرافیا غالباً بطور اختصار از خصوصیات اخلاقی و خدمات مامورین عالیرتبه شهربانی تهیه شده ضمناً فرصت را غنیمت شمرده از افسران و صاحبمنصبانی که در پیشرفت و تکمیل دستگاه شهربانی زحمت کشیدند و امروز در قید حیات نیستند یاد آوری نمودیم باینجهت قسمت آخر بخش را به معرفی و شرح حال و خدمت چند نفر از افسران و صاحبمنصبان گذشته شهربانی اختصاص داده شد.

البته ادعا نمیکنم که در این بخش شرح حال تمام افسران ارشد و خدمت گذاران دستگاه شهربانی را که جانیده ایم ولی تا آنجا که مقدور بوده شرح حال و همچنین عکس اشخاصی را که در دسترس داشتیم در اینمورد اقدام نمودیم با خاتمه این مقدمه کوتاه ابتدا از بیوگرافی تیمسار سرتیپ محمد دفتری که ریاست شهربانی کل کشور را عهده دار میباشند شروع میکنیم.

تیمسار سر تیپ دفتری

تیمسار سر تیپ محمد دفتری فرزند مرحوم عین الممالک و هوه میرزا حسین بهمان وزیر دفتر که از مردان باسواد و شریف کشور بوده و مدت‌ها وزارت دارائی دوره ناصری را عهده دار بوده اند.



تیمسار دفتری در سال ۱۲۸۴ یعنی ۴۵ سال قبل قدم بعرصه وجود گذاشت و تحصیلات خود را در مدارس آلمانی و امریکائی به پایان رسانیده و بعد از نظر علاقه و اشتیاقی که بخدمت نظام داشت وارد دبیرستان نظام گردید و سپس برای تکمیل تحصیلات خود با اروپا عزیمت و پس از خاتمه تحصیلات در (لیسه هوش) در شهر ورسای و چند ماه کار-آموزی در هنگ ۱۰۶ بهاده (شاسون سورمارن)

در سال ۱۹۲۶ وارد

تیمسار سر تیپ دفتری رئیس کل شهربانی کشور مدرسه نظامی (سن سیر) گردیدند پس از طی دوره دو ساله دانشکده و سه ماه کارآموزی در گردان ۲۹ شاسور در (آلزاس ولرن) بایران بازگشت و پس از مراجعت به تهران برای طی دوره شش ماهه کارآموزی بدانشکده افسری مأمور شدند و سپس در فروردین ۱۳۰۸ بدرجه ستوان دومی نائل و از آن تاریخ به لشکر شمالغرب مأموریت یافتند و مدتی فرمانده گروهان و چندی هم بسمت فرماندهی آموزشگاه گروهبانی

در آن لشکر مشغول انجام وظیفه بودند .
در فروردین ۱۳۱۰ بدرجه ستوان یکمی نائل و از همان سال به لشکر دوم
پادگان مرکز منتقل شدند و پس از يك سال خدمت در لشکر ۲ بدانشکده افسری
رفته و بسمت مدیر تعلیمات پیاده منصوب و در سال ۱۳۱۴ بدرجه سروانی مفتخر گردیدند



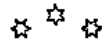
در زمانیکه اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی
دوره دانشکده افسری
راطی میفرمودند ایشان
سمت آجودانی دانشکده
افسری را داشته و
ضمناً در فروردین ۱۳۱۸
بدرجه سرگردی ارتقاء
یافتند

تیمسار دفتری در ۱۹۳۸
برای طی دوره دانشگاه
جنگ به بلژیک عزیمت
نمود و پس از اتمام دوره
دانشگاه جنگ بروکسل
بایران مراجعت و در سال
۱۳۲۱ پس از ارتقاء
بدرجه سرهنگ دومی
بدانشگاه جنگ تهران
وارد شدند و پس از
ششماه تحصیل مجدداً

تیمسار سرتیپ دفتری هنگام تحصیل در دانشکده (سن سیر)
بدانشکده افسری منتقل و بسمت مدیر دروس دانشکده تعیین و دو سال بعد بدرجه
سرهنگ تمامی نایل آمدند .

در سال ۱۳۲۵ از دانشکده افسری بوزرات جنگ انتقال یافته و ریاست ستاد
بارزسی ناحیه ۳ را عهده دار گردید و پس از چندی بفرماندهی دژبان پادگان مرکز

منصوب و در فروردین ۱۳۲۸ بدرجه سرتمپبی مفتخر شدند .
روزدوشنبه پنجم تیرماه ۱۳۲۹ تیمساردفتری پس از چهارسال فرماندهی
دژبان مرکز بفرمان مبارک ملوکانه بریاست شهربانی کل کشور منصوب گردیدند.



رئیس فعلی شهربانی اصولاً در هر مقام و سمتی که بوده لیاقت و درایت
خود را بخوبی نشان داده است چنانکه در زمانی که فرماندهی دژبان با ایشان
بود خدمات مهمی انجام دادند که فراموش نخواهد شد مخصوصاً در سالهای
۲۷ - ۱۳۲۶ که وحشت و اضطراب سراسر تهران را فرا گرفته و امنیت شهر مختل
گردیده بود در آن زمان ایشان توانستند با فداکاری و خدمت شبانه روزی و همکاری
صمیمانه با پلیس از هرج و مرج جلوگیری نموده و شهر تهران را بصورت آرامی
در آوردند علاوه بر این سازمانی برای دژبانی دادند که در نتیجه زحمات ایشان
دژبانی که قبلاً عده آن از ۲۲۰ نفر تجاوز نمی کرد به ۶۰۰۰ نفر رسید و ضمناً
مجهز به بیسیم و وسائل موتوری گردید :

تیمساردفتری زبان انگلیسی و فرانسه را بخوبی صحبت مینمایند. اندام باریک
و بلند . چشمانی درشت - صورت کشیده و قیافه با محبت و گیرائی دارد و در
اثر خدمت سنگین بیشتر موهای خود را از دست داده و بقیه سفید میباشد .
رئیس شهربانی در ۱۲ سال قبل با خانواده هدایت وصلت نمودند و اکنون
دارای دو فرزند یعنی یک پسر و یک دختر میباشدند که پسر ایشان ۱۱ سال و
دخترشان ۵ سال دارند .

تیمسار دفتری بسیار مؤدب و متواضع و مهربان است . او پیوسته سیگار
گرگان سبز با چوب سیگار مخصوصی که دارد از دستش نمی افتد و اگر فرصتی
بدست بیاورد وقت خود را صرف مطالعه مجلات و کتب خارجی مینماید .
در زندگی بدو چیز فوق العاده علاقمند است اول عشق و علاقه به اعلیحضرت
همایون شاهنشاهی است که بهترین نمونه آن فداکاری بود که ایشان در روز
پانزدهم بهمن ۱۳۲۷ نمودند .

دوم علاقه مخصوصی بکار دارند و در کار اداری بسیار جدی و ساعی است

و معمولاً تا يك بعداز نصف شب در شهربانی مشغول کار است و بعداً در شهر گردش کرده و از نزدیک با مور کلانتریها و گشتیها رسیدگی مینمایند

در فروردین ۱۳۲۶ بواسطه ابراز لیاقت و خدمت فوق العاده ای که در دبانی انجام دادند با آجودانی اعلی حضرت همایون شاهنشاهی مفتخر شده و ضمناً دارای ۹ نشان باین ترتیب میباشد

نشان لیاقت درجه ۱ و ۲ نشان افتخار . نشان تاج . نشان آذرباهگان
نشان پاس . نشان خدمت . نشان استوراز درجه یکم . نشان کوکب از درجه دوم .
افسران و کارمندان شهربانی امیدوارند با زحماتی که ایشان در این مدت کوتاه در شهر بانی متحمل شدند بتوانند در آتیه منشأ خدمات مهمی شده و آنطوریکه منظور نظرشان است در راه اصلاح و رفع نواقص شهربانی موفق گردند

از بدو ورود تیمسار سرتیپ دفتری بشهربانی در اثر کوشش و اقداماتی که نمودند و با در نظر گرفتن اینکه بیش از سه ماه از ریاست ایشان نمیگذرد مع الوصف اصلاحات و پیشرفتهائی در ادارات شهربانی بعمل آمده که لازم است قسمتی از آنرا بنظر خوانندگان برسانیم

اداره باربری

- ۱ - دستگاه ماشین انتر ناس و ۲۵ دستگاه جیب خریداری گردید
- ۲ - ۴ دستگاه ماشین زیو و یک دستگاه آمبولانس جهت حمل زندانیان بیمار خریداری شد
- ۳ - سه دستگاه ماشین سواری جهت کارهای اداری کار آگاهی خریداری گردید .
- ۴ - بواسطه کمی راننده عدّه یاسبان جهت رانندگی با حقوق ماهیانه ۱۵۰ ریال استخدام گردید .
- ۵ - تاسیس سرویس اتوشویی در داخل شهربانی

- ۶ - ۲۵ دستگاه کامیون جیمس باراننده از اداره موتوری ارتش بشهربانی انتقال داده شد
- ۷ - برای هدایت مردم بمقررات عبور و مرور و دستگاه ماشین جهت نصب بلندگو خریداری و مشغول کار میباشند
- ۸ - جهت تو دوزی اتومبیل ها ماشین سراجی تهیه و یک نفر سراج استخدام گردید .

اداره ساختمان

- ۱ - ساختمانی جهت آسایشگاه مسلولین شروع گردیده است
- ۲ - ساختمان اداره راهنمایی در میدان سپه که مدتی تخلیه و غیر قابل استفاده بود شروع بساختمان جدیدی نموده اند .
- ۳ - ساختمان قسمت فوقانی اداره بار بری شروع و مشغول تکمیل آن میباشند .
- ۴ - جهت زندان نسوان ساختمانی شروع و بانقشه صحیح مشغول کار میباشند . و باضافه چون تعداد زندانیان سه برابر گنجایش زندانهاست و زندانیان بعلت تنگی جا در مضیقه میباشند ساختمان سه بند که دارای سی اطاق میباشند شروع شده است .

اداره راهنمایی و رانندگی

- ۱ - خط کشی چهار راهها و خیابانهای پر جمعیت برای عبور عابرین و همچنین خط کشی توقف وسائط نقلیه در بعضی از خیابانها بعمل آمده است .
- ۲ - ۴ پاسگاه انتظامی اضافه بر پاسگاههای سابق در جاده های شمیران تاسیس گردید
- ۳ - لباس پاسبانهای پلیس فرماندهی از لحاظ مشخص بودن تغییر داده داده شد (فرنج و کاسکت سفید) .
- ۴ - دو آمبولانس در اختیار راهنمایی گذارده شده است که در مواقعیکه سانحه و یا حادثه روی دهد از آن استفاده نمایند

۶ - علاوه بر داد گاههای سیار يك داد گاه ديگر جهت رانندگان متخلف در شهر اضافه گردیده است .

۷ - جلوگیری از بوق زدن وسائط نقلیه موتوری برای آسایش عمومی و دادن فیلمهای عبور و مرور در مراکز پر جمعیت برای راهنمایی و هدایت مردم .

اداره زندان

متجاوز از یکسال بود که کارخانه جات اداره زندان تعطیل و هیچگونه عمل مثبتی انجام نمیداد در اینمورد اقدام بعمل آمد و مجدداً با تعمیر نمودن کارخانه و دستکاههای مختلفه شروع بکار نموده است و فعلاً در آنجا کارهای نجاری - نساجی - جوراب بافی - خیاطی - قالی بافی بعمل می آید

اداره اطلاعات و انتشارات

۱ - همه روزه یکربع از ساعت برای همکاری و هدایت مردم برنامه ای از طرف شهربانی در رادیوی تهران پخش میشود .
۲ مجله شهربانی که مدتی تعطیل بود بوضع بهتری با کاغذ مرغوب تهیه و منتشر میشود .

آموزشگاه افسری و پاسبانی

۴ . دستکاه موتور سیکلت خریداری و بوسیله بیسیم مجهز و در اختیار آموزشگاه افسری و پاسبانی گذاشته شده است .
۲ - تاکنون ۱۷۸۳ نفر پاسبان استخدام و در آموزشگاه پاسبانی مشغول تعلیم میباشند و تدریجاً بر عده فوق افزوده خواهد شد و ضمناً ۲۰۰ نفر بازرس برای شهربانی مرکز و شهرستانها استخدام گردید .
۳ - نقل درجات پاسبانهای درجه ۲ و ۱ از بازویس آستین .

اداره فنی و برق

۱ - ۱۰ دستکاه بیسیم تهیه و دو دستکاه آن بشهر بانیهای رشت و کرمانشاه داده شده است و در آتیه کلیه شهربانی های درجه ۱ دارای بیسیم خواهند شد

۲ - دستگاه بلندگو جهت اندرز بمردم خریداری و در روی دو دستگاه استیشن نصب گردیده است .

۳ - بر قراری رادیوی شهربانی از تهران بافرستنده مخصوص و ضمناً دستگاه ضبط صدا از وزارت پست و تلگراف تحویل و مشغول کار میباشد .

تیمسار سر تیپ ایروانی

تیمسار سر تیپ محمود ایروانی در سال ۱۲۸۰ در تهران متولد گردید و در ۱۲۹۸ که هیجده سال داشت وارد دیویزون قزاق شد و پس از طی دوره آموزشگاه با درجه ستوان سومی وارد خدمت ارتش گردید و در سال ۱۲۹۹ بدرجه ستوان دومی و در



سال ۱۳۰۱ بدرجه ستوان یکمی مقرر شد تیمسار ایروانی در همان زمانیکه افسر جوانی بود در بیشتر منازعات و کشمکشهای داخلی شرکت داشت چنانچه در گیلان با میزا کوچک خان و در آذربایجان با سیمتقو مدتی دست و پنجه نرم کرد و بعد در جنگ تراکمه در ترکمن صحرا و جنگ بختیاری شرکت جست و در خلال این مدت در ۱۳۰۲ بدرجه سروانی و در فروردین سال ۱۳۰۸ بدرجه سرگردی نایل آمد و بتدریج مراحل خدمتی خود را در ارتش از فرماندهی دسته تا فرماندهی لشکر به بهترین وجهی طی نمود و در سال ۱۳۰۵ بدرجه سرهنگی و در ۱۳۲۰ زمانیکه فرماندهی

تیمسار سر تیپ محمود ایروانی

لشکر لرستان با افسر نامبرده بود بدرجه سرتیپی ارتقاء یافت

پس از وقایع شهریور ۲۰ مدتی ریاست دژبان مرکز و سپس معاونت فرمانداری نظامی را عهده دار شد تا اینکه مجدداً در سال ۱۳۲۳ بفرماندهی لشکر لرستان تغییر سمت یافت ولی عمر فرماندهی ایشان کوتاه بود و در اواخر سال ۲۳ باز نشسته گردید تیمسار ایروانی در ۲۴ مرداد ۱۳۲۷ پس از سه سال استراحت و رفع خستگی و

۲۶ سال خدمت در ارتش وارد شهر بانی شد و مشاغلی را که تا اکنون داشته اند عبارت است از بازرسی ویژه - ریاست پلیس قضائی - ریاست قسمت امور اداری و حالیه معاون انتظامی شهر بانی میباشند
افسران و مامورینی که تا کنون زیر دست تیمسار ایروانی کار کرده اند همگی از اخلاق و رفتار ایشان تعریف و تمجید مینمایند

تیمسار سرتیپ شاهپور لواء مختاری

تیمسار لواء مختاری فرزند مرحوم لواء الملك در سال ۱۲۷۶ در تهران تولد یافته و پس از طی دوره مدارس تربیت و آلمانی در دیماه ۱۲۹۳ وارد مدرسه



پلیس که مستشاران سوئدی تشکیل داده بودند شد و با طی درجات و مأموریت شهر بانیهای شهرستانها در ۱۳۰۹ بدرجه سرگری بر ریاست شهر بانی ملایر تعیین و سمتها دیگری را که تا بحال داشته اند بشرح زیر است ریاست شهر بانی فارس - ریاست شهر بانی گیلان ریاست شهر بانی اصفهان - ریاست قسمت امور مالی - ریاست قسمت پلیس انتظامی - ریاست قسمت امور اداری و در اردیبهشت ۱۳۲۹ بر ریاست قسمت پلیس قضائی منصوب شدند .

تیمسار سرتیپ لواء مختاری

تیمسار لواء مختاری در فرورین

۲۷ بدرجه سرتیپی نائل و در مدت ۳۶ سال خدمت هر پستی را که شاغل بوده لیاقت و شایستگی خود را نشان داده است چنانچه زمانی که ریاست شهر بانی فارس را به عهده داشت در دستگیری قاتل معروف (سیف القلم) و در اصفهان پیدا کردن فرزند

آقای کازرونی و کشف و دستگیر نمودن دسته (بنجه خونین) توفیق یافت همچنین در شهریور ۱۳۲۰ که ریاست شهربانی گیلان را عهده دار بودند محل خدمت خود را ترک نکرد و در حفظ جان و مال مردم آن منطقه کوشش فراوانی نمود و باینکه ۹ سال



از آن تاریخ میگذرد
مع الوصف اهالی
حق شناس گیلان
خدمات مشارالیه را
فراموش نکرده اند
امتیازاتی را که تا
کنون نایل شده است
باین ترتیب میباشد
۱ مدال تاج گذاری ۲
مدال طسلا - ۳ نشان

همایون درجه ۴

سیف القلم با اجساد مردان و زنانی که بدست او بقتل رسیده اند

بواسطه ابزار لیاقت در شهربانی اصفهان ۴ نشان پاس درجه ۲ بواسطه حسن خدمت در ریاست قسمت امور مالی - ۵ نشان درجه ۲ (رافدین) از نایب السلطنه عراق ۶ نشان استقلال درجه ۲ از کشور هاشمی در دوره ریاست قسمت پلیس انتظامی و باضافه چندین بار مورد تقدیر و تهنیت قرار گرفته است

مختاری افسری است متین - مهربان در مقابل مشکلات خون سردی خود را از دست نمیدهد نسبت بهممه صاف و ساده و مهربان است و تا بحال دیده نشده با کسی خصومت و دشمنی داشته باشد حتی با دشمنان خود و نسبت به مأمورین صالحی که زیر دست او کار میکنند حامی و فداکار است

تیمسار سرنایب فلامحسین دانشپور

تیمسار دانشپور در سال ۱۲۷۰ در تهران تولد یافته و در آبان ۱۲۹۳ بسمت

مشرجمی در شهر بانی قزوین وارد شد و پس از مدتی ب قسمت پلیس او نیفورم انتقال یافت ، در سال ۱۲۹۷ بدرجه ستوان سومی و سال بعد بدرجه ستوان دومی رسید و بهرور زمان مامور بتهای مختلف و ریاست شهر بانیهای اکثر شهرستانها و استان ها نایل گشته است . در ۱۳۱۱ بدرجه سرگردی و در سال ۱۳۱۶ زمانی که ریاست شهر بانی مازندران را بعهده داشت بدرجه سرهنگی مفتخر گردید و چهار سال بعد یعنی در ۱۳۲۰ سرهنگ تمام شد و سمتهای مختلفی را که بعد از شهریور ۲۰ تا بحال عهده دار بوده بترتیب زیر میباشد . رئیس اداره اطلاعات - رئیس اداره



تیمسار سرتیپ غلامحسین دانشپور

کارپردازی - رئیس اداره بازرسی - سرپرست شهر بانیهای آذربایجان - رئیس قسمت پلیس انتظامی .



تیمسار دانشپور در تمام مدت خدمت مورد رضایت و تشویق رؤسای وقت قرار گرفته و تغییر مشاغل ایشان پیوسته نسبت با اهمیت زمان و مکان صورت میگرفته چنانکه پس از رفع غائله آذربایجان بسرپرستی شهر بانیهای آن استان تعیین شد و در مدت چهار سالی که در تبریز بود زحماتی در راه ایجاد شهر بانی و سازمان از هم پاشیده آن اداره متحمل

گردید که مورد تحسین و تمجید اهالی آذربایجان قرار گرفت

نشانهایی که در سنین خدمت خود گرفته عبارت است از نشان همایون درجه ۲ نشان پاس درجه ۲ نشان درخش درجه ۲ و ۳ نشان لیاقت - مدال طلا - مدال مطلا و در طی مدت خدمت چند مرتبه از خدمات مشارالیه تقدیر و تمجید شده است .

سرتیپ دانشپور زمانی که ریاست شهر بانی آذربایجان را بعهده داشت در سال ۱۳۲۶ درجه سرتیپی مفتخر گشت .

دانشپور افسری است متدین و خداشناس هیچگاه نماز و آداب مذهبی را ترك نمیکنند و در هر نقطه که باشد سالی یکبار باید بزیارت امامزاده داود نایل گردد .

تیمسار سرتیپ فتح الله بهنام



تیمسار سرتیپ بهنام

تیمسار سرتیپ بهنام در سال ۱۲۷۴ در تهران متولد گردید و پس اتمام مدرسه سن لوئی در سال ۱۲۹۳ با درجه آسپیرانی وارد خدمت شهربانی شد و در مدت ۳۷ سال خدمت عهده دار مشاغل زیر بوده اند
رئیس مدرسه پلیس - رئیس کلانتری
۸- رئیس دایره راهنمایی و رانندگی - معاون اداره زندان - رئیس شهربانی اصفهان رئیس آموزشگاههای شهربانی - رئیس اداره سر کلانتری و در مرداد ۱۳۲۷ بریاست قسمت پلیس انتظامی منصوب گردید و بعد از مدتی که سمت بازرسی ویژه را داشت بریاست قسمت آموزش و پرورش تعیین شدند

سرکار سرهنگ حسن نخعی

سرکار سرهنگ نخعی در سال ۱۲۷۸ در تهران متولد و پس از خاتمه تحصیلات خود در سال ۱۳۰۰ وارد خدمت ارتش گردید ، در سال ۱۳۰۴ بدرجه ستوان سومی و در ۱۳۰۸ بدرجه ستوان یکمی مفتخر شد و مدتی در کردستان آجودان نوای آن منطقه بود و بعداً در اردو کشی و عملیات نظامی شرکت نمود و از آنجا بهاموریت (برواندرز) تعیین گردید و چون وظیفه خود را با بهترین وجهی انجام داد از طرف فرمانده نیروی ترك (اوزدپاشا) بدریافت يك قبضه شمشیر نایل شد .

ستوان نهمی در ۱۳۱۴ سروان شد و بعد به ستاد ارتش انتقال یافت و ضمناً از موقع استفاده کرد و با گرفتن دیپلم متوسطه بدانشکده افسری رفت و پس از طی دوره دانشکده و گرفتن دانشنامه دانشکده افسری توانست در



سرکار سرهنگ حسن نهمی

میان دانشجویان فارغ التحصیل رتبه یکم را احراز و باین مناسبت باخذ نشان مفتخر گردید.

در سال ۱۳۱۹ بدرجه سرگردی ارتقاء یافت و معاونت دادستانی فوق العاده ارتش بایشان محول شد. آقای نهمی در ۲۹ اسفند ۱۳۲۱ بشهربانی انتقال یافت و در فروردین ۲۲ بدرجه پاسیار دومی رسید و اولین سمت ایشان در شهربانی ریاست اداره آگاهی بود که پس

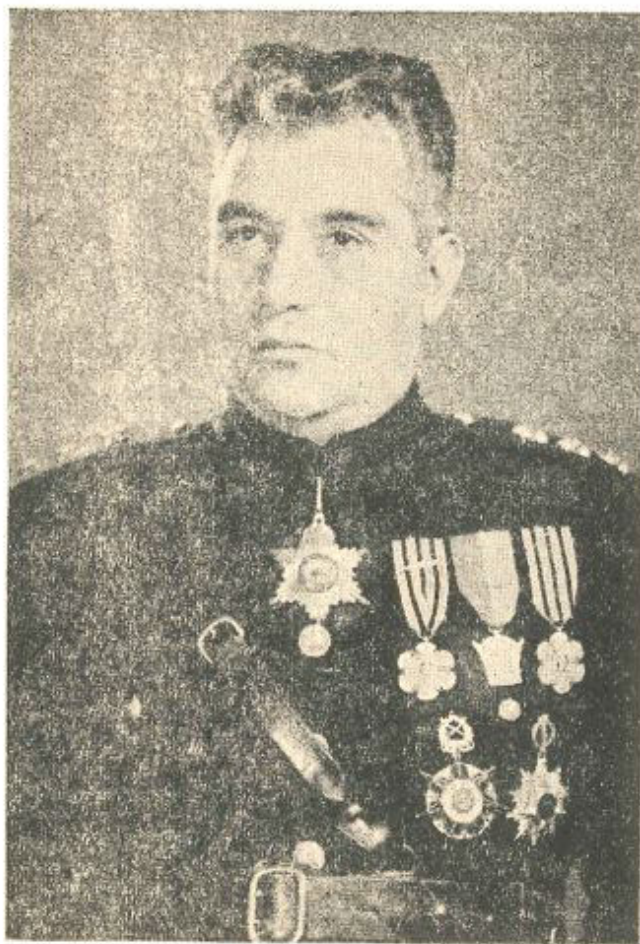
از مدتی به سمت ریاست آموزشگاهها تغییر سمت پیدا نمود و در فروردین ۱۳۲۴ بدرجه پاسیار یکمی ارتقاء یافت و سپس بر ریاست دفتر کل و بعد ریاست قسمت پلیس قضائی راهمده گردید و حالیه قسمت بازرسی و دادرسی شهربانی را اداره مینمایند.

نهمی مدت ۱۶ سال در ارتش بکارهای قضائی اشتغال داشت و از این لحاظ در کار خود وارد و از وکلای مدافع و زبردست محسوب میشود و حالیه که اداره بازرسی و دادرسی شهربانی زیر نظر ایشان است افسران امیدوارند بتوانند سرر سورتی با اداره دادرسی داده و از حق کسبی جلو گیری شود

نهمی بمناسبت لیاقت در مدت خدمت دارای نشان پاس - دارای نشان لیاقت - نشان درخش - نشان علمی از طرف وزارت فرهنگ میباشد : مگر از طرف روسای خود مورد تشویق و تمجید قرار گرفته او دوستان فراوانی دارد و در زمانی که عهده دار امور نامه شهربانی بود توانست از روزنامه نگاران و ارباب جراید دوستانی برای خود تهیه نماید

سرکار سرهنگ محمد حسین سرتیپ پور کارگشا

سرکار سرهنگ سرتیپ پور کارگشا که در مرداد ۱۳۲۹ بریاست قسمت امور همگانی انتخاب گردید در سال ۱۲۸۲ در مشهد بدنیا آمده تحصیلات خود را در مشهد بیابان رسانید و سپس در اسفند ۱۳۰۰ با درجه ستوان سومی وارد خدمت شهربانی گردید.



و در آبان ۱۳۰۳ بدرجه ستوان دومی نایل آمد و بترتیب در شهربانیهای ملایر-همدان کرمانشاهان-خوزستان مشغول خدمت بودند و در فروردین ۱۳۰۹ ستوان یکم شد و ۶ سال بعد بدرجه سروانی مفتخر گردید و از ۱۳۱۷ بهمن کارآگاهی منتقل و در ۱۳۲۰ بدرجه سرگردی ارتقاء یافت.

آقای سرتیپ پور پس از شهریور ۲۰ مدتی در اداره بازرسی کار میکردند و در

سرکار سرهنگ محمد حسین سرتیپ پور کارگشا

سال ۱۳۲۳ سرهنگ دوم و دو سال بعد یعنی در ۱۳۲۶ بدرجه سرهنگی رسید و ریاست اداره کارآگاهی بایشان محول شد در مدت خدمت سه مرتبه تقدیر و چهار مرتبه انعام گرفته و در اثر جدیت و

ابراز لیاقت بدریافت نشان درجه ۳ همایون . نشان درجه ۳ و ۲ پاس . نشان درجه ۳ درخش . نشان درجه ۳ رافدین از نایب السلطنه عراق . نشان درجه ۳ استقلال از کشور هاشمی مفتخر گردیدند

سرتیپ پور افسری است جدی و زرنگ - کاری - بارها اتفاق افتاده که ۲۴ ساعت متوالی در اداره مشغول کار بوده و هیچ اظهار خستگی و شکایت نکرده در دوستی صادق و فداکار و در مقابل دشمنان سخت و بی ملاحظه است آقای سرهنگ سرتیپ پور کم معاشرت میکنند و در مواقع بیکاری به محیط خانه و مخصوصاً به پسر کوچک خود علاقه مخصوصی دارد و از او دور نمیشود

سرکار سرهنگ سلطان احمد درخشان

سرکار سرهنگ درخشان در سال ۱۲۷۹ در کرمانشاه پای بدنیانهاد و پس از اتمام تحصیلات خود به تهران آمد در سال ۱۲۹۷ در زمان سوئدیها با درجه اسپیرانی وارد خدمت پلیس گردید و باطنی درجات افسری مدتی ریاست کلانتریهای هرگز را



داشت تا اینکه در ۱۳۱۴ با درجه سروانی رئیس دایره گذرنامه شد در فروردین ۱۳۱۵ بدرجه سرگردی ارتقاء یافت و سال بعد بمعاونت اداره سرکلانتری تعیین گردید و سپس در ۱۳۱۹ سرهنگ دوم شد و در سال ۱۳۲۱ مسئولیت اداره راهنمایی را بعهده گرفت و در این سمت توانست خدمات مهمی انجام دهد و مخصوصاً از هرج و مرج و بی ترتیبی اداره راهنمایی جلو گیری نمود.

سرکار سرهنگ سلطان احمد درخشان

در فروردین ۱۳۲۳ بدرجه سرهنگی مفتخر و بریاست اداره کارپردازی منصوب گردید و در ۱۳۲۶ در سازمان جدید شهربانی بریاست قسمت آموزش و پرورش منصوب شد و مدت سه سال در این سمت بود تا اینکه در مهرماه ۱۳۲۹ ریاست قسمت امور مالی را بایشان واگذار نمودند.

آقای سرهنگ درخشان از افسران تحصیل کرده و با اطلاع شهربانی است رزبانهای فرانسه و انگلیسی آشنائی کامل دارد و علاوه بر این مردیست خوش قلب و مهربان و در میان افسران و کارمندان شهربانی محبوبیت فوق العاده ای دارد مخصوصا افسران و دانشجویان آموزشگاه عالی شهربانی ایشان را مانند پدر خود دابسته و نهایت علاقه و محبت را نسبت باو دارند.

درخشان در اثر حسن خدمت به نشان پاس درجه ۲ و ۳ و ۲ قطعه مدال طلا مفتخر شده است

سرکار سرهنگ عبدالحسین افخمی

سرکار سرهنگ افخمی در سال ۱۲۸۰ در تهران بدنیا آمد و پس از اینکه تحصیلات خود را بپایان رسانید در ۱۲۹۸ وارد خدمت ژاندارمری گردید و در سال

۱۲۹۹ بدرجه ستوان دومی مفتخر و سپس برای تکمیل تحصیلات نظامی خود بار و پاءزیمت کرد و پس از طی مدرسه صاحب منصبی فرانسه و ایتالی به ایران مراجعت نموده و به شهربانی انتقال یافت.



در فروردین ۱۳۱۱ بدرجه سروانی مفتخر شد و به سمت آجودانی ریاست شهربانی منصوب گردید و سپس در سال ۱۳۱۶ بدرجه سرگردی رسید و پس از چندی بکفالت شهربانی اصفهان تعیین ولی چندان طولی نکشید که به تهران مراجعت به معاونت اداره گذرنامه و بعد ریاست اداره مزبور را عهده دار شدند.

سرکار سرهنگ عبدالحسین افخمی در سال ۱۳۲۱ بدرجه سرهنگ دومی ارتقاء یافت و یکسال بعد ریاست پلیس راه آهن بایشان واگذار شد و در این شغل توانست بطرز شایسته ای انجام وظیفه نماید ضمنا در ۱۳۲۳ سرهنگ تمام گردید و بشهربانی انتقال یافت و ریاست اداره بازرسی را بعهده گرفت و پس از چندی بر ریاست اداره کارگزینی تغییر پست یافت و

مدتی هم رئیس اداره انتشارات بود و بالاخره در خرداد ۱۳۲۹ بریاست امور اداری منصوب شدند .

آقای سرهنک افخمی افسر بسیار فهمیده و بصیری است . بزبان فرانسه و آلمانی آشنائی دارد و دارای نشان پاس و نشان درخش میباشد .

مشهد اورین سوئدی

سرکار سرهنک ۲ فولکهر و سنت

تاریخ تولد ۱۶ فوریه ۱۹۰۸ فارغ التحصیل سال ۱۹۲۶ خدمت زیر پرچم از سال ۱۹۲۶ الی ۱۹۲۷ و پس از گذراندن امتحانان مربوطه بعنوان افسر احتیاط از خدمت مرخص شده اند از سال ۱۹۲۸ الی ۱۹۳۱ بخدمات مختلفه اشتغال داشته اند در سال ۱۹۳۲ وارد خدمت پلیس انتظامی استمکلم شده و پس از گذراندن کلاس اول آموزشگاه اختصاصی عالی شهربانی کشور سوئد تا پایان سال ۱۹۳۷ در قسمت راهنمایی و رانندگی پلیس سیار مشغول خدمت بوده اند



اوائل سال ۱۹۳۸ دوره آموزشگاه مربوط به آزمایش فنی وسائل نقلیه موتور راطی نموده و بعداً در دسته مخصوص پلیس سوار بسمت مامور آزمایش فنی اتومبیل و موتور سیکلت انجام وظیفه نموده اند و در اواخر سال ۱۹۳۸ و سال ۱۹۳۹ کلاس دوم

سرکار سرهنک ۲ فولکهر و سنت

آموزشگاه اختصاصی عالی شهربانی

سوئد را برای نیل بمقام افسری طی نموده و از اواخر ۱۹۳۹ تا پایان سال ۱۹۴۱ سمت افسر قسمت آگاهی دسته فوق الذکر را دارا بوده اند و از سال ۱۹۴۲ و نیمه سال ۱۹۴۳ بادرجه ستوانی ریاست پلیس انتظامی اداره راه آهن مرکزی (استمکلم) را عهده دار و سپس تا اوائل سال ۱۹۴۴ بادرجه سروانی کلانتر بخش استمکلم

بوده‌اند. در سالهای بین ۱۹۴۴ الی ۱۹۴۷ مدتی ریاست اداره اتوموبیل‌های مجهز به رادیو پلیس و اداره رانندگی مرکزی استکهلم و مدتی هم تحت نظر مستقیم ریاست شهر بانی با حفظ سمت ریاست اداره راهنمایی و رانندگی مأمور تجدید نظر پلیس سوئد بوده‌اند - در سال ۱۹۴۴ پس از طی دوره آموزش اختصاصی بعنوان رئیس جوخه و سپس معاون نیروی ویژه مکانیزه پلیس برای خدمت فوق‌العاده از قبیل تحویل پناهندگان نظامی ارتش آلمان (سال ۱۹۴۵ - ۱۹۴۶) که در کشور سوئد زندانی بوده‌اند انجام وظیفه نموده‌اند در جریان سال ۱۹۴۴ - ۱۹۰۷ علاوه بر دبیری آموزشگاه عالی استکهلم کلاس سوم آموزشگاه اختصاصی را در سال ۱۹۴۶ برای نیل بمقام سرکلانتری به پایان رسانیده و از سال ۱۹۴۷ الی ۱۹۴۹ با درجه سرگردی ریاست آموزشگاه اختصاصی پلیس انتظامی سوئد را عهده دار بوده‌اند. در آخر سال ۱۹۴۸ یعنی از تاریخ اول ژانویه ۱۹۴۹ با درجه سرهنگ دومی بعنوان سرکلانتر منصوب شده‌اند.

مشارالیه با کمک همراهان خود يك جلد راهنما از نظرات اتخاذ روش نوین در باب بازجوئی و جریان دادگاهها بخصوص مربوط بتنظیم گزارشات کتبی که مورد استفاده دادگاه میباشد تدوین نموده‌اند.

سرکارسرد پالمار فریبرگ

سرکارسرد پالمار برانو فریبرگ در ۱۹ مارس ۱۹۱۱ در استکهلم متولد گردیده و پس از گذراندن امتحان ورودی بدانسگاه مدرسه عالی تجارت را در استکهلم دیده و از سال ۱۳۳۰ الی ۱۹۳۱ بعنوان محاسب در یکی از شرکتهای ملی مشغول کار بوده سپس بخدمت تحت پرچم احضار و در سال ۱۹۳۲ پس از خاتمه خدمت مدت یکسال بعنوان محاسب در یکی از شرکتهای ملی انجام وظیفه می نمود



سرکارسرد پالمار فریبرگ

در سال ۱۹۳۳ بخدمت شهر بانی داخل و در سال ۱۹۳۴ دوره کلاس اول آموزشگاه شهر بانی استکهلم را به پایان رسانیده و با درجه پاسبانی انجام وظیفه نموده و از سال ۱۹۳۸ تا ۱۹۳۹ در قسمت راهنمایی مشغول کار بوده است.

در اول دسامبر ۱۹۳۹ با اداره آگاهی استهکلم منتقل و از سال ۱۹۴۰ تا ۱۹۴۱ دوره کلاس دوم آموزشگاه شهربانی که بمنظور تربیت افسران شهربانی است با ابراز مقام اول بیابان رسانید .

در آوریل ۱۹۴۱ با درجه افسری در اداره آگاهی استهکلم مشغول انجام امور محوله گردید و در اول ربویه ۱۹۴۲ به اداره آگاهی (اسنیت پلیس) استهکلم منتقل گردید و تازمان ماموریت بایران در آن اداره انجام وظیفه نموده است .
اداره اسنیت پلیس استهکلم عهده دار رسیدگی بجنایات بزرگ و آتش سوزی که در خارج استهکلم بوقوع میپیوندد و کلاترپهای نواحی مربوطه قادر به رسیدگی و پیدا کردن جنایات نمیباشند اینجانب مامور رسیدگی حریتقهای بوده ام که ملیونها تومان خسارت وارد آورده است . چندین سال پیش ماموریت مالی باینجانب محول گردید که بایستی مبلغ ۸۰۰ میلیون تومان مورد رسیدگی واقع شود این رسیدگی مدت یکسال بطول انجامید و گزارش مربوطه در ۱۷۰۰ برگ تهیه و تقدیم مقامات دادگستری گردید که بهر حال با گزارش تقدیمی و نتیجه عمل موافقت نمودند .

سرکار سرگرد گوستارینگوس

در تاریخ ۲۵ ژوئن ۱۹۱۰ در سوئد متولد در سال ۱۹۲۹ فارغ التحصیل و پس از چهار سال و نیم تحصیل در دانشگاه (لند) در سال ۱۹۳۳ لیسانسیه حقوق شده اند نامبرده مدت سه سال قاضی دادسرا و سپس در بنگاه رفاه اجتماعی کارمند بوده



سرکار سرگرد گوستارینگوس

در اوائل سال ۱۳۳۷ در اداره زندان مرکزی وارد خدمت شده و از سال ۱۹۳۷ الی ۱۹۴۹ خدمات محوله او بشرح زیر بوده است
مدت چهار سال و نیم در شهربانی مرکز دبیر بوده و ضمن اجرای نگهبانی حل مسائل اقتصادی و رسیدگی بطرز و اصول رفتار با زندانیها و تهیه آمار نوین جهت اداره مرکزی بوده است بعلاوه

در خلال سالهای مذکور معاونت چهار زندان و مدت هفت سال نیز ریاست سه زندان را عهده دار بوده اند کلیه زندانهای مذکور مختص جوانان و از اینقرار است : یکی از آنها برای زندانیان عادی دیگری جهت مبتلایان بضعف نیروی دفاعی سومی جهت کسانی که دچار اختلال مشاعر هستند اختصاص داشته و مشارالیه مدت دو سال نیمی از ساعات مقرر خدمت را برای تدریس علم الاجتماع و حقوق جزائی در آموزشگاه اختصاصی پاسداران زندانها مصروف داشته و نیز مقالاتی چند در باب مسائل مربوطه زندان در جراید و نشریات سوئدی نگاشته اند - تاریخ ورود بایران سی ام اکتبر ۱۹۴۹

سرکار سرگرد هاری ارلاند سالین

سرگرد شهربانی آقای (هاری ارلاند سالین) در دوم فوریه سال ۱۹۱۵ متولد گردیده و پس از پایان دوره دوم متوسطه و کالج در سال ۱۹۳۴ از عهده امتحان ورود بدانشگاه برآمده است .



در سال ۱۹۳۷ بخدمت شهربانی وارد و دوره کلاس آموزشگاه پلیسی را بپایان رسانیده و پس از انجام وظیفه در قسمتهای مختلف شهربانی و کلانتریها در سال ۱۹۴۰ ب اداره آگاهی منتقل و مامور رسیدگی به جنایات بوده است و تا سال ۱۹۴۵ در دوایر مختلف اداره نامبرده امور محوله را انجام داده و در طول این خدمت دوره دوم کلاس آموزشگاه پلیسی را با ابراز مقام شاگرد اولی بپایان رسانیده

سرکار سرگرد هاری ارلاند سالین در سال ۱۹۴۵ ب اداره امور فنی شهربانی منتقل و در آنجا بطرز کار آزمایشگاه پلیسی و آزمایش آمار جنایات آشنا گردیده و در آن فن متخصص شناخته شده است در سال ۱۹۴۹ بعنوان رئیس اداره امور فنی شهربانی استمکلم انتخاب و تا موقعیکه بایران عزیمت نموده در اداره نامبر ، موفق بانجام وظائف مهمی شده است .

رؤسای شهر بانیهای درجه ۱

آذربایجان

تیمسار سرتیپ شوکت

تیمسار سرتیپ مصطفی شوکت در سال ۱۲۷۵ متولد شده و پس از اتمام تحصیلات خود در سال ۱۲۹۰ وارد خدمت ارتش گردید و تدریجاً درجات افسری را طی نموده ضمناً در جنگ با شیخ خزعل در خوزستان بواسطه ابراز شادت



باخذ نشان سپه درجه ۳ مفتخر گردید و پس از يك سلسله خدمت در ارتش بشهربانی منتقل و در سال ۱۳۱۸ بدرجه سرگردی نایل آمد و مدتی سمت ریاست آموزشگاه افسری شهربانی را داشته و در فروردین ۱۳۲۰ بدرجه سرهنگ دومی مفتخر و به کفالت سرکلانتری منصوب شدند در فروردین ۱۳۲۳ بدرجه سرهنگی ارتقاء یافت و ریاست شهربانی گیلان بایشان واگذار شد و مدت ۲ سال در آن منطقه انجام وظیفه نموده و سپس بریاست شهربانی خراسان تعیین و پس از یکسال مجدداً بریاست شهربانی گیلان منصوب گردید.

تیمسار سرتیپ شوکت

در دوره ریاست شهربانی آقای فرخ تیمسار شوکت از گیلان تغییر یافت و بریاست قسمت پلیس انتظامی تعیین شدند و پس از دو ماه بامر تیمسار دفتری رئیس شهربانی کل بریاست شهربانی آذربایجان منصوب و حالیه در آن استان مشغول خدمت میباشند

تیمسار شوکت افسر خلیق و متینی است و در دو نوبتی که ریاست شهربانی گیلان را عهده دار بودند اهالی رضایت کامل از رفتار و کار و اخلاق ایشان داشته و باین مناسبت محبوبیتی در میان اهالی گیلان کسب کرده اند

شوکت در فروردین ۱۳۲۹ بدرجه سرتیپی رسید و نشانهای دیگری که در اثر لیاقت مفتخر گشته باین ترتیب میباشد:

نشان پاس درجه ۲ - نشان درخش درجه ۳ - مدال طلا

فارس

تیمسار سرتیپ قوامی

رئیس شهربانی فارس ۵۵ سال قبل در شیراز قدم بعرصه وجود گذارد و پس از اینکه تحصیلات خود را تمام نمود در ۱۲۹۲ وارد خدمت اداره مالیه شیراز گردید و پس از ۲ سال به وزارت کشور انتقال یافت و از آن تاریخ در خدمت شهربانی درآمد.



تیمسار سرتیپ قوامی

در سال ۱۳۰۳ بدرجه ستوان یکمی مفتخر و در شهربانی شیراز مشغول خدمت شد و سپس بریاست شهربانی بوشهر منصوب و در سال ۱۳۰۹ بدرجه سروانی ارتقاء یافت و پس از مدتی از بوشهر تغیر نموده بریاست شهربانی اهواز منصوب شد.

در فروردین ۱۳۱۶ بدرجه سرگردی مفتخر و بریاست شهربانیهای بنادر جنوب تعیین گردید و سپس در سال ۱۳۲۰ زمانیکه ریاست شهربانی کرمان را داشت سرهنگ

دوم شد. او در حدود ۲ سال در این مأموریت باقی بود تا اینکه در سال ۱۳۲۱ بریاست شهربانی شیراز تغیر سمت یافت و دو سال بعد سرهنگ تمام شد

تیمسار سرتیپ اسمعیل قوامی (فروغ الملک) پس از چهار سال توقف در درجه سرهنگی در سال ۱۳۲۷ بدرجه سرتیپی فایل آمد و حالیه ریاست شهربانی فارس را عهده دار میباشد و چون شیرازی است و از درد دل همشهریهای خود آگاه است روی این اصل در خدمت بمردم و رسیدگی بحال آنها کوتاهی ننموده

واز این راه مورد توجه و محبت اهالی فارس مییاشد سررتیب قوامی دارای چهار نشان است که بترتیب عبارت است از نشان همایون درجه ۴ - نشان پاس درجه ۲ - نشان درخش درجه ۳ - مدال طلا

گیلان

تیمسار سررتیب همایون نقر

تیمسار فرج الله همایون نقر در سال ۱۲۷۲ در تهران متولد شده و تحصیلات خود را در مدارس تربیت و سن لوئی بیابان رسانیده و سپس با درجه اسپیرانی وارد خدمت پلیس گردیده



نخستین شغلی که باو محول شد مترجمی پلیس بود و بعد آجودان رئیس پلیس (کلنل بیورلینک) گردید و با ارتقاء بدرجه ستوان یکم رئیس کلانتری حسن آباد شد و پس از چندی با درجه سروانی بریاست شعبه عبور و مورد تعیین گردید و سپس بریاست شهربانی راهسرتغییر شغل یافت ولی طولی نکشید که تحت تعقیب درآمد و تا شهریور ۱۳۲۰ از خدمت در شهربانی دور بود تا اینکه در دوره ریاست آقای رادسر (ادیب السلطنه) مجدداً با درجه سرگردی وارد خدمت شهربانی شد و بسمت مترجمی (تیمرمن) مستشار شهربانی معرفی گردید

در مدت ۸ سال از درجه سرگردی بدرجه سررتیبی رسید و تدریجاً عهده دار مقامات زیر گردید - ریاست اداره تمرکز آمار - ریاست اداره راهنمایی و رانندگی ریاست اداره دفتر کل - ریاست اداره کارگزینی ریاست قسمت امور اداری - ریاست قسمت پلیس انتظامی و از خرداد ۱۳۲۹ بریاست شهربانی گیلان منصوب شدند

سررتیب همایون نقر افسری است باهوش و زیرک و ضمناً عجز و کم حوصله و بی اندازه شهوت مقام و کار دارد تا جائیکه در کلیه کارهای ادارات دخالت نموده و پیشنهاد اصلاحی میدهد و خلاصه آرام نمیگیرد و دائماً در حرکت است

همایونفر به زبان فرانسه و انگلیسی آشنائی دارد و در ۱۳۲۵ از طرف دولت ایران در کنفرانس جنائی بلژیک شرکت نمود و توانست به مقام نایب رئیس انجمن مزبور نایل گردد

در مدت خدمت باخذنشان همایون درجه ۴ و ۵ نشان پاس درجه ۲ - نشان درخش درجه ۳ و مدال تاجگذاری مفتخر شده است

خراسان

سرکار سرهنگ خانمی

سرهنگ سیدمحمد خاتمی در سال ۱۲۷۰ بدنیاً آمد و در ۱۲۹۳ وارد خدمت پلیس گردید و مدتی در تهران مشغول خدمت بود تا اینکه در سال ۱۲۹۶ بدرجه ستوان یکمی مفتخر شد و از آن تاریخ مأموریت خارج از مرکز بایشان محول و در شهر بانهای ملایر - اراک - بروجرد مدتی کار نمودند .

در فروردین ۱۳۱۷ با درجه سرهنگ دومی بریاست شهربانی همدان منصوب گردید و سپس کفیل شهربانی فارس شد که وقایع شهریور ۱۳۲۰ پیش آمد و چون در آن موقع منطقه جنوب اهمیت و موقعیت خاصی داشت آقای سرهنگ خاتمی بریاست شهربانی خوزستان تعیین و در فروردین ۱۳۲۱ بدرجه سرهنگی ارتقاء یافت



سرکار سرهنگ خانمی
رئیس شهربانی خراسان

خاتمی فعلاً ریاست شهربانی خراسان را بعهده دارد و چون افسری است متدین و به آداب مذهبی فوق العاده علاقمند میباشد و روی

این اصل مردمان مشهد باو علاقمند میباشند و تا کنون سه بار بخراسان رفته و هر دفعه با استقبال اهالی روبرو شده است و حالیه ریاست شهربانی خراسان را عهده دار میباشند

کرمانشاهان

سرکار سرهنگ هرمز گبویان

سرکار سرهنگ هرمز گبویان در فروردین ۱۲۹۸ پس از طی آموزشگاه ستوانی با احراز موفقیت بدرجه ستوان سومی مفتخر و وارد ارتش گردید و در مدت خدمت در بیشتر جنگهای داخلی شرکت داشته چنانکه در سال ۱۳۰۲ در سرکوبی اشرار سوادکوه و در ۱۳۰۷ در سرکوبی اشرار لرستان و اعراب خوزستان با ابراز فداکاری و اخذ نشان سپه درجه ۳ موفقیت حاصل کرد

درجات خود را بترتیب در سالهای ۱۳۱۲ بدرجه سرگردی و در ۱۳۱۶ سرهنگ دومی و در ۱۳۱۸ بدرجه سرهنگی نایل گردید



آقای سرهنگ گبویان

گبویان در سال ۱۳۲۳ از ارتش بشهربانی انتقال یافت و بریاست شهربانی کرمان منصوب شد و پس از ۲ سال بریاست شهربانی اصفهان تغییر مأموریت یافت و از مرداد ۱۳۲۹ بریاست شهربانی کرمانشاهان منصوب گردید

در مدت ۳۱ سال خدمت دارای نشان افتخار نشان پاس . نشان درخش . مدال طلا دو قطعه . مدال تاجگذاری میباشد

اصفهان

سرکار سرهنگ اسفندیاری

سرکار سرهنگ فرج الله اسفندیاری در ۵۰ سال قبل پای بدنیا نهاد و در ۲۲ سالگی وارد پلیس شد و مراحل خدمتی را از نکهبانی در کلانتریها بتدریج تارباست اکثر شهربانیهای شهرستانها به بهترین وجهی طی نموده و فعلا ریاست شهربانی اصفهان را عهده دار میباشد

آقای اسفندیاری دارای نشان پاس و نشان درخش و مدال طلای باشد

اهواز

سرکار سرهنگ محترم



سرکار سرهنگ محترم

سرکار سرهنگ محترم در سال ۱۲۷۵ در کرمانشاهان متولد و پس از خاتمه تحصیلات خود در سال ۱۲۹۷ وارد خدمت شهربانی گردید و با طی درجات در مدت ۳۲ خدمت عهده دار مشاغل زیر بوده اند

کفالت شهربانی کرمانشاهان کفالت شهربانی همدان ریاست شهربانی بروجرد ریاست شهربانی اراک و حالیه عهده دار ریاست شهربانی اهواز میباشند و بمناسبت ابراز لیاقت مفتخر به نشان درخش و نشان پاس و مدال طلا شده اند



سرکار سرهنگ خلعتبری

آقای سرهنگ خلعتبری در سال ۱۲۸۹ متولد و در ۱۳۱۳ وارد آموزشگاه شهربانی شد و پس از اتمام دوره آب با درجه ستوان سومی وارد خدمت شهربانی گردید

مقاماتی را که تا کنون عهده دار بوده اند باین ترتیب میباشند

بازرس نخست وزیری - معاون فنی ارتباط - رئیس شهربانی قزوین - آجودان کل آقای خلعتبری دارای نشان درخش و نشان پاس درجه ۳ و ۲ - نشان سپاس از فرهنگ

میباشند

خدمتگذاران فقید شهربانی

مرحوم سرهنگ احمد علی زند

در ۲۴ آذر سال ۱۳۰۷ شهربانی ایران یکی از افسران صدیق و پیاکدامن خود را از دست داد

مرحوم سرهنگ احمد علی زند در اول مهر ۱۲۷۰ متولد و پس از آنکه تحصیلات مقدماتی را بپایان رسانید وارد مدرسه علوم سیاسی شد و بعد از گرفتن دیپلم در سال ۱۲۹۳ بخدمت پلیس وارد گردید



مرحوم سرهنگ احمد علی زند

مرحوم سرهنگ زند در سال ۱۲۹۹ بدرجه سرگردی رسید و بریاست شهربانی خراسان منصوب و در ۱۳۰۱ سرهنگ دوم شد و پس از مدتی به تهران احضار و بریاست اداره آگاهی تعیین گردید تا اینکه ریاست شهربانی اصفهان بدو تفویض گشت در فروردین ۱۳۰۴ بدرجه سرهنگی نایل آمد و پس از چند سال خدمت همراه با صداقت و درستی در اصفهان بریاست شهربانی آذربایجان منصوب شد

سرهنگ زند پس از چندی اقامت در آذربایجان جهت معالجه باروپا عزیمت نمود ولی متأسفانه معالجه موثر واقع نشد و در سن ۳۷ سالگی در برلن درگذشت. علاقمندی فقید سعید در انجام وظیفه ضرب المثل بود و با وجود ضعف مزاج در مواقع سخت با متانت و پیاکدامنی و وظائف خود را با بهترین طرز انجام داده است. فقید مزبور بواسطه حسن اخلاق و جدیت در کار خود در هر نقطه که خدمت میکرد جلب توجه اهالی را نموده و از هر جهت سر مشق و نمونه خوبی برای کلیه افسران و مامورین شهربانی بوده است

مرحوم سرهنگ فضل الله نیایش

سرهنگ نیایش متولد سال ۱۳۶۰ در سال ۱۲۷۹ وارد خدمت شهربانی گردید و درمواقع مقررہ بدرجات افسری خود تا درجه سرهنگی مفتخر شد



در ادوار خدمتی غالباً در نتیجه جدیدت و ابراز لیاقت مورد تشویق و تقدیر رؤسا قرار گرفته و در طول مدت خدمت در شهربانی بمقامات مهمی از جمله ریاست شهربانیهای خراسان شیراز اصفهان مسازندران و در مرکز ریاست ادارات بازرسی و سرکلانتری نائل گردید و به گواهی افسرانیکه از نزدیک شاهد کار او بوده اند در زمان تصدی خود با کمال جدیدت و بی نظری وظائف خویش را انجام میداد

مرحوم سرهنگ نیایش

مرحوم سرهنگ محمد نیساری

مرحوم سرهنگ نیساری در سال ۱۲۶۴ در تبریز متولد شد و پس از خاتمه تحصیلات خود بتهران آمده و در دوره سوئدیها در سال ۱۲۹۹ وارد خدمت شهربانی گردید .



مرحوم نیساری مدتی رئیس پلیس تبریز بود و سپس در فروردین ۱۳۱۸ بدرجه سرهنگی ارتقاء یافت و بریاست اداره بازرسی تعیین گردید و پس از وقایع شهریور ۱۳۲۰ رئیس شهربانی آذربایجن شد و مدتی هم در مرکز ریاست ادارات کارآگاهی و آگاهی را بعهده داشت و در مدت خدمت بواسطه جدیدت بدریافت نشان پاس درجه ۲ مفتخر گردید

مرحوم سرهنگ محمد نیساری

مرحوم سرهنگ محمد جعفر آصف وزیری

سرهنگ جعفر آصف وزیری در سال ۱۲۷۹ متولد و در ۱۲۹۸ وارد خدمت شهربانی شد و سپس در ۱۳۰۱ به سمت ریاست شهربانی بکردستان رفت و مدتی هم ریاست شهربانیهای اراک، همدان را طی نمود و در درجه سروانی چندی سمت آجودانی ریاست شهربانی را بعهده داشت تا اینکه در فروردین ۱۳۰۹ بدرجه سرگردی ارتقاء یافت



آصف وزیری مدتی رئیس شهربانی مازندران بود که بمرکز منتقل و معاونت اداره بازرسی را باو واگذار نمودند و در فروردین ۱۳۲۰ سرهنگ گردید پس از شهریور ۲۰ رئیس اداره سرکلانتری شد و بعداً بر ریاست اداره بازرسی منصوب و در ۱۳۱۲ بر ریاست اداره زندان تغییر شغل یافت

در ۱۳۲۳ بنا به تقاضای خود بازنشسته شد و بکردستان رفت و پس از چندی در آنجا در گذشت

فقیه مزبور از لحاظ صفات اخلاقی و روحی همیشه سرمشق افسران و مأمورین شهربانی بوده و در مدت ۲۵ سال خدمت با صداقت و

پاکدامنی محبوبیت فوق العاده ای در میان افسران و مأمورین شهربانی کسب نمود

مرحوم سرهنگ علی پارسا

مرحوم سرهنگ علی پارسا در سال ۱۲۷۰ در شهرستان کاشان متولد و پس از اتمام تحصیلات مقدماتی در آنجا با اتفاق سایر اخوان برای تکمیل تحصیلات عالی به تهران آمده و وارد مدرسه آلیانس فرانسه شد و باخذ دیپلم نائل گردید سپس در زمان سوئدیهارارد تشکیلات شهربانی شده و پس از طی آموزشگاه بدرجه

ستوان دومی نائل و در زمان ریاست مرحوم سرلشکر ایرم از نظر استعداد و لیاقتی که آن مرحوم داشت با درجه ستوان یکمی بر ریاست اداره کارگزینی منصوب شدند ضمناً آجودان مخصوص ریاست شهربانی کل بودند



مرحوم سرهنک ۲ علی پارسا

مرحوم سرهنک پارسا در طی مشاغل مختلف و پر مسئولیت دست از مطالعه برنداشته و با تبحری که در زبان فرانسه و عربی داشتند کتبهای زیادی را ترجمه نمودند که اهم آنها عبارت است از می پرست - شهوت پرست و اترلو - میهمانخانه مرگ - دسته جنایت بکاران که هریک از آنها در نوع خود دارای ارزش ادبی و علمی میباشد از سال ۱۳۱۴ مدیریت نامه شهربانی توام با مشاغل اداری در تحت نظرایشان بود و سال ۱۳۲۲ که زمان مرگ آن مرحوم میباشد بتصدیق اهل فن از

بهترین مجلات بود و حاوی دامستانهای پلیسی و جنائی و وظائف مختلفه پاسبان و مامورین شهربانی که با بهترین وجهی آن مرحوم بادست تنها اداره میکردند .
فقید سعید یکی از استادان مسلم و دانشمند بود و در ساعات غیر اداری سخنرانیهای سودمند در مجامع مختلف مبادرت میورزیدند . از جمله سخنرانی مفصل و مهم ایشان در آمفی تاتر دانشکده افسری در موضوع جاسوسی یا جنگ بی سلاح میباشد که در چند جلسه بنا بدعوت وزارت جنگ در حضور عده زیادی از افسران ارتش شاهنشاهی ایراد نمودند و بی اندازه مورد توجه قرار گرفت و روزنامه مهرایران عین اظهارات آن مرحوم را در صفحه اول روزنامه خود چاپ نمود .
مرحوم سرهنک پارسا با تدریس در آموزشگاه شهربانی در اطراف موضوعات جنائی و پلیسی افسران تحصیل کرده و لایق تحویل دستگاہ شهربانی داده است چنانچه امروز غالب افسران جوان تربیت یافتگان آن مرحومند .
بپاس خدمتی که مرحوم پارسا بفرهنگ کشور نمود از طرف وزارت

فرهنگ باخذ يك قطعه نشان درجه اول دانش مفتخر گردید و علاوه بر این نشان تاجگذاری شاهنشاه فقید را نیز دارا بودند در سال ۱۳۲۲ که مرحوم سرهنگ پارسا برای بازرسی بنقاط خراسان رفته بودند حسب الامر اعلیحضرت همایونی بریاست شهربانی استان نهم منصوب و پس از ه ماه ریاست شهربانی آن استان در اثر کسالت مختصری بدرود حیات گفت و در این مدت قلیل مرحوم پارسا با اندازه‌ای با اهالی این استان بملایمت و مهربانی رفتار نمودند که در مرگ آن مرحوم جمیع اهالی مشهد عزادار بوده و با تجلیل و احترامی بی سابقه جنازه را در جوار مرقد مطهر حضرت رضا (ع) بخاک سپردند



بخش چهارم

چون خوانندگان عزیز با مطالعه این کتاب بتاریخچه تشکیل پلیس در ایران و سازمان شهربانی کشور و همچنین زندگی صاحب‌منصبان عالی‌رتبه این دستگاه آشنائی حاصل کردند بی‌مناسبت ندانستیم که مختصری هم از وضع پلیس در انگلستان و فرانسه که میتوان آنها را مجهزترین و کامل‌ترین دستگاه‌های پلیسی جهان دانست باین کتاب ضمیمه نمائیم

باین جهت از آقای ساعدی که از مامورین عالی‌رتبه شهربانی کل کشور بوده و مشاور فنی اداره را بعهده دارند درخواست نمودیم تا خلاصه ای از تشکیلات پلیسی انگلستان و فرانسه را ترجمه نمایند اینک ضمن اظهار تشکر بدرج بیوگرافی ایشان و بعداً تاریخچه مختصری از پلیس در انگلستان و فرانسه مبادرت مینمائیم آقای علی ساعدی مشاور فنی شهربانی کل که از صاحب‌منصبان عالی‌رتبه شهربانی می‌باشد متولد سال ۱۲۸۹ در همدان که پس از تحصیل دوره ابتدائی بکشور فرانسه عزیمت و دوره متوسطه و لیسانس را در پاریس گرفته‌اند



آقای ساعدی

آقای ساعدی پس از خاتمه

دوره متوسطه در فرانسه بسمت

منشی اداره سرپرستی محصاین

اعزامی در پاریس بخدمت دولتی

مشغول و بعداً منشی سفارت بوده

و در ضمن خدمت در سفارت

شاهنشاهی در مدرسه علوم سیاسی

و مدارس عالی پلیس وارد و باخذ

لیسانس موفق گردیده‌اند.

آقای ساعدی که دارای

علاقه فوق‌العاده نسبت به مین

خود می‌باشد و یکی از خدمتگزاران

واقعی و صمیمی است در دوران اقامت

خود در فرانسه خدمات مهمی

انجام داده منجمله شناساندن

کشور شاهنشاهی بوده است و مدتی در مدرسه السنه شرقیه بتدریس زبان فارسی و نیز ایجاد و تاسیس دفتر مسافرتی برای جلب سیاحان خارجی بایران در پاریس که مورد توصیف جراید فرانسه قرار گرفته مبادرت و پس از معاودت بایران دو سال در همدان بکار های شخصی اشتغال و بعداً به تهران آمده و نظر به تخصصی که در امور شهر بانی و شهرداری دارند طبق تصویبنامه هیئت وزیران به عنوان متخصص در شهرداری مشغول کار شدند و به تناوب رئیس بخشهای شهرداری و دایره بخشها و تزیینات شهر و اماکن عمومی انجام وظیفه نموده اند و بعداً در اداره کل غله و نان و وزارت خوار بار و در سال ۱۳۲۵ نظر به تخصصی که در رشته پلیس داشته و در این رشته هم دارای لیسانس هستند بسمت مشاور فنی در شهرداری مشغول گردیدند

بسیاری از طرحهای اصلاحی شهر بانی نتیجه ابتکار ایشان میباشد ضمناً از سال ۱۳۲۵ بمنظور آشنا ساختن مامورین پلیس به طرز عمل و روش پلیس سایر ممالک مترقی و وظایف محوله از فیلمهای تربیتی استفاده و بانمایش این قبیل فیلمها را ایراد سخنرانیهای سودمند سطح اطلاعات و معلومات و تربیت پاسبانان را بالا برده و از سال قبل با موافقت وزارت فرهنگ در کلیه دبستان و دبیرستانهای پایتخت موضوع نمایش فیلمهای تربیتی را عملی نموده اند و باین مناسبت از طرف شورای عالی فرهنگ باخذ نشان سپاس نائل گردیده و نیز نظر به حسن ابتکار و انجام وظیفه در شهرداری بنابه پیشنهاد شهرداری کل و تصویب علیحضرت همایونی باخذ نشان پاس درجه ۲ مقرر شده اند

پلیس انگلستان

سیستم پلیس انگلستان بیشتر از نظر سادگی آن برجسته و ممتاز است و این امتیاز ناشی از سادگی سازمان و عمل و از اینککه فقط یکنوع مامور پلیس بنام پاسبان وجود دارد میباشد .

لغت پاسبان دارای دو معنی است که یکی از آنها نماینده پائین ترین درجه است که در شهربانی وجود دارد و آنرا پاسبان ساده مینامیم .



قدیمترین پلیس در انگلستان

معنی دوم معرف مقام و منصب پاسبانی است این منصب و مقام مشترك بین تمام درجات میباشد و اساس وحدت و اتحاد و رژیم پلیسی انگلستان بشمار میرود - تمام شهربانیهای انگلستان مرکب از مامورین و هیئت‌های است که از پاسبانان تشکیل یافته و هیچگونه بستگی به تشکیلات نظامی و نیمه نظامی مانند ژاندارمری بعضی ممالک ندارد و بااستثنای شهربانی سلطنتی اولستر بقیه بدون اسلحه می باشند

مؤسسه پاسبانی یکی از قدیمترین و دموکرات ترین مؤسسات انگلستان است

در طی قرون متمادی وظیفه هر یک از اتباع کشور بود که از روی نوبت پاسبانی کوی خود را عهده دار شود لیکن پائین آمدن شرایط و اوضاع نوین این رویه تدریجاً غیر ممکن و بالاخره وظیفه مزبور به پلیس دائمی که این شغل حرفه او باشد برگذار گردید لیکن اختیارات این پلیس در بدو پیدایش خود چندان از اختیارات همان افراد عادی که وظیفه پلیس را انجام میدادند بیش نبود و حتی پلیس جدید در منطقه استحفاظی خود از هر جهت جانشین فرد عادی سابق را نیز پیدا نکرد و در رژیم قدیم پلیس مؤسسه پاسبانی محلی وجود داشت که حقوقی دریافت نمی نمود ولی نواب و نگهبانانی که مقرری هم دریافت میداشتند

بمعاونت او انتخاب گردیده و پلیس منظمی بوجود آوردند فعلا وضعیت عکس سابق است بدین معنی که بعضی از افراد هادی بطور موقت بنام پاسبان مخصوص نام خود را ثبت نموده و بدون دریافت حقوق خدمت میکنند این افراد تشکیل ذخیره میدهند که در مواقع ضرورت یا اتفاقات مخصوص میتوان آنها را فراخوانند در کشور های انگلیس و گال شهر بانیها سه طبقه تقسیم میشوند - اول پلیس متروپل یا پایتخت که حوزه استحقاقی آن لندن است که با جمعیت ۸ میلیون ونیم و با وضعیت ۷۰۰ میل مربع میباشد در مرکز آن شهر لندن با وسعت یک میل مربع میباشد که طبق سنت قدیم دارای پلیس مستقلی است دوم شهت شهر بانی بلوکی سوم ۱۲۰ شهر بانی قصبه شهر بانی اسکاتلند مرکب از سی و یک شهر بانی بلوکی و هیجده شهر بانی قصبه است

شهر بانیهای متروپل تحت اطاعت یکی از وزراء که مسئول امور داخلی است و وزیر کشور نامیده میشود میباشد و فرمانده نیروی شهر بانی بنام رئیس یا کمیسیونر شهر بانی مترو پلیس در امور عمومی اداره در مقابل آن وزیر مسئول می باشند

وزیر کشور علاوه بر اینکه مقام پلیس متروپل محسوب میشود بتمام مؤسسات انگلستان و گال نظارت داشته و این حق خود را بطور قابل ملاحظه اعمال میکنند - همین عمل از طرف استاندار اسکاتلند نسبت به پلیس کله شهر ها و قصبیات و بلوکات اسکاتلند انجام میگردد .

نیروی پلیس متروپل از ۱۸ هزار نفر تشکیل گردیده و قویترین نیروهای پلیس انگلستان است نیرو های بزرگ بعد از آن یکی نیروی لانکستر است که عده آن ۲ هزار و پانصد نفر و نیروی وست رایدنپک یورکشایر ۱۸۰۰ نفر و منچستر ۱۶۰۰ نفر میباشد پلیس های اسکاتلند مجموعاً ۷۰۰۰ نفرند که بزرگترین واحد آن پلیس شهر گلاسکو میباشد که از یک ثلث عده مزبور تشکیل میشود - شهر بانی سلطنتی اولستر (شمال ایرلند) هم سه هزار نفر است جمعیت انگلیسی و گال و اسکاتلند در سال ۱۸۳۹ در حدود ۴۶ میلیون تخمین زده اند بنا بر این بطور متوسط برای هر هفتصد نفر یک پاسبان وجود داشته ولی البته این نسبت در همه یکسان نبوده و نسبت واقعی پلیس در نواحی شهری و خارج شهر از ۱ تا

۰۰ و نسبت مترو پلیس در نواحی شهری و خارج شهر از يك تا هزار فرق میکند نیروی پلیس مهمترین قسمت دفاعی کشوری را تشکیل میداد و در حقیقت اسکلت این سازمان در حکم تیره پشت دفاع کشور بود در همه اوقات این افراد در معاونت و یاری برای حفظ روحیه عمومی شهرت بسزائی پیدا نموده و بسیاری از این افراد از لحاظ عملیات قهرمانی - از خود گذشتگی و رهبری خود بسیار ممتاز و برجسته بودند - بسیاری از افسران پلیس از بریتانیا به خارج فرستاده شده اند تا در کشورهای نجات یافته و حکومت نظامی متفقین در کشورهای اشغال شده خدمت نمایند در این مورد نه تنها برای کارهای پلیس بلکه برای امور از قبیل بهداری - تهیه آب - خواربار - صنایع - حمل و نقل و غیره از وجود آنها استفاده میشد

پلیس کشوری در انگلیس و گال و اسکاتلند همه دارای اونیفورم سرمه رنگ میباشند و فقط بازرسان آگاهی لباس شخصی میپوشند پاسبانان سلطنتی اولستر لباس سبز تیره دارند - کلاه معمولی پاسبانان در بعضی جاها کاسکت و در بعضی دیگر کلاه خود میباشد و در تمام نیروها کاسکت را افراد کمکی و کسانی که درجه آنها از کیلی بالاتر است و همچنین پاسبانانیکه دارای وظائف مخصوص از قبیل پاسبانی موتورسیکلت سواران و امبیلو غیره میباشند استعمال میکنند بنا بر این لقب مردان آبی به پلیس کاملاً میچسبد

رفتار پلیس نسبت باهالی - خود بینی بر رفاقت و صمیمیت کامل است بدون اینکه حیثیت و شئون خود را از دست بدهد پاسبان نماینده مجد عظمت قانون است ولی در شأن و حیثیت خود افراط نمیکند

در کتاب تعلیمات پلیس چنین نوشته اند که مامور پلیس بهیچوجه نباید بخود اجازه دهد که از ناسزا و دشنام مردم بهیچان آمده از جابدر رود زیرا گفته های بیهوده و احمقانه مردم بدون ارزش است که بایستی بهیچ شمرده شود پلیس باید همیشه مؤدب بوده احترامات مردم را رعایت کند لیکن قاعده و قانونی نیست که چنین تکلیفی الزاماً برای مردم وضع نموده باشد و دلیلی وجود ندارد در افواه متداول است که پلیس (میتواند چنین تکلیفی را عمل کند)

رژیم سابق پلیس در انگلستان

نکته‌بانان یا داروغه نمونه از پاسبان قدیم بوده که در قسمت‌های بسیاری از جهان وجود داشته و در انگلستان بموجب فرمان وینکستر صادر و از طرف ژرژ اول در سال ۱۲۸۵ مبنای قانونی تشکیل آن پلیس ایجاد شد ولی او را نمیتوان جداً يك مامور پلیس محسوب داشت این اصطلاح فقط به پاسبانی اطلاق می‌شود که تحت این عنوان در زمان سلطنت هانری سوم بوجود آمده اساس برنامه اصلاحی پلیس جدید برهم‌زدن شبگردی بود اگرچه عالیترین جنبه این رژیم این بود که برای اولین مرتبه شهر لندن برای روز هم دارای پلیس گردید لیکن در آن موقع و حتی در شبها پس از آن فکر حمایت پلیس مخصوصاً در هنگام شب وجود داشت این فکر فقط در اوایل قرن حاضر بوجود آمد که موقعی که مردم در بستر آرمیده‌اند وقتی است که حتماً پلیس از منزل خود بیرون باشد زیرا تغییرات شگرفی که در زندگی اجتماعی و اخلاقی و عادات مردم پدید آمد مخصوصاً بسته شدن اماکن عمومی در اوایل شب به پیدایش این فکر کمک نموده است.

معمولاً در ساعات اول شب بیشتر از سایر اوقات به پلیس احتیاج هست زیرا دزدی منازل و سایر انواع دزدی در این ساعات شایع تر و عبور و مرور وسائط نقلیه سنگین تراست.

در قرن شانزدهم و اوایل قرن هفدهم امتناع صاحب در کشور انگلیس و کال (بازوی اجرائی دولت محسوب میشد) لیکن در قرن هجدهم در قسمت امور پلیس مخصوصاً برای شهرها از این اشخاص مانند معاونین آنها یعنی کشکچی‌های برزن استفاده میشد



در لندن برای
بهبود وضع آنها که
تا آن موقع در خانه
های خود می نشستند
و در آنجا در ظاهر
بداد گستری اشتغال
داشتند لیکن عمل
آنها غالباً بیفایده گری
بود راهی پیش گرفته
شد بدین ترتیب که
اداراتی تاسیس شد
تا امناء صلح در آنجا
گرد آمده و بعوض
خانه در اداره بچلو

ناسبانان انگلیسی که در اصطلاح (بوی) میگویند از طبقه کشوری میباشند

فصل امور عمومی بپردازند و از این موقع محاکم صلح و محاکمات مشهورترین
این ادارات اداره بواسطرتیت روبروی اپرای کاونت گاردن بود که در سال ۱۷۴۹ هانری
فیلد نیک که قبل از آن تاریخ یکی از داستان نویسان مشهور بود از طرف
دولت بریاست این اداره منصوب و بر خلاف سایر دادگاهها مقرری دریافت میداشت
با انتصاب فیلد نیک بریاست اداره بواسطرتیت قدم های اولیه برای ایجاد حرفه
پلیس در انگلستان برداشته شد و از این تاریخ امور داد گستری و پلیس با یکدیگر
مخلوط گردید قبلاً عده کمی از پاسبانان و ستمینستر را بصورت دسته
کوچکی در آوردند و آنها را بطریق معمول امروزی مامور شدند که در اطراف به
تفتیش پرداخته بزحکاران را دستگیر نمایند در آن موقع شهر لندن مورد تهدید
دسته های منظم دزدان بود ولی پاسبان فیلد نیک در مدت کمی دست آنها را کوتاه
کردند پس از فوت فیلد نیک در سال ۱۷۵۴ ابتدا از طرف سر جان فیلد نیک که
که ناپینا بود و بعداً در سال ۱۷۸۰ در گذشت و سپس چند صاحب منصب دیگر
دنباله اقدامات را گرفته تا اینکه در سال ۱۷۸۲ دسته نوظهوری از پلیس بواسطرتیت
روی صحنه پدیدار شدند و آن عبارت از دسته از پاسبانان بود که برای حفاظت

لندن و حومه اسلحه بدست گرفته و این پاسپانان مسلح تا ۵ سال بعد که جزء نیروی متروپل شدند بنام (پاترول پلیس مسلح) معروف بوده و مرتباً بعد از ظهر سر خدمت حاضر و در نیمه شب بمنازل خود میرفتند و این پاسپانان تشکیل شده بودند از سوارو جمعی پیاده که از راهزنی و شوارع جلو گیری مینمودند زمانیکه برای اولین مرتبه در سال ۱۸۵۰ هر پلیس متروپل شعبه آگاهی که بعدها بصورت اداره تحقیقات جنائی درآمد دستور صادر گردید که کلیه بازرسان آگاهی باید خود را کاملاً با بز هکاران محل خود آشنا سازند نه اینکه با آنها معاشرت نمایند بلکه با یک نظر دقیق همواره مواظب حرکات و رفت و آمد آنها باشند و نیز ضمن دستورات اداری قید شده بود که مامورین آگاهی هر چند لباس شخصی در بردارند ولی باید منتهای دقت را در اعمال و رفتار خود بطوریکه متناسب و لازمه شئون پلیسی است بکار برند .

در سال ۱۷۹۸ نیز سازمان بسیار مفیدی بنام پاسپانان رودخانه در تحت نظر قضات اداره پلیس تایمز بوجود آمد که بوسیله آن غارتگری و دزدی دریائی که تا آن زمان در رودخانه لندن شیوع داشت پایان یافت و این اداره بعداً بنام دیویون تایمز ضمیمه متروپل گردید

پاسپانان برزن - شبگردها - نگهبانان و مفتشین بواسطه امنیت پاسپانان رودخانه و پاسپانان اداره پلیس همگی مجتمعا در موقع اصلاح شهریائی که سررا برت پیل پلیس لندن را بوجود آورد چنانچه پاسپانان برزن و شبگردها را از آن مهاجر و بقیه به ۳۰۰ نفر بالغ میشود در سایر قسمتهای انگلیس و کال مؤسسات پلیس مرکب بود از پاسپانان مختلف وعده از آنها برجسته و هوش بودند .

اصلاح ثانوی پلیس در شهر های انگلستان غیر از لندن در سال ۱۸۳۲ بموجب قانون روشنائی و نگهبانی که در پدید آوردن پلیس روز در خارج حدود متروپلین بشمار میرود شروع گردید این نظر در قانون انجمنها بلدی مصوب سال ۱۸۲۵ برآورد گردید و بموجب آن پلیس فقط در شهر های کوچک انگلیس تأسیس شد و بنا بر این قید و محدودیت تا سال ۱۸۵۶ بلوکات دارای چنین پلیسی نبودند .



بایس زن در انگلستان

یک رئیس کلانتری و ۱۶ رئیس پاسگاه در نظر گرفته شده بود پلیس بارونی در سال ۱۸۸۲ جزء شهر بانی جدید ایرلند در آمد و رؤسای کلانتریها تابع چهار بازرس کل قرار گرفته اند که حدود مسئولیت هر یک از آنها یکی از چهار ایالت ایرلند بود - در سال ۱۸۶۷ ملکه ویکتوریا برای حق شناسی از خدمات صمیمانه و صادقانه پلیس فرمان داد تا آنها را بعداً بنام پلیس سلطنتی ایرلند بنامند علیاحصرت ملکه حق استعمال نشان بریط و تاج را به پلیس مزبور اعطاء نمود و در سال ۱۹۲۲ در روز اول ماه ژوئن در موقع انحلال تشکیلات پلیس سلطنتی اولستر بوجود آمد و تدریجاً تشکیلات خود را توسعه و تکمیل نمود ولی در اوایل مردم ترس و وحشت عجهبی از پلیس داشتند ترس از اینکه پلیس جدید ممکن است برای جلو گیری از آزادی و برای مقاصد سیاسی یا جاسوسی مورد استفاده مواقع شود این فکر خیلی دیر از خاطر ها محو شد این ترس دائماً بوسیله مخالفت آشوب طلبان و ماجراجویان و اشخاص حسود و صاحبان منافع و مطامع شخصی و بعضی از جرایدهمواره تقویت میشد تا اینکه پس از چند سال این حقیقت روشن گردید که تنها کسانی که آزادی عمل و معافیت از مداخله پلیس را از دست دادند همان افراد بزهکاران بودند

در اسکاتلند اصلاح وضع پلیس در شهر ها و بلوکات در بعضی نقاط مقارن و در بعضی دیگر قدری زودتر از شروع باصلاح در نقاط جنوبی بریتانیا انجام پذیرفت پلیس (ایرلند) هم بموجب قانون پارلمانی مصوب ۱۸۲۲ تأسیس گردید لیکن پیش از آن تاریخ بموجب قانون ۱۷۸۷ پلیس دیگری تأسیس شده بود که بموجب آن برای هر یک یا چند قسمت بارون

مقام و مسئولیت پاسبان

بطوریکه در پوش بیان گردید پلیس جدید مانند پلیس قدیم يك مؤسسه پاسبانی است و اهمیت این موضوع مخصوصاً زیاد است زیرا مقام پاسبانی مبنای اختیاراتی است که پلیس امروزی انگلیس دارا میباشد

در بدو استخدام هر پاسبان مأمور پلیس که در شهر بانیهای انگلیس و گال بخدمت گمارده شود باید مراسم تحلیف بجا آورده و بدین ترتیب در حضور حاکم صلح اظهار میدارد که از روی صدق و صفا و خلوص نیت و وفا در مقام پاسبانی خدمتگذار پادشاه خواهد بود در اسکاتلند طرز اجرای سوگند اینست که میگویند وظایف پاسبانی را از روی حقیقت و واقعیت انجام خواهد داد و در ایرلند شمالی میگویند بخوبی و از روی صداقت اعلی حضرت پادشاه و حکومت ایرلند شمالی را خدمت خواهد کرد این وظیفه شایستگی و شخصیت پاسبانان انگلیس است زیرا بوسیله آن کاملاً خدمتگذار قانون و ملت میگردد نه نماینده یا مأمور یکی از مقامات اداری یا قضائی کشور

پاسبان نماینده یا خدمتگذار یا مأمور از طرف مقام پلیسی محل با هر کس دیگری نمیباشد بلکه او با استقلال تمام بعنوان دارنده مقام عمومی اختیارات خود را اعمال مینماید البته پاسبان تحت نظارت عمومی و هدایت افسران مافوق خود میباشد و این نظارت حائز کمال اهمیت است لیکن در جریان وظایف عادی پاسبان باید با هر وضعی که مراجع میگردد اختیارات خود را بوجه مناسبی انجام دهد و باید همواره با ادراک و بصیرت و معلومات حقوقی خویش متکی باشد اختیارات افسران مافوق در امور پلیسی هیچ زیاد تر از پاسبان یا وکیل نیست و این امر فرق اساسی پلیس و سرباز شمرده میشود افسران مافوق پامس مسئول اشتباهات افراد مادون نیستند مگر در صورتیکه اعمال شکایت آمیز آنها بر اثر دستور صریح آنها انجام شده باشد و بنابراین پاسبان برای هر جرمی که در حال انجام وظیفه پاسبانی مرتکب میشود مانند اشخاص عادی باید در مقابل قانون جواب و محاکمه شود

ممکن است تصور شود که چون پاسبان خدمتگذار تاج و تخت و مقام سلطنت است بنا بر این پلیس انگلستان را پلیس دولتی محسوب داشت ولی اینطور نیست زیرا پاسبان بهیچوجه نمایندگی و مأموریت مستقیم از طرف مقام سلطنت را دارا نیست بلکه فقط در راه نگهداری امنیت و آرامش عمومی که ناشی از مقام سلطنت است خدمات خود را نسبت به تاج و تخت انجام میدهد. نظارت برای اعمال پلیس بعهده مجلس عوام است مجلس عوام انگلستان علاقه مخصوصی نسبت باسکاتلند دارد و پلیس متروپل دارد و هر عملی که از رئیس شهربانی یا هر یک از مأمورین او سر بزند ممکن است مورد استیضاح مجلس قرار گیرد در مورد سایر نیروهای پلیس وزیر کشور و در مورد نیروهای اسکاتلند استاندار اسکاتلند مورد استیضاح نمایندگان قرار می گیرد.

در سال ۱۹۳۳ در موقعیکه لرد ترفنگارد مارشال نیروی هوایی سلطنتی متصدی مقام ریاست شهربانی گردید تغییراتی از قبیل تأسیس مدرسه عالی پلیس از فکر او تراوش کرد و لوایح مربوطه از طرف دولت برای تصویب بپارلمان تقدیم گردید

وظایف و اختیارات پلیس

بطور خلاصه وظیفه عمده و اصلی پلیس حفظ نفوس و اموال است. یکی از وظایف اولیه پلیس اینست که حتی المقدور کوشش کند دزدان و جنایتکاران را بی آنکه صدمه و آسیبی بآنها برسد دستگیر نمایند.

دیگر از وظایف سنگین و عمده پلیس حفظ و رعایت مقررات مربوط به راهنمایی و رانندگی است و منظور این است که سلامتی مردم بعد از آنکه امکان حفظ شود



سالم نگاهداشتن خیابانها و راهها برای کسانی که از آن استفاده مینمایند همیشه جزء وظائف پلیس بوده و یقیناً هیچ وظیفه ای از این مهمتر نمیباشد و وسط عده اشخاصی که بر اثر آدمکشی جان خود را از دست میدهند در انگلستان سالی صد نفر میباشند از طرف دیگر تصادفات راهماحتی در دوره جنگ با وجود اینکه عبور و مرور وسائط نقلیه بسیار تخفیف یافته بود مع الوصف

یکی از وظائف مهم پلیس تنظیم عبور و مرور وسائط نقلیه است ۸۰۰۰ نفر از فوت و ۲۵۰ نفر از جرح و زخم در سال میگردید در فوریه ۱۹۴۵ در مجلس عوام رقمهایی که خوانده میشد نشان میداد که عده اشخاصی که بر اثر تصادفات راهها مجروح گردیده اند بمراتب بیش از آنهایی است که مورد بمباران های هوایی دشمن واقع گردیده اند بشا بر این وسائط نقلیه بطور حتم کار زیادی برای پلیس ایجاد نموده است.

در سال ۱۹۳۸ مجموع جرائم رانندگی و تخلفات از قانون عبور و مرور که پلیس مترویل بآنها رسیدگی نموده است بالغ بر ۲/۴۵۰/۰۰۰ میباشد که از این عده ۱۱۷/۰۰۰ مورد تعقیب گردیده و بمحکمه تسلیم شده اند و ۶۷/۰۰۰ التزام کتبی گرفته شده و ۲/۲۶۶/۰۰۰ مورد دیگر با اینکه در محل وقوع تخلف پاسمان مربوطه شفاها بآنها تذکر داده و یا اینکه اخطار کتبی برای آنها فرستاده شده مبنی بر اینکه مقررات عبور و مرور را رعایت کنند این ارقام نشان میدهد که پلیس تا چه حدودی بجای تعقیب مقخلف و متهم ساختن در ترغیب و مایل ساختن مردم به پوری از مقررات رعایت میکنند ولی در عین حال باید

دانست که این رویه فقط در صورتی مؤثر است که عابرين يعنى كسانيكه از راهها استفاده ميكنند با پليس تشريك مساعي نمايند براي اجراء مقررات وسائط نقليه پليس موتور سوار و پليس پياده هر دو ماموريت يافته و همچنين مامورين پليس تشويق ميشوند كه سهم خود را در ياتين آوردن تمهات تصادفات وسوانح راه اجرا نمايند عده زيادي از مامورين شهر باني همه روزه در ساعات ورود و خروج اطفال در نزديكي مدارس كمارده شده تا آنها را از هرگونه خطر حفظ كنند علاوه بر تمام اينها كنفرانسها و خطابه هائي در موضوع جلوگيري از خطرات عبور و مرور از طرف افسران برجسته پليس براي معلمين و اطفال در مدارس و همچنين در نمايشات صبحانه وسينماها ايراد شود

از جمله وظائف ديگر پليس كه شايسته توجه است رسيدگي باهوا سلاحه گرم ميباشد قوانين خريد سلاحه گرم واستعمال داشتن آنها مقيد بگواهينامه نموده كه رئيس شهر باني محل صادر نموده باشد علت عمده كه پليس انگلستان با خود اسلحه حمل نميكنند فقط يك باتوم چوبي كوچك دازد اينست كه مردم هم اسلحه ندارند و باتوم هم كمتر استعمال مينمايد زيرا قدرت بدني آنها بحدى است كه متخلفين را بدون باتوم دستگير ميكنند و باضافه كمتر اتفاق افتاده كه پليس با باتوم مردم را بزند چون پليسهاي ابله و بي ادب ممكن است چنين عملي بكنند حتى اگر افسران هم با باتوم مردم را بزنند از خدمت شهر باني انگليس خارج ميگردند قسمت اعظم نقشي كه پليس انگلستان بازي ميكند و نسبتاً از هر جهت مناسب ميباشد هر هون قابليت و مقام شامخي است كه حكومت دموكراسي محلي انگليس در طي شصده سال تحصيل نموده است در عين حال يكي ديگر از علل عمده آن معروفيت قابل ملاحظه پليس و حسن اعتماد و دوستي است كه مردم را وادار ميكند در موقع ضرورت براي هر نوع راهنمائي و اطلاعات وياكمك باولين پاسبان مراجعه نمايند .

تعلوهمات زير بشكل اندرز در سال ۱۸۴۰ از طرف رئيس كلانترى بلوك لانكستر براي پاسبانان صادر گرديده است و ما هم عيناً آنها براي اطلاع افراد پليس ايران درج مينمائيم .

اندرزهای زیر

- باید جدا از طرف پاسبانان شهر بانی رعایت و همواره در خاطر آنها باشد
- ۱ - اختیاراتیکه به پاسبان داده شده برای اینست که از مردم حمایت کنند نه اینکه نسبت بآنها تعدی نماید
 - ۲ - کاری کنید که موضوع جلوگیری از جرم که باید با اشتیاق کامل و از روی قاعده و ترتیب اختیارات و مساعی خود را برای تامین آن مصروف دارید بطور مؤثری انجام پذیرد.
 - ۳ - وقتیکه جرمی بوقوع پیوست بدون ازدست دادن کوچکترین فرصت باید برای کشف و دستگیری بزهکار و تسلیم او به دادگستری سعی بلیغ مبذول دارید.
 - ۴ - باید اطلاعاتی نسبت بکلیه دزدان مشهور و بیکاران و اشخاص نامرتب دانسته و آنها را بشناسید.
 - ۵ - بطور دقیق و باریک مراقب کسانیکه وسیله معیشت معلوم و معینی ندارند باشید.
 - ۶ - از ولگردی جلوگیری کنید.
 - ۷ - در انجام وظایف بی غرض و بیطرف باشید
 - ۸ - کلیه تمایلات حزبی و سیاسی را از مغز خود بیرون کنید.
 - ۹ - هنگام پیش آمدهای غیر مترقبه و منازعات غیر قابل احتراز در انجام وظیفه خود آرام و ملایم و در عین حال شجاع و جسور باشید.
 - ۱۰ - از بحث و مجادله بپرهیزید و هر گاه فحش و هتک حرمت و ناسزا و یا رفتار خشونت آمیزی از کسی دیدید منتهای حسن خلق را از خود نشان دهید.
 - ۱۱ - دائماً خود را در کمال متانت و همچنین هوشیاری نگاه دارید زیرا يك لحظه سستی باعث انفصال پاسبان میشود
 - ۱۲ - حساب و جوه و اموالی که برای تسلیم بشما سپرده شده یا در اجرای وظیفه بهما داده شود با کمال صداقت و شرافت و فوریت پس بدهید.

با در نظر گرفتن مراتب مذکور همواره بنخاطر داشته باشید که شرافت
و صداقت بهترین سیاست است
هرگز در قهوه خانه ها و آبجو فروشیها نروید .
صرفه و صلاح هر کس در این است که قسمتی از وقت خود را صرف خواندن
و نوشتن و بالابردن سطح معرفت عمومی خود بنماید زیرا جهالت و نادانی
سرشکست ناپذیر ترقی و پیشرفت است .

پلیس انتظامی پاریس

دائره پلیس انتظامی یکی از دوائر فعال و مهم شهربانی پاریس است. از تعداد ۳۰۰۰۰ نفر افراد وابسته شهربانی بیش از ۲۰۰۰۰ نفر در اختیار پلیس انتظامی شهر است. بهمین جهت در این اجتماع وسیع که در شهر سکونت دارند پاریس با ۲۰ ناحیه و ۸۰ بخش ناحیه سن که هر کدام مثل شهری میمانند پلیس انتظامی (ام.ت.) که مأمور حفظ و حراست اهالی پاریس است سه رل اساسی و نقش عمده را بازی می‌کند.

۱- اقدامات احتیاطی و پیش‌بینیهای احتمالی - پلیس انتظامی که حافظ امنیت پاریس است قبلاً موارد تجاوز از قانون را پیش بینی کرده و جنایتکاران را از فعالیت‌های احتمالی جلوگیری می‌نماید و با این عمل خود آرامش اهالی شهر را تأمین می‌نماید

۲- سرکوبی اشرار و افراد منحل آرامش عمومی. توقیف مجرمین و جنایتکاران در مورد تخطی از موارد قانون و وقوف بر آن بازداشت مجرمین جنایات مشهور و علنی در حین ارتکاب جرم

۳- پلیس مهده دار قوای انتظامی است و در موارد اغتشاشات یا تظاهرات دسته جمعی وظیفه دار استقرار نظم است تشکیلات این پلیس کاملاً باوظائف آنها هم‌آهنگ است:

تخت اوامر رئیس شهربانی کل کشور و معاون اورئیس دوائر پلیس انتظامی ستادی تشکیل می‌دهند که (هسته مرکزی) و محور اصلی جریان بسیار متمرکز و تشکیلات عمیق و مدرن آن است.

همون ستاد است که بوسیله دفاتر اجزائیات خود تمام اصول سه گانه فوق را بدین ترتیب بموقع اجراء می‌گذارد:

۱- تهیه و گرداندن دوائر انتظامی -
۲- طرحهای مربوط به محافظت و نگهبانی مؤسساتی که جنبه حیاتی دارند

۳- تهیه برنامه های تأمینی در مواقع نقل و انتقالات شخصیت های برجسته (ریاست جمهور- کابینه ها و غیره)

۴- تشکیل توقیفگاههای دسته جمعی برای اوباش و مجرمین که امنیت عمومی لزوم توقیف آنی آنها را قبل از محاکمه ایجاب مینماید .

۵- بمرحله اجرا گذاردن دستور رئیس کل شهربانی در مواردی که بیم اغتشاش و ناامنی می رود

کلیه این اقدامات بسهولت قابل امکان است زیرا استاد فوق الذکر سرورس ارتباط و انتقال بسیار مرتبی دائر کرده است که در واقع حکم محور اساسی چرخهای این دستگاه عظیم را دارد

این سرورس دائماً در هر لحظه آماده دریافت کلیه اطلاعات و اخبار لازم جهت هدایت و رهبری این دوائر و بخش متقابل فرامین و تعلیمات بدو اثر اجرایی میباشد کلیه این امور با استفاده از دستگاههای ارتباطی عالی برقی از قبیل تلفون تلگراف کوشی - رادیو انجام میپذیرد

شهربانی در واقع يك سیستم ارتباط تلفنی بسیار کاملی در اختیار دارد که بسیاری از پایتخت های دیگر فاقد آنها هستند .

تعداد هزار و پانصد پست اختصاصی ستاد فوق الذکر را بشعب مختلف کلانتریهای بخش ها و محله ها و همچنین بتمام بخش های نکهبانی ناحیه سن مربوط میسازد این پست ها در عین حال نیز ممکن است بوسیله امر عمومی آماده و دست بکار شوند . بعلاوه يك شبکه مرکزی الکتریکی مجهز با تابلو های راهنمایی برقی که بوسیله لامپهای خود کار روشن و تاریک میشود در هر آن بستاد مرکزی اجازه میدهد که با ۶۱۷ دفتر اطلاعات پلیس که در تمام چهارراههای مهم شهر و حتی در جنگلهای بولونی و ونسان مستقر هستند و بالنتیجه با فرد فرد افراد پلیس که حافظ امنیت عمومی هستند ارتباط دائم داشته باشد . يك شبکه رادیو با ۳۰ موج کوتاه و سه دسته فرکانس بستاد مزبور اجازه میدهد که آمار عملیات انجام شده را در هر آن دریافت داشته و در مقابل فرامین و دستورات فوری مورد لزوم هر يك از سی اتومبیل مجهز بدستگاه فرستنده و گیرنده را صادر نماید این اتومبیل ها در تمام ۲۴ ساعت شبانه روز در تمام ناحیه سن رفت و آمد میکنند و هر جا که وجودشان مورد لزوم واقع شود فوراً در عرض کمتر از چند لحظه خود را بآنجا میرسانند

با استفاده از این وسائل مدرن ریاست پلیس پاریس کنترل دائمی جاده های عمومی را برای خود حفظ میکند ستاد تامینی فوق قادر است نیروی پلیس مورد احتیاج هر نقطه پاریس یا حومه آنرا از قوائیکه در سربازخانه پاریس پیوسته آماده دارد ارسال دارد. در عین حال این ستاد میتواند اقدامات لازم جهت توقف فوری در مورد توقیف مثلاً يك اتومبیلی که مسافر آن مرتکب توطئهئی شده اند بعمل بیاورد. و باز میتواند به پلیس امدادی اعلام خطر فوری نماید زیرا تقاضاهای عمومی که بوسیله شماره ۱۷ شبکه تلفن عمومی ارسال میشود مستقیماً به ستاد میرسد و همچنین در مواقع حریق - حادثه . اختناق و امثال آنها قادر است کمک فوری و موثر بنماید.

بموازات این ستاد که در عین حال هم دستور میدهد و هم همکاری میکند تعداد جناب توجهی دوائر بزرگ وجود دارد که وسائل اجرای مأموریت های شهر بانی پاریس را فراهم میکنند.

مدیر سرویس فنی - تمام تکنسین های شهر بانی را تحت اختیار خود دارد و اختصاصاً سرویس مجهز اتومبیل را باید نام برد که شامل تمام وسائط نقلیه است که مورد استفاده پلیس قرار میگیرد از قبیل اتوسپارها . اتومبیل های مجهز براديو و بلندگو اتومبیل فرستنده و گیرنده دار - ماشین های پلیس و تعداد آن در حدود صد کامیون و کامیونت - سرویس موتورسیکلت سوار و غیره تعمیر کارگاههای اسلحه سازی که انواع مختلف طپانچه های ساده و خود کار درست میکنند و اینها اسلحه هائی هستند که حافظین آرامش پاریس (پاسپانان) با آن مجهزند بالاخره سرویس عکاسی و غیره که همه تحت اداره سرویس فنی قرار دارند.

یکی دیگر از دوائری که تحت نظر مدیر سرویس فنی قرار دارد پلیس بحری است . این پلیس بوسیله قراولان سریع السیر و قایقهای نجات براسکله ها و بار انداز ها و جریان آب رودخانه سن نظارت مینماید و خود جداگانه يك شعبه پلیس امدادی بحری تشکیل میدهد . اما پلیس (هوائی) . این پلیس رفت و آمد هواپیما هارا بر فراز پاریس کنترل میکند و همچنین رسیدگی به نمایش های هوائی (عملیات آکروباسی هوا پیما ها) و پرواز بالن های تفریحی

که بیشتر روزهای جشن و عید بر فراز میدان کونکور دویاشانزلهزه بعملیات می پردازند.

دوائر اختصاصی دیگری نیز هست که ماموریت متنوع و مشروحی از قبیل

۱- سرویس حفاظت ریاست جمهوری که مامور حفاظت شخص رئیس جمهور است.

۲- سرویس موزیک پلیس

۳- دسته موزیک مسلح ۱۲۰ نفر

۴- سرویس راهنمایی که در آن افراد ورزیده ئی ۹ تنویت دارند

۵- مدرسه پلیس در دوره تحصیل یکساله این آموزشگاه افراد پلیس جوان باهتد فنی و عملی مربوط بشغل خود تربیت میشود بدون اینکه از برنامه تعلیمات ورزشی یا اطلاعات عمومی و دروس نظری چیزی کاسته باشند.

مهمترین سرویسها (دائرة راهنمایی رانندگی) است. افراد وابسته باین دائرة نشان مخصوصی روی بازوی خود دارند. روی این نشان شکل گردونه ئی با حاشیه دوزی نقره رسم شده است افراد پلیس راهنمایی و رانندگی با چوب مخصوص سفیدی که در دست دارند رفت و آمد ماشین های پاریس را کنترل و تنظیم میکنند. تمام امور مربوط بر راهنمایی با چراغ های خودکار رنگین مربوط بهدین سرویس است

سرویس اتوبوس رانی جزء تشکیلات کلی اتومبیل رانی و مسابقات با اتوموبیل و غیره میباشد.

۹ تمام آنچه که تا اینجا گفته شد از امور اختصاصی پلیس بود. حال باقی می ماند امور دیگری که در حوره صلاحیت پلیس محلی است و جزء امور و وظائف عادی آن است این امور بدست ۵ حوزه کار آگاهی پلیس انتظامی است. پاریس و حومه آن که به حدود خانه سن میرسد به ۶ ناحیه منقسم میشود که هر يك بوسیله يك کمیسر ناحیه ئی اداره میشود.

هر ناحیه مشتمل است بر

سه تا چهار بخش و چند پاسگاه پلیس که محل تجمع حوزه های مجاور

انجمن‌های محلی است. مثلاً ناحیه اول شامل سه بخش مغرب پاریس است :
بخش‌های ۸ و ۱۶ و ۱۷ شانزه‌لیزه اوتوی. باتینیول. کولومب. کوربوا.
توالوآویوتورنی‌بی میباشد.
وبالآخره هر بخش پاسگاه پلیسی دارد که تحت فرمان يك کلانتر است که
بوسیله معاون سر کلانتری تعیین وبوسیله يك گروه ۱۰ نفری باسبان تحت فرمان
يك افسر گارد سوار شهر بانی کمک میشود.

باداشتن انضباط کامل و دیسپلین و رعایت سلسه مراتب منظم دستجات
پلیس پاریس خیلی کمتر از دستجات مشابه پایتخت های ممالک دیگر جنبه
نظامی دارد پاسبانان معمولاً محل نگاهداری مانند سرباز خاتمه هاندارند و در
منزلهای خود زندگی میکنند و هر روز برای انجام خدمت ۸ ساعته خود بمحل
ماموریت خویش رهسپار میشوند.

پست مرکزی هر بخش معمولاً در حوزه‌های شهرداری هر محل مستقر گردیده
است و دفتر کلانتری پلیس و همچنین پست موتوریزه پلیس امدادی و نفرات وابسته
به آن در همین محل قرار دارند.

هر بخشی شامل چهار محله است کلانتری های هر محله مستقل هستند و
تابع شهر بانی نمیباشند بلکه بالعکس تابع مقامات قضائی هستند و وظائف
دیگری دارند. معهذا در هر کلانتری پاسگاه پلیس های شهر بانی وجود دارد که
در صورت لزوم مورد استفاده قرار میگیرند و در بروز اغتشاش امنیت هر محله را
تامین مینمایند

مامورین نگهبانی و نظارت بر امنیت عمومی یا از کلانتری های بخش و یا
دوائر ناحیه یا از هر دو بطور تساوی تحت فرمان پادگان مرکزی انتخاب و
در اختیار پادگان مرکزی گذاشته میشود.

حوزه های بخش شبها بوسیله مامورین نگهبانی دو چرخه سوار اداره
می شود و عملیات آن بامعاونت و همکاری مامورین پیاده تکمیل میشود حوزه های
بخش هر کدام يك عده مامور ۱۰ تا ۲۰ نفره در اختیار دارند و بعنوان پاسگاههای
موقتی در بعضی بخشها شبکه های مخصوصی دارند که برای بازجوئی عابسرین

جهت تحقیق در هویت آنها و یا بررسی وضعیت اشخاص مشکوک و نظارت بر دسته‌ها و انجمن‌ها بکار می‌روند.

سرویس‌های اتومبیل‌های رادیو دار در تمام مدت شب در حالیکه همیشه مجهز و مهمیای حضور در محله‌های واقعه میباشند درآمد و رفت بوده و بعضی از این دوائر دارای وسائط نقلیه کوچک مسلح به مسلسل‌های سبک میباشند مأمورین کشتی موتورسیکلت سوار شب و روز در پاسگاه‌های ثابت استقرار دارند استاد پادگان مرکزی به گشتی‌های مجهز بمشین‌های رادیو دار مستقیماً فرمان میدهند. این گشتی‌ها مأمور حفاظت مؤسسات رهنی و دفاتر پستی میباشند و علاوه مأموریت دارند با دستجات اوپاش مبارزه نمایند و معمولاً از پلیس و افسر کارآمد مجهز به اتومبیل‌های پلیس تشکیل میشود که همه مسلح هستند.

پایان

رئیس شهربانی ایران

سازمان پلیس فرانسه و انگلستان را دیدن نمودند

روز پنجشنبه بیست و هفتم مهر ۱۳۲۹ تیمسار سرتیپ دفتری رئیس شهربانی کل کشور با رویا عزیمت نمودند این مسافرت بنا بدعوت رئیس پلیس فرانسه و رئیس پلیس لندن صورت گرفت.

تیمسار دفتری ابتدا به پاریس رفتند و پس از ۲۶ روز اقامت در آن شهر به لندن عزیمت نموده و مدت ۱۱ روز مهمان رئیس پلیس لندن بودند و روز سه شنبه هفتم آذر پس از چهل روز توقف در اروپا بتهران وارد شدند.

در پاریس و لندن بافتخار ورود تیمسار دفتری ضیافت‌های باشکوهی داده شد و در یکی از میهمانیها رئیس پلیس فرانسه لئونال ضمن نطقی که ایراد نمود نشان (لژیون دونور) را که از نشانهای معروف فرانسه است با تشریفات مخصوصی از طرف رئیس جمهور فرانسه بر رئیس شهربانی ایران اعطاء کرد و همچنین رئیس پلیس فرانسه یک باتون کوچک و یک پلاک که نشانه صد و پنجاهمین سال تأسیس پلیس فرانسه است بعنوان یادگاری به رئیس شهربانی اهداء نمود.

تیمسار دفتری کلیه مؤسسات پلیسی فرانسه و اسکاتلند یارد انگلستان و سازمان کارآگاهی آنجا را دیدن نمودند و حال در نظر دارند پروژههای اصلاحی خود را تدریجاً در شهربانی عملی نمایند و مخصوصاً امور راهنمایی و رانندگی مورد توجه مخصوص ایشان است.

امیدواریم با لیاقت و کردانی که تا کنون از خرد بروز داده اند نسبت به نظریات اصلاحی خود موفقیت حاصل و نام نیکی از خود در شهربانی ایران بیادگار گذارند.

فایده نامه

صفحه	سطر	غلط	صحیح	صفحه	سطر	غلط	صحیح
۱	۹	یس	یس	۲۶		قرار	فرا
۵	۱۳	میرد	میرد	۲۶	۳	پریاست	پریاست
۹	۲۴	قصر	قصر	۲۷	۴	است	است
۱۱	۹	د	د	۳۲	۱۳	در	تا
۱۱	۹	میکشند	میکشید	۴۲	۵	هرج	بهرج
۱۱	۱۹	اهمیت	اهمیت	۴۲	۲۳	شهربانیها	شهربانیها
۱۲	۱۲	فورد	فورت	۴۳	۱۷	سربی	سربی
۱۳	۱۵	سنلج	سنکلج	۴۳	۱۹	رکن الدین	رکن الدین
۱۴	۷	استطاق	استنطاق	۴۵	۴	ریاست	ریاست
۱۴	۲۳	نایب سلطنه	نایب السلطنه			شهربانی	شهربانی را
۱۵	۱۱	روحامون	روحانیون	۵۰	۱۳	ابهام	انجام
۱۵	۲۰	انتظامی	انتظامی	۵۰	۱۷	ایشان	ایشان
۱۶	۴	درین	درین	۵۳	۹	انتشارات	انتشارات
۱۶	۷	نمرد	نمود			اطلاعات	اطلاعات
۱۶	۷	وزیر	وزیر			منصوب شدند	منصوب شدند
۱۶	۱۰	وا	را	۵۷	۲۳	شعبه کندرو	شعبه کندرو
۶۱	۲۱	مبتدلی	مبتدل	۸۰	۱۲	سرگری	سرگردی
۲۰	۱	بایب	نایب	۸۰	۱۳	سمتهای	سمتهای
۲۱	۱۴	تعیین	تعیین	۸۳	۲۴	اوزدپاشا	اوزدمیرپاشا

